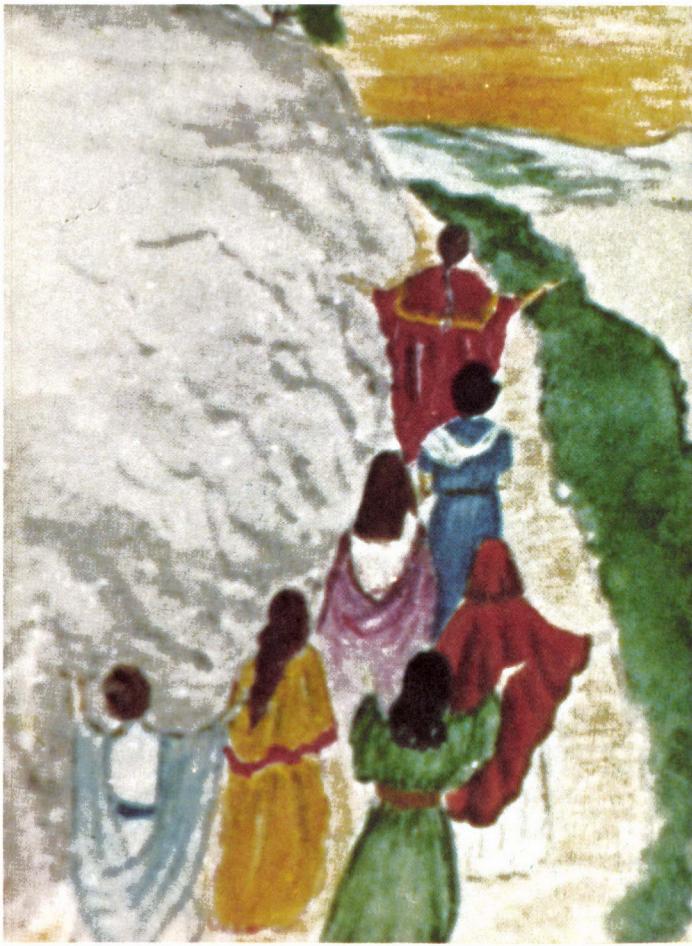


عندليب

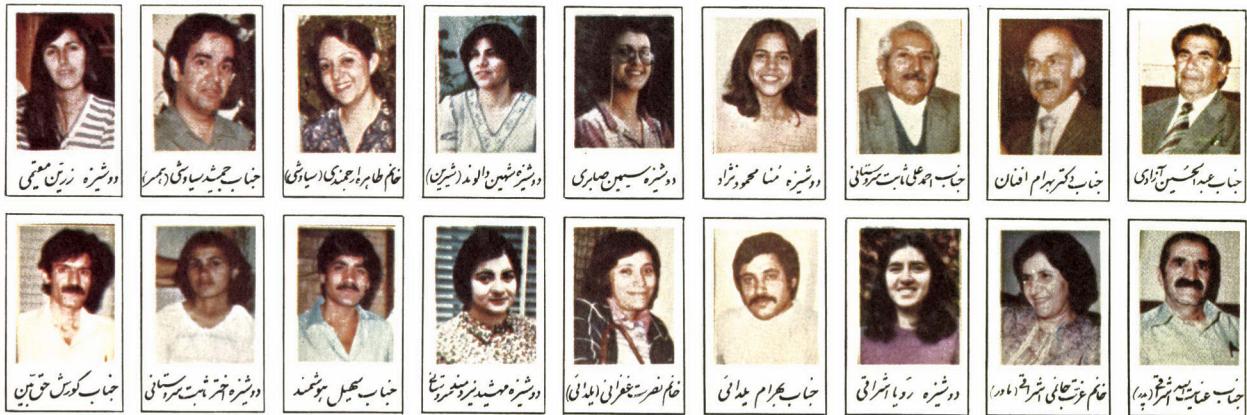




* روایی نقاش چیره دست غیر بھائی



محبده آن شهدای شیراز که هفت دوشیزه جوان در میان آنان دیده میشود.



* شبی که فردای آن طناب بی امان وار گردان نازنین هفت نوع دس شیراز (بقول مردم آن دیار) را آزدده ساخت. نقاشی غیر بھائی در عالم روایا خواهی می بینند که هفت دوشیزه جوان و آراسته پای کوهان دست افشار بخطاطی دور دلی پر زور و در حکمتند. نقاش سخت تماشی این روایا قلم بست گرفته تصویر هفت دوشیزه چون بگن گل لطیف پاک را ریخت سرچشمی که در تصویر دیده شود بصفحه ای ترسیم نماید. فردای قدم میشود که هفت خبر بھائی شحادت بقول و باتفاق نور شافتند از تصویر ترسیمی روایی خود اینکه که دوشیزه کان مرد بور ای شاخته اند اراده داده دشباہت میں تصویر هفت دوشیزه شکیس مرد نماید آن قرار گرفته است.

عندليب

نشریه محلی بهایان کاذب ازبان فارسی

سال سوم

VOLUME V



شماره دهم

NO. 10

۱۴۱
بیان

بخار ششم ۱۳۶۳

SPRING 1984

‘ANDALIB

7200 LESLIE STREET, THORNHILL
ONTARIO, CANADA L3T 2A1

حق پاپ مخواست

۱- آثار قلم اعلیٰ	۳
۲- لواح مبارکه حضرت عبدالبهاء	۵
۳- پیامهای بیت العدل اعظم الہی شیداللہ ارکانہ	۸
۴- حقائق گفتگو از حوادث روز بقلم ر.م.ر.	۲۷
۵- عقیده مادر باره اسلام و قرآن مجید (جامعه بهائیان ایران)	۳۱
۶- عیکی از دلائل اثبات مظاہر مقدسه الہیه (بقلم ایادی امرالله جناب علی اکبر فروتن)	۳۴
۷- مشرق الاذکار عشق آباد	۳۷
۸- تاریخ زرین شهادت (شرح حال شهید مجید جناب سهیل صفائی	۴۴
۹- خاطراتی از هفتگل نوشکفته محبت اللہ در زندان شیراز	۵۰
۱۰- شعر درباره شهداء شیراز (از آقای سهیل سمندری)	۶۱
۱۱- شعر (دلملع تجلی جانان است) از آقای ابوالقاسم افنان	۶۵
۱۲- قسمت جوانان (حقوق والدین) از آقای موهبت اللہ هائی	۶۶
۱۳- داستان خواندنی (از یک محصل بهائی)	۷۱
۱۴- نامه شهید مجید خانم ژینوس محمودی خطاب بفرزندان شهید مجید جناب مودت	۷۴
۱۵- اخبار و بشارات بین المللی	۷۵
۱۶- اولین سیمپوزیوم بررسی رابطه بین دیانت بهائی و دیانت اسلام از آقای ناصر ثابت	۷۸
۱۷- اولین کنسرت عمومی بهائی در تورنتو	۸۰

عکس‌ها :

روی جلد - مشرق الاذکار آمریکا االمعبود غرب
 داخل روی جلد - شهداء عزیز شیراز و تصویر ترسیمی نقاش غیر بهائی
 داخل مجله - مشرق الاذکار عشق آباد، اولین مشرق الاذکار عالم بهائی
 و عکس جناب افنان حاج میرزا محمد تقی وکیل الحق بانی
 مشرق الاذکار عشق آباد

بِنَاءً مَحْبُوبٍ بِيَكِنَا،

ایامیت که سکان سهوت دارض اخذ نموده و شرافات شمش افتخار
و امتحان برگل آشیا تحلی فرموده اید استان آنی بذکر دست از ذکر عالمین منقطع
باشد و بیادش از نادمن فی الاکوان فاعن شوید اربابی اورده محروم مباشد
عصریس از افق نظر ربانی شمس سرد طالع شود و ایام عمر مردم نماید و خبر مجدد متفع گردد
و آیه غلبہ نهیت کل برید راحاطه فرماید دفعه طلم از لوح کون محسوس شود هند اعد
غیر ملذوب انش اللہ لازم در فضل عنایت ساکن پایه در سایه سدر محبت مسریح

والله حکم آمد



قلم علی مفیس ناید :

هوانا طق لدار لعیم حکیم

امروز اهل ملا، علی وحبت علیا بکمال بجهت ونشاط و فرح وابساط باهم معاشرند و شاد
لقاء میدهند چه که ارواح مقدسه نورانیه از ارض یاصعود نموده کل استقبال نموده اند و حال
بکمال الغفت و اتحاد و رآن ارض مقدسه مبارک و آن فضای نورانیه روحانیه مشی مینهند اهل
خدا، مجده هر کیت بین کلمه مبارکه علیا طق یوم فرج آمد دوستان درگلشن بانی با افسن
روحانی بعیش جاده ای و عشرت ابدی مشغول اهل سرادر قفضل هر کیت بین کلمه علیا طق
به ایوم فیه فارالمخلصون المقربون بلعما الدین انفعوا ارواح حجسم فی سبل الله رب العالمین
و مالک العرش اعظمیم یا اکیت المقبول اسکر بهم تعالی آنة ایدک و اترل لکت فیہذا اللوح
و انجذبت به حقائق الوجود من الغیب والشهود البھی من لدنا عیک و علی
کل صابر سکور.

طهان

بساطه حضرت افغان سدرہ مبارک
جنب حبیب مرزا محمد علیہ بھیں اللہ
جنب الطف کج جہرمی علیہ بھائی

ہواللہ

ای بندہ الہی صدات شیدہ دیدی و مشعات عظیمہ کشیدی و بہشت و عالمت اعداؤ فشارشی ملال
نیاوردی تحکم نمودی حقاکہ صبسوی وغیری و شکوری باید سکراز نہانی کہ ہاں موبہت لگانہ موئیڈی
ریز این جام سرشار بلاد رسیل بجا مخصوص ملاعلی است ہر حقیقی سزا و آن شراب نہ وہرگیا ہی لائق
آن بحاب نیت و عشق تھا ان گل مبن معافی راجناشی لائیں جعل طلبانی ہبہ آفاق راعشت صاد
آشنه مُشراق نہ کاذب بد خلاق شمع نورانی را پرواز جانی گرگشہ و سرگردان نیخاش کو زان پس جم
خدا کہ ہاں موبہت موفق شدی و ہاں عنایت موئید با پیشتر جنابزی کن نغمہ سانی نما
و با ہنگت و ترا نہ پرداز ناگوشہا ہدم از گردند و بچنان حدود مبی نیاز پی بڑ
و عیک التحقیقہ لہ شناہ

ع ع

ای میران مهربان عبده البهاء، جمیع اولیاء و عصادر و قردوں صنیعه گریان و سوران آزرودی آنی از ایام تسلیمان نمودند
و درین حسرت از این عالم فانی بجهان بقی شفاقت نداشت فضل و جود جمال ابهاد اشاده نماید که مارابدون استعداد و اتحاق
محض فضل و اشراق دارین قرن اشراق روح حیات بخشید و در طلایت شاهرا آفاق محشور فرمود و بھوتی محض داشت
که تنها آزرودی بزرگواران بود فیض هایت مبدل داشت و بخاطر عین عنایت منظور کرد کاس عطا از دست میرزا فا بخشید و
شمع رحمانیت از در بخوبی این سینه ایان فروخت بلگانگان را شناخت و فاقدان را بخدمت مسحود محمد دان راحم
اسرار کرد و بجهان را بخلو تکاه عنایت دلالت فرمود این چه فضدت و این چه موهبت و این چه علامت و این چه هنر است
و به امامیوح به وجوده لمخلصین فی الملأ الاعلی یغیر المقدّسون فی ملکوت الاعلی پیغام بنین احسانی شایان فرمود و پیغمبرین الطی
شیگان کرد این بلهان نیز باید بشکرده این موهبت چنانکه باید و شاید جانشانی نیکم و بغير بالکاه رحمانی بشتمام
بلکه از راحت و آسان خوش ششم پشم نفره یا هب آ، الاعلی برآریم و فریاد میری الاعلی نیزیم و با هنگفت ملکوت دساز
شوم و تراز سازیم که جهان مرده از زمانهای دعلم طلبی فی انوار اینی فرماید خسکان را باید کند غافلان را هشیار نمایی
بی نصیبان را بهره دصیب بخشد بعدان آزرودی و قریب نماید الی اینی بخ عباد ضعف، نجع غنی السکر بود کن و احسان کن
لائققدر علی ایقا عبدیتیه عتبیه قدسک رتب اشد ازور ناعلی خدمتک و قو طهو رناعلی عبادتک و نور ابعاذنا
آیات قدسک و هدیت آذناس بآد ملکوت عدیک و هیائنا من امرنا رشد او اهدنا ای سبیل فصل و الیک نفقه
عدیک و علی ای جوا رحمتک و نرزرق من موئیک و الامک و لفوم علی اعلیکمک بین عباک و منشی نیکت من بعیی
ذنک محی مدک و نعمتک فی ای قل لعی و الجمیع العظمی حقیقیم صحیحنا الملأ الاعلی و میثار من حرارة ای جهان ای ملکوت الالا

آنکه انت الکرم الہیزم المطعی العزیز الوہاب ع

ای یارانِ الٰہی عصرِ امت و جمیع اُمم دل و حس و حصر مگر آزاده گانِ الٰہی بھرا را بردار در کستان مقدس نامنہاںی
زندانی تکنگر از عالم امکان نہ نوع انسان درین زمان پریشان سرگردان ہر فسی ریقیو دین قصیں آزادی یافت براحت فسی
کشید ولی سایرین یا نزد کرم میں در طبقہ پست ترین زمین اسیرِ مادیں خراطین ارض شدند عالم وجود امتحنہ بجان خاکِ مرض کردن
بُحَان لَهُ زَنْدَانِیَانْ چنان گھان بُنْدَكَ طِیْلَهْ گُشَنْ الَّهِ رَأَفَضَنْ زَانْ جَسْ تَوَانْ نُونْ فَنْ مُشَكِّنْ اَقْطَعْ تَوَانْ كَرْدْ بِلْ
لَكْبِنْ مَعْانِی چُونْ شَهْرَتْعَدِیں بَجْشَايدِ در لانہ لامکان آشیانہ نماید از زمانِ مکان فاعِی است و مانند بخیم باعِی دافقِ انقطاع
طلع و لاح ای یارانِ الٰہی در سبیلِ جاں بہبک قسمِ بروی دبجوشی زمان ایوان کیوانت و بحقِ پر محن گلشن آسان رب
رب زوفی ذلی و بلائی و محنی و ابتلائی فی سبیلک لات هدا عایا رب عبئی متنی موٹی در احمد روی و فرجی و سروری جبا جبا
دو توجہا ای ملکوت قیومیت ای رب هؤلام عبادک تو جوا بابک تعقوب صافیہ دنوش زکیۃ دار او محستیشہ وادان
صافیہ دعوی و عقول داعین بکیۃ فی محبتکت رب زدهم جباد عرفانا و عزاؤ شرفاد مقاما و حبلهم آئمہ تیرثی المکومات و یتھنخوا
الی جبریل مکتوب یستغصوا من فیض لا ہوکت امکت انت القوی ملعت در العزیز الکرم لمستغان .

ای جبای الٰہی ہر چند گرگان دکمیں نہ در زمان خشمگین تا ہوان بر وحدت بابت آزاد و آنچہ مقصای طبیعت
ہست مجری دارند ولی شما توکل بحضرت دوست نماید و تحریر از مفرزو پست جوئید و اقت سرفد اگر دید و قائم بمحبت جمال
فرح و سرور در انقطاع و انجذاب اشیاق بملکوت اہماس تائشہ صہبای محبت لہ حصل گردد نور فرح الٰہی و
سرور حانی مدرخشد اگر جمیع اسباب و جد و طرب شادمانی آمادہ گردد نفعہ رحمانی نوزد عقبیش نوبیدت حرث
ابدی لہمبا یا جبای الٰہی جمیع توجہشان بملکوت حانی ہشد تا ابواب سرور شادمانی ارجیع جهات مفتوح گردد

و علیکم لحتہ و الشدائد ع ع

ترجمه مرقومه دارالافتیان بیت العدل اعظم الٰی

بمحل مقدس رحانی ملی بھیان آمریکا

مئران ۷ سپتامبر ۱۹۸۳

یاران عزیز روحانی :

در ماههای اخیر نامه‌هایی از بعضی افراد احبابی آمریکائی به بیت العدل اعظم الٰی واصل شده است که حاکی از مراتب تالم و تراز مظالم مستمر واردان بر برادران و خواهران روحانی آنان در ایران و حاوی پیشنهاداتی چون برپا ساختن تظاهرات عمومی و بستن نوار بند بازو وغیره بعلامت اعتراض به مظالم وارد می‌باشد. هدایت معهداً علی با عنایت به نظرات واصله بشرحی است که ذیلاً ملاحظه می‌فرمایید.

شبه‌ای نیست که برای یاران الٰی آسایش و آرامش و سکون و قرار بینگامی که جامعه بهائیان ایران براثر تضییقات تحمیلی بشدت ناتوان وجا معه احبابی آمریکا مستقیماً از تاثیر در تغییر این وضع نا موفق بنتظر میرسد بسیار دشوار مینماید. اما اینکه وضع امر در ایران با همه دشواری و خاتمه بتواند بقرار رگزارش و اصلاح موجبی برای افسردگی و ملالت و یا کناره گیری یاران آمریکا شود و بایمان نفعی برای حصول توفیقات تبلیغی آنان در داخله گردد دال بر این است که یاران به وجهه نظر و دیدگاه صحیح احتیاج دارند. در توقیعات و خطابات مبار حضرت ولی امرالله که در سالهای ۱۹۵۶ - ۱۹۵۵ با فتح ارجامعه یاران آمریکا عزت زول یافته تشابه شگفت انگیز عکس العمل یاران آمریکا و نحوه برخورد و طرز تلقی آنان را در مقابل بحرانهای آن زمان و زمان حاضر ملاحظه مینمایید. مطالعه مجدد دستخط منیع مورخ ۲۰

آگست آن مولای مهربان متضمن شرح وقایع آن اوقات وامکاناتی که براثر آن حوادث برای اعلان و انتشار امرالله بوجود آمد و همچنین تلگرافات مبارکه مورخ ۵ آذر ۱۳۵۷، فوریه ۱۳۵۸ و ۲۲ زوئن آن حضرت (Citadel of Faith صفحات ۱۴۲ - ۱۲۳) مبنی بر فوریت و ضرورت عمل و اقدام بسیار عبرت انگیز و موزنده است. جامعه یاران آمریکا در گذشته ایام متناوب ای دچار عدم تحرك و رکود گردیده و حضرت ولی امرالله به تناوب آن جامعه را نسبت به این

موضوع متذکر فرموده اند و آخرين توقيع مبارکشان به احبابی آمریکا مورخ ۲۱ سپتامبر ۱۹۵۷ عمده تابه این مساله اختصاص داشت. بیت العدل اعظم با آنکه گمان نمی‌برند که یاران آمریکا بطور عموم دچار چنین حالت افسردگی و ملالت باشد معهذا بر اساس نامه‌های و اصلاح و فرض عمومیت این حالت مصلحت میدانند که نظرات ذیل با طلاق کلیه عزیزان بررسد. جامعه بهائیان آمریکا برای سالهای متعددی در صرف مقدمات داعین مظلومین و ملحوظین قرار داشته و امتیازش در این زمینه بکرات مورد تمجید و تحسین مولای عزیز واقع شده است. توقيع منیع مبارک مورخ ۲۵ دسامبر ۱۹۳۸ (ظهور عدل الٰی) مویداً ین مطلب است. در قبل ضربات و لطمات متعددی که در آن زمان جوامع بهائی موجود را تهدیدیه اند زوا مینمود آن هیکل مکرم جامعه بهائیان آمریکای شمالی را به عنوان "حصتی اصلی واستوار، بازوی تواناک"ه

۵

علم امری شکست ناپذیر راهمچنان مرتفع نگاه داشته" توصیف فرموده‌اند. دفعات متعدد که درسالهای بعد آن جامعه جلیل به یاری و باری سایر جمیع بیدفاع برخاستگواه بر حضور واجابت موثرش در موقع احتیاج وابتلاء میباشد.

اما وضع هم در دنیا و هم در جامعه امرتغییر یافته و درنتیجه عکس العمل‌های عادی و متعارف نسبت به اقدامات آمریکا نیز تغییر پذیرفته است در حالی که این تغییر بهیچ روی نقش ممتازی را که برای جامعه بهائی آمریکا در شکوفایی نظام جهانی امرالله مقدر و معین گردیده منتفی نمی‌سازد البتاً می‌گذارد که یاران آمریکا ادراک عمیق تری از وضع خود در قبال مقتضیات و شرایط تغییر یافته حاصل کنند.

پاسخ یاران به وضع فعلی امر در ایران نباید منحصر اعملی و یا صرف اروحانی باشد بلکه باید اختلاطی از این هردو بوده وعلاوه بر آن با یستی هم جوابگوی بحران فعلی باشد و هم متناسب با اهمیت مقتضیات این موقع تاریخی و در هردو مورداً رزیابی نتایجی که تاکنون حاصل شده باید موجب مزید رسوخ عزم یاران باشد نه سبب خمودت و ملالت. حتی اگرچه از عکس العمل‌های وحشیانه اولیای امور در ایران چنین بنظر میرسد که اعتراضات و دادخواستهای جامعه بهائی آمریکا بالاخص، وجوداً مع بهائی عالم بطور اعم در جلوگیری از ظلم و تعدی برخواه را در این روحانی مابی اثربوده است اما دلائل متقنی در دست است که اگر احبابی الهی در سراسر عالم دست به چنین اقداماتی نزد هم بودند وضع یاران عزیز در ایران بمراتب مصیبت با رترمی بود. و همچنین اگرچه اقدامات مستقیم که ممکن بود معمول داشت بسیار است ولکن باید توجه داشت که هر اقدامی مناسب زمان و وضع حادث نیست.

اقداماتی که در چارچوب جامعه بهائی آمریکا مناسب و مفید بنظر میرسد هنگامی که در قالب وسیع تر جامعه جهانی امر در نظر گرفته شود ممکن است نتیجه معکوس بخشد. جامعه جهانی بهائی با وجود تنوع اجزاء مشکلهاش تحت ارشاد و هدایت معهداً علی و تشخیص آن مقام انسنی از اوضاع و احوال زمان و منابع موجود و با توجه به نظرات و عقاید محفل مقدس روحانی ملی ایران که تا قبل از انحلال اخیر شجاعانه و دلیرانه بمدافعه از حقوق افراد تحت اشراف خود قائم بود عمل می‌کند. نظریاً ینکه جامعه جهانی امر باید چون واحدی مشکل کار کند چنانچه یکی از اجزاء این هیکل جهانی را سیر خود را در مقابله با موقعیت موجود تعیین نماید هر قدر هم که این اقدام از حسن نیت کامل برخوردار باشد، توفیق نهائی وکلی شا مل حال خواهد شد.

بیت العدل اعظم توصیه می‌فرمایند که یاران عزیز آمریکا به تباين و تفاوت عظیم بین مجھولیت نسبی امر قبل از این بحران و معروفیت و اشتهرای که از آن پس حاصل نمود نظر نمایند، و به تاثیر قابل ملاحظه‌ای که جو امع ملیه بهائی در سراسر عالم بر دولت‌های متبع خویش و همچنین بر سازمانهای بین‌المللی گذاشتند بیندیشند، و بر طرف شدن خارق العاده موانع را در وسائل ارتباط جمعی با قیاس به خاموشی و سکوت و عدم رغبت و توجه آنها نسبت به امرالله تا چند سال قبل در نظر گیرند، و با لآخره تاثیرهای این مزایای حاصله را در فعالیت‌های تبلیغی مورد توجه قرار دهند و آنگاه منصفانه حکم کنند که آیا بر استی امکانات پیشرفت امرالله بیشتر از گذشته است یا کمتر.

تعالیم مبارکه مارابه این حقیقت تردیدنا پذیربصیر و آگاه میسازد که مخالفت با امراللهی موجب ایجاد امکانات برای تقدم و پیشرفت آنست . مسلمًا احبابی عزیزاً ایران با قبول کامل این واقعیت اعتقاد خود را به قدرت واژران اثبات و ابراز نموده‌اند . و تعدادی از جوامع بهائی در نقاط مختلفه عالم بر اثر درک این حقیقت به فعالیتهاشی پرداخته‌اند که نیای ج غالبی در تحقیم و توسعه امرالله در آن اقطار داشته است . یاران آمریکا نیز برای آنکه احساس واقعی تاثر و تالم خود را از ظلمی که بر برادران و خواهران روحانی آنان در ایران وارد نمی‌شود ابراز دارند باید به ارزش درک چنین بینشی پی برند و بربط آن عمل کنند .

در توقیع مبارک "ظهور عدل الٰی" که سال‌ها قبل از کلک مطهر حضرت ولی عزیزاً امرالله نازل گردیده و همچنین در توقیعات متعدده دیگری که متعاقباً عزیز نزول بخشیده درایت و هدایت و انذارات و تشویقات آن مولای حنون بهمان اندازه و حتی شاید بیشتر از زمان صدور متناسب با وضع موجود می‌باشد . قصد هیکل اطهار آن بودکه این مطلب را القا و تفہیم نمایند که پاسخ یاران آمریکا به این بحران آگاهی و معرفت بیشتر روحانی ووصول به رشد و بلوغ عمیق تر معنوی است تا آن جامعه بتواند مسیر مقدار خود را با موفقیت طی نماید .

با ایدم تذکر بود که حضرت مولی الوری وعده فرموده‌اند ، همانطور که حضرت ولی امرالله در تواقيع اولیه خود با فتخاری ایران آمریکا یا دآور شده‌اند که امتحانات معنوی بجای امتحانات و شدائی جسمانی خواهند فرستاد تا آنرا پاک و مطهر نموده برای سرنوشتی که خدا و ندبرای آنها مقدار فرموده آماده تر گرداند .

همچنین شرائط لازم جهت موفقیت را که مولای مهربان برای جامعه یاران آمریکا معین و مشخص فرموده‌اند بایستی از نظر دورداشت . در قالب چنین شرایطی است که توفیق و یا شکست جامعه یاران آمریکا بالمال موردستجش و ارزیابی قرار می‌گیرد و نه از جهت یا س و حرمان و عدم توفیق آن در اینجا دادگیری مطلوب در وضع احیا ایران ، وضعی که علیرغم پریشانی و اضطرار آن جامعه از هر اقدام و کوشش دیگری در این قرن در زمینه اعلان و اشتئار امراللهی در خارج از آن کشور موثر تر بوده است .

درج امعاءی که مردم آن چون مردم آمریکا به اعتراض و تظاهرات خوگرفته‌اند تظاهراتی از قبیل برآه اند اختن دسته جات خیابانی و بستان نواره بازو وغیره ممکن است تا حدودی جلب توجه عموم نماید و یا حتی در بعضی زمینه‌ها و تحت شرائط خاصی موثر واقع شود . اما اثر و نفوذ چنین اقداماً تی را مشکل می‌توان برای مدتی طولانی حفظ کرد بخصوص درکشور شما که تظاهرات عمومی گروه‌های بیشماری برای جلب نظر و توجه عامه‌دانمادر رقابت با یکدیگر ند بیت العدل اعظم معتقدند که این اقداماً ت زودگذر و موقت شاید بتوانند آلام و اضطرابات فعلی بعضی از یاران را تسکین بخشد ولکن تاثیر قابل ملاحظه‌ای بر مسیر وقایع ایران نخواهد داشت منابع انسانی مابسیا رمحدود است و لهذا این منابع محدود باید به موثرترین وسائل برای مقابله با وضع حادث اختصاص یابد . اقداماً تی که اثرات عميق روحانی مترتب برای این تهدیات را منعکس می‌سازد و با متن و خوش بینی و نورانیت شهداً دلاوری که طبق متن وصیت نامه‌های منتشر شده آنان بخوبی از علل تحمل صدمات و قبول شهادت در سبیل الٰی آگاهند تطا برق دارد بمراتب پر از شناس تراست . مضافاً برای نکه بالمال بصلاح امر نیست که دقیقاً در زمانی که از مرحله مجھولیت خارج می‌شود در انتظار افکار عمومی بعنوان جامعه‌ای که با علاماتی چون بستان نواره بازو و نصب رو بان وغیره مشخص گردیده شناخته شوند .

نکته مهمی که با یددر مدنظر قرار گیرد آنست که اقدامات ما درجهت دفاع ازیاران ایران با یستی موید به فعالیت‌های ما برای تحقق اهداف تعیین شده باشد. اشتعال فکری به بحران ایران داشتن به بهای غافل شدن از نقشه متیعه هفت ساله جامعه جهانی امرالله که از وصول به توفیقات لازمه برای تحکیم مبانی امر و انہざم اعداء محروم و ممنوع می‌سازد در مقابل شدائد و مصائب یاران عزیزاً ایران چنین غفلتی شایسته نیست.

غاایت مطلوب که البته همواره موردنظر بوده و هست آنست که ضمن دفاع مجدانه از آن عزیزان از کلیه فرصت‌هایی که برادر فداکاریهای آنان بدست می‌یدبرای ارتفاع صیت امرالله استفاده گردد. معرفی بی سابقه‌امر، تسلیم دادخواست‌های متواتری به حکومات و مراجع بین المللی، تماس‌های روزافزون با متفکران و اندیشمندان، و بالاترا زهمه مضاعف ساختن فعالیت‌های تبلیغی و تحکیم بیشتر و عمیق تر جا معه امرالله براساس ارشاد و هدایت معهد اعلیٰ بالمال بهترین وسائل جهت دفاع از جا معه بهائی ایران و تخفیف آلام آن فئه مظلومه است. بعلاوه باین ترتیب جا معه جهانی بهائی آما دگی بیشتری برای مقابله با حملات و مخالفت‌های غیرقابل اجتنابی پیدا می‌کند که درسا یرنقا ط عالم ظاهر خواهد شد.

دعای قلبی معهد اعلیٰ آنست که احبابی عزیز آمریکا به همان روح تسریخیرنا پذیری که ایمان را سخنرا دران و خواهرا ن روحانی آنان را در مهدا مرا لله قوت بخشیده مویدگر دندواز همان چشمها میدی تروتازه شوند که ازو عده های محظوظ جمال قدم عزیزانش در آن سرز مین الهمام میگیرد، عزیزانی را که به "صبر و سکون و وقار" وصیت فرموده به این بیانات مبارکه تسلی می خشد.

"آنچه برشما واردالله بوده هذا حق لاریب فيه وحال هم جمیع امور را با وراجع نمائید و بر اوتوكل کنید و تفویض نمائید البتة او هم شمارا ۱۱ و آن میگذارد این هم لاریب فيه. هیچ پدری اولاد را به سبع نمیدهد و هیچ صاحب غنیمی اغنا م خود را به گرگ نمیسپارد البتة در حفظش سعی بليغ مبذول ميدارد"

"اگرچه یومی بمقتضای حکمت بالغه امورظا هره برخلاف مرادجا ری شود با سی نبوده و نیست مقصود آنکه کل با فق اعلی ناظربا شند و با آنچه درالواح نازل شده متمسک .".

بـاتـحـيـاتـ اـبـدـعـ اـبـهـىـ
دارـالـانـشـاءـ بـيـتـالـعـدـلـ اـعـظـمـ

ترجمه پیام بیت العدل اعظم الٰی

مترخ ۱۹۸۴ لافریه

محفل روحانی ملی بهائیان کانا دا

یاران عزیزبهائی :

عطف بنا مه مورخ ۱۹۸۴ آذر بر استعلام نظرنسبت به ترجمه مطالب و مذاکرات بزبان فارسی در جلسات ضیافت نوزده روزه و سایر جتماعات امری و همچنین اخبار مندرج در بولتن‌های محلی، حسب الامر بیت العدل اعظم الٰی نکات زیر را با استحضار می‌رساند.

استنباط آن محفل صحیح است که یاران ایرانی مقیم آن کشور شایسته است براین حقیقت وقوف یا بندکه خودایشان هستند که می‌باید با جامعه بهائی کانا دا چنان در آمیزند که یک پراچه شوند. در هیچ یک از نقاط جهان نباید اقداماتی معمول داشت که جوایز بهائی آن سامان با صلاح ایرانیزه شوند... فی الحقيقة این خودیکی از دلائل و موجباتی بوده که معهد اعلی تاکید فرموده اند احباب ایرانی به تعداد کثیر در یک نقطه متمرکز نشوند.

در عین حال با یاد موسسات ودوازربهائی در آن اقلیم نسبت به یاران ایرانی که از خانه و کاشانه خود جدا شده ورنج و تعجب فراوان کشیده‌اند، رفتاری توانمبا عطوفت و مهربدارنده ابراز کنند. در پاره‌ای از موارد، این مشکلات و نا ملایمات شاید ناخودآگاه درایشان درقبال جوایز می‌باشد، نوعی توقع بیش از حد قبول ایجاد کرده باشد.

هر کجا مشکلاتی از بابت زبان موجود باشد، بیت العدل اعظم انعقاد کلاسها و جتماعاتی خاص برای احباب ایرانی را، علاوه بر جلسات معموله، استقبال می‌فرمایند تا این یاران بدین طریق فرصت یابند آثار الهی را بزبان خود زیارت کرده و از آنچه درجا می‌گذارد که محلی یاران می‌گذرد نیز با خبرگردند. ضیافت نوزده روزه و جلسات محفل روحانی محلی با یادبود مورد به یکی از زبانهای انگلیسی و یافرانسی که لسان رسمی کشور است برگزار شود و بهره‌مندی برای آن دسته از احباب ایرانی که هنوز بزبان تا آن حد تسلط نیافته‌اند که موفق شوند تا حدودی از موضوعات موردن بحث در چنین جلسات استفاده کنند، چنانچه مقدور باشد میت وان ترتیباتی فراهم ساخت. بشرط آنکه این تدایر جلسات را مختل نکرده و از سیر عادی و حاری خود خارج نسازد.

اما میدچنان است که این مانع متدرجاً مرتفع گردد و بیت العدل اعظم الٰی برای این منظور دراعتباً مقدسه دعا می‌کنند.

با تحيات مشفقانه بهائی
دارالانشاء بیت العدل اعظم

ترجمه پیامهای تکرانی بیت العدل عظیم آنی مورخ ۱۰، ۱۳ آوریل ۱۹۸۴

ایذا و آزار احیاء در مهد امرالله ادامه داردوکیفیتی مزورانه ترپیدا کرده است. در ماه مارچ اقلاسه نفرات مسجونین در تحت شرایط مرموزی جان داده اند، دونفر در طهران و یکنفر در بافت کرمان. در جسد جناب محسن رضوی ۵۵ ساله آثار حلق آویزشدن ملاحظه شده است و دو نفس دیگر جناب عبدالحسین شاکری حسن زاده ۴۶ عساکر و جناب نصرت الله ضیائی ۱۶ عساکر بدون اطلاع اقوام وی را در دفن شده اند.

توقیف و دستگیری احیاء با حداقل تبلیغات و اعلان عمومی ادامه دارد. از ۱۷ آذار نویه تاریخ آخرین گزارش اگرچه بعضی از مسجونین بهائی آزاد شده اند، ۱۱۱ نفس دیگر که اکثراً قبل از انحلال تشکیلات بهائی در سال گذشته اعضاء محافل روحانیه بوده اند دستگیر شده اند و عده احیاء مسجون در ایران جمعاً به ۲۵۴ نفر میرسد.

اطلاعات دقیقی که بدست آمده از شکنجه دادن بعضی از بهائیان سرشناس حکایت میکند. برای مثال یکی از احیاء مورد شکنجه و عذاب شدید واقع شده در تحت این شرایط صعب مجبور به اعتراف به اتهامات دروغین گشته است. برخی دیگر که بهمین منوال مورد شکنجه وابداً قرا رگرفته اند در مقابله فشارهای واردہ بمنظور روادا رنمودن آنان به اعترافات عمومی خلاف واقع برای استفاده در رادیو و تلویزیون مقاومت کرده اند...
بیت العدل اعظم

۱۳ آوریل ۱۹۸۴

در تعقیب پیامهای مورخ ۱۰ و ۱۱ آوریل هم اکنون خبر تالم آورادا مبوسیله جو خه آتش نفوس ذیل در زندان اوین واصل گردیده است.

جناب کامران لطفی، استاد دانشگاه، که در تاریخ ۱۹۸۳ می‌دانستگیر شده بودند جناب رحیم رحیمیان، ۵۰ ساله بازرگان که در تاریخ ۱۹۸۳ می‌دانستگیر شده بودند، جناب یدالله صابریان، ۵۵ ساله مدیر چاپخانه، که در تاریخ ۹۶ فوریه ۱۹۸۴ می‌دانستگیر شده بودند.

از آنجا که اعداً ماین نفوس مقدسه اعلان نگردیده بودوا جسد نیز بدون اجرای مراسم و بدون اطلاع خانواده‌ها و منسوبین بخاک سپرده شده تاریخ دقیق اعدام معلوم نیست. نگرانی آنکه سایر مسجونین نیز بسرنوشت مشابهی مبتلی شده باشد.

طبق اطلاع و اطلاع جناب عبدالحسین شاکری حسن زاده نیز بوسیله جو خه آتش بشهادت رسیده بوده اند نه تحت شرایطی مرموز در زندان چنانکه قبل از گزارش رسیده بود.
بیت العدل اعظم

خُدُصَه ار ز طَهْدَعَت وَصَهْهَه زَر جَمَعَه حَجَبَه لَهْ بَهْرَه پَر زَهَدِه مَنَاعَه مُثَقَ

در تاریخ ۲۱ ماهه ۱۹۸۴ مُحَايِرَه سَوَّاَت

۱- از آغاز انقلاب اسلامی بیش از ۳۰۰ مسکن بهائی غارت یا با آتش کشیده شده است.

۲- بالغ بر ۱۷۰ فرد بهائی که اکثر آنها از افراد سرشناس و موثر جا معهبهای بوده اند، بطرق مختلف بقتل رسیده اند که غالباً توسط جوخدوهای آتش اعدام و یا بدارکشیده شده اند.

۳- در نقاط شهری املاک متعلق به چند صدخانه ای خواهد ضبط گشته و حال آنکه در مناطق روستائی بسیاری از باغهای میوه تخریب و مزارع و زمینهای زراعتی مصادره شده و شکایات و دادخواهی های معروضه به مقامات بلا جواب مانده است.

۴- وزارت کار و خدمات اجتماعی رسماً به موسسات صنعتی و تجارتی دستور داده اند که از پرداخت حقوق به کارکنان بهائی خودداری نمایند.

۵- بیش از ۱۰۰۰ بهائی کارمند دولت و بخش خصوصی بدون رسیدگی و تحقیق از کاربرکنار و از حقوق حقه بازنیستگی و مزایای استخدا می محروم گشته اند و به بعضی از آنها تکلیف شده است که حقوقهای دریافتی دوران خدمت خود را نیز مسترد دارند.

۶- داشتجویان بهائی از تما مدانشگاهها و سایر موسسات آموزش عالی اخراج گشته اند.

۷- در غالب شهرها و استانها اطفال بهائی از دخول به مدارس ممنوع و درنتیجه از دریافت تعلیمات مقدماتی و اساسی محروم شده اند.

۸- بالغ بر ۷۰۰ بهائی اعم از مردان و زنان و اطفال در زندانهای مختلف ایران مسجون گشته اند.

۹- بدستور مقامات برای مدت بیش از ۹ ماه است که ملاقات با ۴۰ زندانی اکیدا ممنوع گشته و درنتیجه از سرنوشت آن خبری نیست.

۱۰- به کوشش و دستور مقامات، در زندانهای اوین و گوهردشت تعدادی از زندانیان بهائی لاینقطع تحت شکنجه قرار دارند تا به اتهامات واهی ارتکاب جاسوسی و اقدامات علیه جمهوری اسلامی ایران و اداره اعتراف شوند. برای یک دوره چندماهه تمام اعصاب بدن خصوصاً ساقها و کف پا های آنها با ضربات شلاق مضروب شده است. بعضی اوقات تا ۴۵ ضربه شلاق سیمی (کابل) به هر یک از زندانیان مردیا زن وارد گشته و سپس آن را مجبور به راه رفتن نموده اند و چون این کار عملی نبوده است زندانی بخت برگشته را وارد اسخته اند که روی دست وزان خیز برداشته و به سلولی تاریک مراجعت کند. در شهرهای مشهد و یزد دست و صورت زندانیان بهائی را مرتباً با لوله های قطور پلاستیکی شلاق کاری می کنند و در شهرهای دیگر این ترتیبات باشد نسبتاً کمتری عیناً جراء می شود. تعدادی از این قربانیان شکنجه، قوه بینائی و شنوازی و جمعی دیگر تو از زن روحی خود را از دست داده اند. جسد چهار تن از این را دستخوش این شکنجه ها، قبل

از آنکه در قبورنا شناخته مدفون گردند، برای العین مشاهده شده است. لذا بیم آن می‌روید که سایر زندانیانی که اجسادشان نظریاً یشا ن بدون اطلاع اقوامشان بخاک سپرده شده است، بهمان سرنوشت در دنیاک مبتلی شده‌اند.

۱۱- احباء در خانه‌ها یشا ندان میندا رندچه که پاسداران انقلاب می‌توانند سرزده در روزیا شب هر وقت بخواهند داخل شده با ایراد توهین و تهدید و ضرب، موجبات مراحت ساکنان خانه را فراهم سازند، هنگامی که پاسداران انقلاب بقصد دستگیری یک فرد بهائی به خانه‌ای هجوم می‌برند چنانچه شخص مورد نظر در منزل نباشد، روش کارشان اینست که سایر اعضای خانواده و حتی کودکان را به گروگان گرفته، آنچه در خانه هست زیر و رو و کرده و موال را ضبط می‌کنند.

۱۲- زمانی که رئیس یا فرماندهیگری از اعضای خانواده بقتل رسیده، غالباً چنانچه این شخص قبل از زندانی هم بوده باشد، با زماندگان را از خانه خراج کرده و اجازه نمیدهد چیزی از ما یملک خود را حتی در بحبوحه زمستان، با خود همراه ببرند. قربانیان این طرز رفتار هیچ نوع دسترسی به مقامات قضائی ندارند زیرا به شکایات آنان از طرف آن مقامات توجهی نمی‌شود خانواده‌های بهائی خصوصاً در شهرهای اصفهان، مشهد، طهران، ارومیه و یزد دستخوش چنین مصیباتی قرار دارند.

این اطلاع‌هم‌اکتون رسیده است (۱۹۸۴ می ۲۱):

اعدا مچهارتمن از برادران شجاع ایران با ینقرار:

تیریز: پنجم ماه می - جناب جلال پیروی که در تاریخ ۲۲ اکتبر ۱۹۸۱ زندانی شده بودند.

جناب مقصود علیزاده که در ۲۷ آذر ۱۹۸۲ نویه مسجون گشته بودند.

طهران: ۱۵ ماه می - جناب علی‌محمد زمانی ۴۵ ساله.

جناب جهانگیر هدایتی ۱۶ ساله، مهندس ساختمان و عضو محفل روحانی ملی جدیداً محل حللا یافت که در ماه جون ۱۹۸۳ ربوده شده بودند.

هر دو این وجودات مقدسه‌طی دوران زندان مورد شکنجه قرار گرفته‌اند.

بعلاوه جناب اسدالله کامل مقدم در تاریخ دوم ماه می بدون آنکه از کم و کیف وضعی یشا ناطلاعی وجود داشته باشد، در زندان صعود فرمودند.

یاران ایران در باره وضع خطرناک سایر زندانیان بهائی که جمع‌کثیری را تشکیل میدهد شدیداً نگران می‌باشند.

ترجمه پیام رضوان ۱۹۸۴ بیت العدل عظیم الهی

خطاب قاطیه میران درسہ اسر جہان

است و پیشرفت‌های بی سابقه‌ای که برادر مصیبات وارد برا آن در تبلیغ امرالله و ابلاغ و اعلان پیام الهی به دنیا ائی که بشدت نیازمند نیروی شفابخش آنست حاصل شده ما یه تسلای قلوب محترقه آن یاران ممتحن است. باین خاطراست که آن عزیزان به اعلی درجه خدمت که نثارجا ن در ره جانان است قیام کرده‌اند. وظیفه ما کاملاً روشن است. در چنین شرائط واحوالی نمیتوانیم آن یاران عزیزان را میدسازیم. در پی هرفرصتی که در اشراطها دات و تضییقات وارد برا ایران ایران برای اعلان امر حضرت رحمن فراهم می‌شود باید با فداکاری به بذل مساعی تبلیغی پرداخت باشد که این قیام واقعاً دارا می‌باشد و محبت ویگانگی روحانی ما به آن عزیزان گردد.

در عرصه مجهودات بین المللی حضرت ایادی عزیزاً مرالله بیش از پیش مایه جلب محبت و تحسین یاران بوده اند و تا حدودی که صحبت‌شان اجازه میداده است سبب هدایت و تشویق آنان و ترویج وحدت ویگانگی درجا مده و موجب پیشرفت و تقدم این سپاهیات گشته‌اند. دارالتبليغ بین المللی که در مقربه‌های اش بخدمت اشتغال دارد هیئت‌های مشاورین قاره‌ای را با حکمت و محبت هدایت و ارشاد کرده‌است. نطاق خدمات این عصبه‌جلیله، در اثر تفویض مسئولیت‌های حديثاً زدیا دعدد مشاورین عضوان هیئت به هفت نفر، وسعتی فوق العاده یافت‌هاست. خدمات خالصانه مشاورین در جمیع قارات، متکی بر توحید مساعی لایقه اعضای هیئت معاونت، در تقویت سمت روحانی و وحدت اصلیه‌جا مده جهانی بهائی بسیار ذی‌قيمت بوده‌است. بمنظور تکامل

یاران عزیز و محبوب جا معده‌جهانی بهائی تحت تاثیر تحولاتی در داخل و خارج قرا رگرفته که با انقضای مرحله مجهولیت که از مختصات برجسته امرالله در پنج سال اول نقشه هفت ساله محسوب است ملازم نند. درجا معده‌خوا رج آثا روعلائم ظهور و بروز تصویر مشخصی از امر در اذهان عمومی نما یا نست که گرچه مبتنی بر اطلاعات لازمه نیست حالتی دوستانه دارد. در داخل جا مده نیاز دیداً دلیاقت و توانائی تشکیلاتی و اداری و ذوق و شوق جوا معبه‌های بهادار مه خدماتی عمومی و درک و فهم عمیق تری از ارتباط و تناسب پیام الهی با مسائل روز جملگی حاکی از رشد و توکل ملی تدریجی و حصول مراتب ایقان و اطمینان است. حال که سومین مرحله یعنی مرحله‌های نقشه‌هفت ساله آغاز می‌شود باید باین دو جنبه توجه مخصوص مبذول گردد. سالی که هم‌اکنون بپایان میرسد تحت الشعاع اوضاعها دات و تضییقات وارد برا حبای ایران بوده است. یاران ایران را به انحلال تشکیلات امری و اداره کرده به عذاب وستوه آورده. از هستی ساقط و از ادا مه‌شغل و کار منوع و از استخدام محروم، و در بدر و بی خانمان نموده و اطفالشان را از ادا مه‌تحصیل من نوع ساخته‌اند. در حال حاضر بالغ بر شصده فراز رجال ونساء و کودکان بهائی زندانی هستند. برخی از این مسجونان بالمره از هر نوع ارتباطی با اقوام و دولت‌نشان منوعند، و بعضی تحت شکنجه و آزار قرار گرفته‌اند، و همگی تحت فشار ندتاً از ایمان و عقیده خود تبریز جویند. استقامت بی باک و سرمشق آمیزاین یاران قهرمان سبب عمدۀ خروج امر حضرت یزدان از مرحله مجهولیت بوده

است که استمرا رتبرعات مرتب درطی مرحله نهائی نقشه موجب تحقق کامل اهداف و مقاصدنش خواهدگردید. ورودا مراهنی در صحنہ بین المللی از اظهارنظرهای کمدر آن بهائیان را "اعضاء نمونه جا معه" شریف "مطیع قانون" "بی تقصیر و بیگناه" درمقابل جنحه و جنایت سیاسی" توصیف کرده‌اند واضح‌آشکار می‌شود، اظهاراتی که اگرچه عالی است اما ازلحاظ معرفی واقعیت امر و اهداف و مقاصدش ابداعی نیست. با وجوداًین مردم‌ما یلندمطلب مربوط به‌ام را استماع کنندواًین فرصت را با یدم‌غتنم‌شمرد پیوسته با یدبرمساعی و مجھودات افزودتاً پیشواًیان جهان، در جمیع شئون و شقوق، با حقیقت واقعی امر حضرت بهاء الله بعنوان تنها میدبرای استقرار صلح و یگانگی در جهان آشنا شوند. همزمان با این برنا مهباًید تبلیغ امر الله بدون وقفه و باشد تمام ادامه‌یابتاً معلوم شود که جا معه بهائی جا معه‌ای است درحال رشد و توسعه، و با عمل با حکماً وحدود مربوط به حیات بهائی جا معیت راهی که امر بهائی برای زندگانی ارائه میدهد اثبات شود و سایرین بمشارکت در آن علاقه مند گردند. در این جمیع این اقدامات تدریجاً و مستمراً تصویری که در اذهان عمومی از امر بهائی وجود دارد را دیه حقیقت واقع نزدیک تر خواهد شد.

ظهور و بروز شور و اشتیاق در سراسر عالم بهائی برای یافتن امکانات جدید جهت توسعه و عمران اجتماعی و اقتصادی سبب دلگرمی و موجب تعالی آمال و نیات اهل بهاء است. این نیرو و اشتیاق در داخل جا معه بهائی، اگر با دقت و حکمت هدایت شود، بدون تردید عصر جدیدی را در توسعه و تحکیم جوا مع بهائی مفتح خواهد ساخت و بنوبه خود سبب عطف توجه وسیع تر و بیشتری با مرخوا هدگردید و با نتیجه هر دو جنبه تحولاتی که در ابتدای این پیام

بیشتراین جناح مهم‌نظم اداری مقرر شده است که از ۲۶ نوامبر ۱۹۸۶ به بعد دوره خدمت اعضاء هیئت معاونت پنجسال تعیین شود. اقدامات جا معه بین المللی بهائی در حفظ ارتباط با سازمان ملل متحده موجب تقدیر و تحسین روزافزون اصول و مبادی اجتماعی این امر نازنین گشته و در بعضی موازع علی الخصوص در جلسات مربوط به حقوق بشر مشاورکت و مدافعت احباً تماشی و اعجاب انگیزبوده است و این نیز حاصل دلاوری واستقامت یاران عزیز ایران است. دفترجا معه بین المللی بهائی در زنوب افزاًیش تعداً دکارکنان تقویت شده تا برای خدمات دائم الترايدش مهیا گردد. ساختمان مشارق اذکار را در هند و ساماً علیرغم مشکلات شدیده پیشرفتی رضاًیت بخش داشته است و مشرق الاذکار را موآطی مرام سام مخصوصی که از ۳۰ گست تا سوم سپتامبر ۱۹۸۴ برگزار می‌شود و حضرت ایادی امر الله امه البهاء روحیه خانم بنما یندگی بیت العدال اعظم در مرام مزبور شرکت خواهند نمود رسماً برای عموم افتتاح خواهد شد. بلافاصله بعد از کانونشن بین المللی در رضوان گذشته دو محفل روحانی ملی جدید درست لوشیا و دومینیکاتا سیس گردید. در سال جاری دو فرستنده جدید را دیوئی بهائی آغاز کار می‌کنند که عبا رتندا زرا دیوی بهائی بولیویا در کاراکول و فرستنده WLGI را دیوی بهائی موسسه لوئیس گرگوری در مالک متحده آمریکای شمالی . دریا زده کشور که همگ از مالک جهان سوم هستندواز آن میان ۹ کشور راجوا مع جزیزه نشین تشکیل میدهند تعداد احباء به معادل یا متاجا وزا زیک در صد جمعیت کل کشور بیان شده است.

در شهور نهائی دومین مرحله نقشه هفت ساله چه احبابی الهی و چه موسسات امری به تقاداری مربوط به احتیاج به ازدیا دtribut به صندوقه بین المللی کریمانه پاسخ گفتند. یقین

ویک محفل ملی در اروپا و با لنتیجه تعداد
محافل ملیه به ۱۴۳ محفل بالغ میشود.
پنج محفل روحانی ملی دیگرنیز در رضوان
۱۹۸۵ تا سیس خواهد شد. این محافل عبارت
خواهند بود از محافل روحانیه ملیه در سیکای
ومالی و موزا مبیک در آفریقا، وجزائیر
کوک و جزائیر کارولین غربی در آقیانوسیه
با این ترتیب نقشه هفت ساله با وجود حداقل
۱۴۸ محفل روحانی ملی خاتمه خواهد یافت
و تا آن زمان با ید طرح تکمیل قوس محیط
برحدائق و مقامات واقعه در جبل کرمبل
مشتمل بر تعیین محل و تهیه نقشه های لازم
برای سه ساختمان با قیمتان که باید در
اطراف قوس مزبور مرتفع گردد آماده و تصویب
شود.

شک و تردید نیست که از این بعد تقدم و پیشر
ام رالی متناسب ارتباط روزافزون با
سازمان ها و موسسات و فعالیت ها و افراد
پیشوايان درجا معرفه خارج است. جامعه
بهائي در سازمان ملل متحدا خصيت بي شترى
خواهد یافت و در مذاكرات دول بيش از پييش
شناخته خواهد شد و در سائل خبری قيافه
آشنا تری خواهد داشت و علماء و دانشمندان
بدان علاقه و رغبت بي شترى نشان خواهند
داد و قطعاً مورد بغض و حسد موسسات روبزو وال
واقع خواهد شد. برای آمادگی و مقابله
با این وضع باید مستمرابه تزييد معلومات و
معارف امریه و تمکن تا م باصول عدم مداخله
درا مورسیا سیه و ترک تعصبات جا هلیه و با لاتر
از همه به از دیدار و فهم حقایق اصلیه از
و تناسب و ارتبا طشان با دنیا ی جدید قیام
کنیم.

همراه با این پیام رضوان، پیامی برای
دعوت ۲۹۸ نفرها جریben المللی برای
استقرار در ۷۹ کشور و نیز پیامی اختصاصی
خطاب به هریک از ۱۴۳ جا معرفه ملی موجود در عالم
بهائي ارسال میشود این پیامها حاصل

اشاره شده که درجا معرفه جهانی بهائي در جریان
است ممدود و موبدیکدیگر خواهد شد. در این
هدا یت دقیق و حکیماً نه عامل اصلی حصول
نصرت و موفقیت در نقشه هفت ساله و بذل توجه
به تقویت و تحکیم محافل روحانیه محلیه است
سعی بلیغ و مجاہدت شدید لازم تا این محافل
روحانیه محلیه به وظائف اصلیه خود آشنا
وعامل شوند. این وظائف اصلیه عبارتند
از تشکیل یا فتن مرتب جلسات محفل، انعقاد
جلسات ضیافت نوزده روزه و ترتیب دادن
جشن هادراعیا و محافل درایا محرمها مری
تشکیل دادن کلاس های درس اخلاق برای اطفال
تشویق احبابه ترتیب دادن جلسات دعا و
مناجات در خانواده، اقدام به تعهد و جرای
برنامه های ترویج تبلیغ، اداره امور
صندوق محلی، و تشویق و ترغیب مستمری اران
وهدا یت جو معبهای به خدمات و اقدامات
امری. در حال حاضر تساوی حقوق رجال و
نساء در همه موارد در همه جا مراجعت نمیشود.
در مناطقی که سنن و آداب معمول درجا معرفه
موجب عدم تساوی است و مانع از مراجعت این
اصل میشود احباباً باید در اجرای این اصل
پیشقدم گردند. زنان و دختران بهائي باید
تشویق و ترغیب شوند که در فعالیت های روحانی
و اجتماعی و اداری جا معرفه مشارکت جویند.
جوانان بهائي که در حال حاضر نیز بخدماتی
خلصانه و سرمشق آمیز در صفحه مقدم سیاه حیات
و جنوونه از قائم دنیا بی تشویق شوند که در
ضمن اینکه به تجهیز خود برای خدمات آینده
اشغال دارند به طرح و اجرای نقشه های تبلیغی
مخصوصی در بین اقران و همسالان خود اقدام
کنند.

حال که مرحله دو سال نهائی نقشه هفت ساله
آغاز میشود بسیار مسرور و مشعوفیم که نه محفا
روحانی ملی جدید به تعداد محافل ملیه افزود
میگردد. سه محفل ملی در آفریقا، سه محفل
ملی در قارات آمریکا، دو محفل ملی در آسیا

مطالعات عمیق و مشورت بیت العدل اعظم
و دارالتبليغ بین الملکی است و در آنها
ا هدف و مقاصدی که با یدهای ریکارڈ جوا معملی
بها ئی تعقیب کنند و تحقق بخشنده عیین و
مشخص شده است تا رضوان ۱۹۸۶ شاهد اکمال این
نقشه جلیل با فتح و ظفر کامل باشد. این نقشه
در دورانی که اغتشاشات بین الملکی باعثی
درجه رسیده است ب مرحله اجراء در میاد و قوه
حیات بخش و تقدم غیرقابل مقاومت و خلاقیت
نیروی اجتماعی امراللهی را اثبات خواهد
نمود و در مقایسه با انحطاط روزافزون مقدرات
عامه بشریت جلوه ای بدیع خواهد داشت.

یاران محظوظ، عنایت و صون و حمایت جمال
اقدس ابهی در حفظ و پرورش هیک
حدید الولاده نظم بدیعش در این دوران پر
تلاظم تغییر و تحول و امتحان و افتتان به
اطمینان کامل میبخشد که هر آینه اگر در سبیل
هذا یتش سالک گردیم شاهد فتح و ظفر نهائی
خواهیم شد و اقدامات ناقابل ما را با بذل
الطف لایه لایه چنانی داش خواهی داشت
تنها موجب تقدم و پیشرفت امراللهی میشود
بلکه سبب اطمینان و تسریر قلوب ما میگردد
تابتowanیم با وجودی نورانی و بشاش به
دیگران بنگریم و یقین داشته باشیم که از
خدمات کنونی ما آینده پرسعادتی بوجود و
خواهد آمد که نسلهای آینده با راث خواهند
بردو جلال و حبروت حضرت بهاء اللہ "سلطان
صلح" و منجی ام " را خواهندستود.

با تحيات ابداع ابهی
بیت العدل اعظم

**ترجمه سام منع بیت العدل اعظم الی
خطبہ بهایان املاک متحده آمریکا
معنوی ۲۳ پاچ ۱۹۸۴**

با رزا يين تقدما ميدبخش مشا ركت آن در مشروع موفقیت آمیز "طريق نور" وافتتاح دارالتعلیم جنوب غرب آمریکا در منطقه خاص بومیان ناواهوبوده است.

ابتکاراتی که در زمینه تبلیغ اقلیت‌های مختلف مانند مردم شرق آسیائی و اسپانیولی زبان بعمل آورده اید باعث ازدیاد تنوع اعضاء جا معه شده است.

مشا ریبع تبلیغی که با همکاری آلاسکا و کانادا و مکزیک در حوالی سرحدات مشترک ممالک اجرا نموده اید پر شمر بوده است. اعزام عده کثیری از مهاجرین و مبلغین سیار به سایر ممالک با جدیت تا ما دامد اشتہ است و حسن تدبیر و استقامت بهایان مقیم جزا ائران کلندرا یا میجرانی آن جزا ئرجلوهای خاص داشت. یقین است که دراین مجھودات متعدد به تائیدات جمال اقدس ابھی موید بوده اید و بلاشک در تداوم دراین سبیل موفق خواهید بود.

تا سیس مجدد مدرسه لوهلن و برنا مهای مفیدی که تحت اشراف آن موسسه اجرا میگردد آن تیه درخشا را نوید میدهد. تحصیل جواز برای تا سیس رادیو بھائی در دارالتعلیم لوئیس گرگوری که اولین وسیله ارتبا طجمعی بهای در آمریکای شمالی است متوجه و اقدام مهمی است که تنها برای تحکیم و تقویت امر تبلیغ درایالت کارولینای جنوبی مفید است بلکه حیثیت امر را در انتظار بala برده بروز است دائره نفوذ و برکات آن می‌افزاید. برنا مهای مرتب و منظمی که برای تربیت اطفال طرح کرده اید و بیش از ۵۰۰۰ نفس در سراسر کشوردا و طلبانه با جرای آن همت گما شده است و در فی الواقع بر جسته و ممتاز است و بایستی ادامه یابد. برنا مهای مختلف بمنتظر تشویق یا ران به مطالعه نصوص مبارکه و نیز سعی و کوشش موسسه مطبوعات امری به طبع و نشر آثار مقدسه با جلد مقوایی بنحوی که علی رغم قیمت ارزان در خورشان و مقام کلمات الهیه باشد موردن توجه و قدردانی است. بخصوص جوانان را بجهت خدمات خالصانه ایشان با مردم بارک تحسین و تمجید مینماییم. موفقیت‌های آن از هدف تعیین شده یعنی پنج کنفرانس ناحیه‌ای در سال بمرا تدبیشتر بوده است و در اعلان و ترویج مرا الله دردا خل و خارج کشور نیز سعی بليغ مبذول داشته‌اند.

با وجود مسرت وابتها جا صله از فتوحات بر جسته‌ای که با آن نائل شده‌اید، اعم از آنچه ذکر شد و بسیاری دیگر که ذکر آنها دراین مختصر ممکن نیست، نکته‌ای که معالسف جلب نظراین هیئت را می‌کنداین است که قلت میزان تسجيل نفووس بطور وضوح با قوت و قدرت مجاہدت شما و فرصت‌های فروانی که در آن سرزمین پر نعمت برای ترویج مرا الله موجود است مغایرت دارد. از ذکراین مطلب منتظر ایجادیا س و پریشانی خاطرنیست بلکه مقصوداًین است که به امکانات و فرصت‌های موجود بیشتر واقع گردید و به مراتب جدیدی از جهود و کوشش ارتقاء یا بید. شما جا معهفا تحریم و قهرمان نید و در صفحه مقدم لشکر شکست ناپذیر نور قرار دارید و حق باید در طبیعت جیش آماده پیشروی باشید. وقایع جانخراشی که دراین لحظات در مهدا مرا الله روی میدهد بیش از هر زمان ضرورت و فوریت تکثیر عدد اعضاء جا معه شما را آشکار می‌سازد، جا معه ای که مسئولیت‌های خداداده وغیرقا بل اجتناب آن در مقابله جا معه جهانی کمتر از مسئولیت‌ش در مقابله خودجا معه نیست. انتصاراتی که تا حال نصیب شما گردیده از تو انائیشان برای ازدیاد عدد مومنین که هدف اصلی واساسی است حکایت می‌کند و بلاشک تقدم مرا الله در آن اقلیم منوط و موکول به این ازدیاد توسعه است.

البته مسئولیت اولیه درا جرای این هدف بعهده افراد احباء است. بنا براین در تدبیه اول

مخاطب ما در این مورد فرد فرموده حضرت ولی امرالله سرنوشت تما می‌جا معا
نها یتا منوط به همت آنا ناست فرد بھائی است که تصمیم می‌گیرد قیام به نشر نفحات الله نماید .
و هیچ محفل روحانی یا لجنه تبلیغ و یا هیچ هیئتی از بھائیان خوش نیت هر قدر سعی و کوشش کند
نمیتوانند مقاومت را که فرد بھائی در این فعالیت اساسی حائز است غصب نماید . با توجه با ینکه
محافل روحانی و لجنه‌های مربوط‌سی بليغ در اعلان امرالله از طریق وسائل ارتباط جمعی و
وسائل متفرقه دیگر مبذول داشته اند و مبالغه هنگفتی که برای این منظور صرف شده بمنزله سرما به
گذاری در امر تبلیغ است که راه را برای اقدام مبلغین هموار می‌سازد و تبلیغات هر قدر توجه و علاقه
مردم را نسبت به امر جلب نماید نمیتواند جانشین سعی و کوشش شخصی در نشر نفحات الله شود . هر
فرد بھائی با یدا زن و مصمم گردد که قیام نموده دعوت به تبلیغ را بیک گوید . با ید نصیحت ولی امر
محبوب را عمل نموده "ا" مکاناتی را که در موقعیت مخصوص حیات ا و برایش فراهم است بررسی نماید
و مزایای آن را سنجه‌ده با ذکا و ت و نظم و ترتیب برای نیل بمقصدی که در نظردا ردموردا استفاده
قرار دهد ."

بهمچین با ید بقدر کافی معرفت در تعالیم امر حاصل نموده فضائل آن معرفت را در زندگی روزانه
خود منعکس سازد و با لآخره با ید و وقت را تلف ننماید و فرصت بیشتری را از دست ندهد . جا معا بهائی
با ید باتکاء قدرت عمل و تشریک مساوی افراد مونین با طرح و اجرای صحیح و منظم نقشه کار (بخلاف
روش متداول در حیات امروزی جا معا مریکائی که از خصائص آن شورو و هیجان‌های زودگذر و تعلقا
جنون آمیزولی سطحی است) (جهد نماید ثبات و تداوم بیشتری در شیوه توسعه و تقدم جوا مع محلی و ملی
حاصل گردد . هر جا معا بهائی که فعالیتهاي اساسیش در جهت احیاء و محافظت افراد، منسجم
و پیوسته باشد از آن مش و اطمینانی درونی برخوردار خواهد بود و بقوه محركه روحانی با هتزاز
خواهد آمد و نفوذی مقاومت ناپذیر اعمال می‌کند و مسیر جدیدی برای تحولات اجتماعی تعیین
می‌نماید و در نتیجه قدر است احتراز و ملاعت و متعهد و فدا ری محبین و منتقلین هر دورا جلب نماید .
این امکانات که اثرات عمیقی بر آن مترتب است به اراده فرد مون من استگی دارد که پیش‌قدم
شده مطابق راهنمایی موسسات بهائی مبارزت به عمل نماید و این اقدامات را بدون انحراف
نظر و توجه به ظواهر فریب‌نده فراوان اجتماعی که در بر حمایت غوطه و رو در حال انجام است ادامه
دهد . امید است که با تصمیمی جدید و وقف مجدد وجود خود با رژیم روحانی تا وقت با قیست پیام
حضرت بهاء الله را با فکر و تأمل و با صبر و تحمل بنحوی جالب به هموطنان خود اعم از ساکنین مدن
یا قراء و ضیع یا شریف، عالمیا امی، غنی یا فقیر بالغ نمائید . اکنون بر آن جا معا شجاع است که
طی دو سال آخرین مرحله نقشه هفت ساله، با قیمانده اهدافی را که در مرحله گذشته نقشه بشما و اگذار
شده تکمیل نمایید و در ضمن با حتیا حات ذیل توجه مخصوص مبذول دارید :

مجهودات کنونی خود را در جهت تشدید و تقویت فعالیتهاي تبلیغی دنبال کنید . با اعلان مرآز
طریق وسائل ارتباط جمعی ادامه دهید و با اولیا امور و پیشوایان فکر در می‌دانیم مختلفه در
سرا سرکشوار را بطبی صمیمی برقرار نمایید .

* توجهی مخصوص به توسعه اقدامات تبلیغی بین بومیان آمریکائی مبذول دارید تراه برای
شروع طرح‌های آزمایشی توسعه اقتصادی و اجتماعی دریک یا دو منطقه سرخ پوستا نماز شود و علاوه
بر مساعدة به افرادی که مشمول طرح هستند نمونه‌ای برای مناطق دیگر باشد .

* اقدامات تبلیغی را بین اقلیت‌های مهم تقویت نمایید و سائلی موثر برای اندماج جمیع

مومنین در حیات جو امعبها ئی فرا هم کنید.

- * مجھودا تی که در زمینه استفاده از مبلغین سیار در دا خلہ کشور شروع کرده ایدا مددھید.
- * برنامه های تبلیغی در مناطق سرحدی و طرح های دیگری را که مفید بحال طرفین است با همکاری محافل ملی کانادا و مکزیک ادا مددھید.
- * گروه جدیدی از مهاجرین را که در این مرحله از نقشه بعنوان سهمیه آن جا معه تعیین شده در اختیار رعایت مبھائی قرار دهید.
- * نقشه دقیق و کامل با مراحل مشخص برای تعمیر و اصلاح بنای امالمعا بد غرب طرح و شروع نموده، ادا مددھید.



بیان عکس

مکتبه جهانی بجهان

رضوان ۱۹۸۴

خطاب احتجاجی کانادا

یا ران عزیز و محبوب

در این رضوان حان افزا، از اینکه بوجهی قابل تحسین قوای خلاقه تخیل، ابتکار و دوراندیشی را در پیشبرداهاداف نقشه هفت ساله بکاربسته اید، مراتب عمیق سپاس و امتنان خود را ابراز میداریم. خاصه آنکه شیوه های را که در فرصت های عدیده برای اعلان و انتشار و پیشرفت مصالح امریکه معمول داشته اید بسیار جالب و موثر بوده است.

دومین مرحله (Phase) نقشه شاهد پیشرفت های قابل ملاحظه ای بوده است. گردهم آوردن موفقیت آمیزی ران بهائی از ممالک عدیده در کنفرانس عظیم بین المللی بهائی در مونتریال نشانه بر جسته دیگری از رشد و توکامل امرالله و خروج آن از دوران مجهولیت در آمریکای شمالی، بر جای گذارد. فعالیت شدید تبلیغی در بین بومیان با انعقاد "سومین شورای قاره ای بومیان" و همچنین ساختمان "موسسه بهائی یوکان" اوج گرفت. بعنوان یکی از نتایج حاصله از تضییقات در ایران، اعلان وسیع امداد و رسانی ارتباط جمعی محلی و ملی صورت گرفت و روابط محکمی که بطور شاخ و نمونه با دولت کانادا برقرار گشته، ابواب مهاجرت را بروج خیل دائم التزايد احبابی ایرانی فرا ری از ظلم و مستم موجود در وطن مالوف مفتوح ساخت. انجمن مطالعات بهائی، از طریق کنفرانسها، انتشارات و گسترش پایگاههای تشکیلاتی خود، از جمله یک "مرکز" در اتاوا و سیلیه چشمگیری در جهت تبلیغ امداد موسسات آموزش عالی بوده است. شرکت موثر کانادا در توسعه بین المللی دائره امر مشتمل بوده است بر: اعماق کثیری از مهاجرین و مبلغین سیار در سطح جهانی، بالا خص و بطور قابل توجه به نقاط قطبی، آفریقا و جزایر کارائیب، مساعدت در تهیه و ابتداء تعدادی از اراضی و املاک موردا هدف نقشه، و رهبری در پرورش های کمک های خارجی در اکواذر، هائیتی و هندوستان از طریق موسسه "خدمات توسعه بین المللی بهائی کانادا". این اقدامات کلش اخص های روشنی است بر آنکه جامعه معزز بهائیان کانادا بنحوی سازنده و آگاه و در نهایت خلص و صمیمیت که شایسته سرنوشت عالی آن است، به انجام وظائف خود مبارز و رزیده است. با ایده اندیکه پیشرفت های بمراتب بزرگتری در دسترس شما است. لذا بانهایت اطمینان به پیروان پراخلاص حضرت بهاء الله در کانادا صلاید هم که در پیشبرداهاداف نقشه اهتمام ورزید و مجهودات خویش را در افزایش بی سابقه عدد مشروعات زیربکار برید: پیروان فعل، معرف و مطلع اسم اعظم از جمیع طبقات جامعه و از میان کلیه گروه های نژادی و قومی.

خانواده های متحدو آراسته به روحانیت و شیم بهائی که جلوه های منقبت امر بهائی را متحلی سازند.

محافل روحانی محلی مستحکم وفعال که در ارتقای سطح پیشرفت جوامع بهائی تحت اشراف خود موفق بوده ویاران را به خدمات امریه هدایت نمایند.

حوالان غیور و سراپا ذوق و شوق که حیات خود را با برنا مهربانی در طی دوران تحصیلی مهاجرت، پروژه‌های اجتماعی و اقتصادی و اهداف تبلیغی، وقف خدمات فعال و موثر امیر بهائی نمایند.

اطفال بهائی که تعلیم و تربیت خود را در پرتو اخلاق و ملکات بهائی واژ طریق مشارکت در حیات جامعه و خانواده و درجهٔ تکامل هر چه بیشتر قوا و استعدادت نهفته بسته ورند.

باعنایت به وظیفه خطیری که در اجرای نقشهٔ ملکوتی حضرت مولی الوری بر عهده دارید در اعتاب مقدسه از قبل شما صمیما نه دعا میکنیم که جمال مبارک آن یاران را در قیام و اقدام بهاین وظائف عظیمه محوله اعانت فرماید.

با ادعیه مشفقانه بهائی
بیت العدل اعظم

ترجمهٔ سایم تلگرافی بیت العدل عظم الٰهی خطاب به سینه‌ریوم
« دیانت بهائی و اسلام »

سینه‌ریوم « دیانت بهائی و اسلام »

موفقیت شایان توجه سینه‌ریوم دیانت بهائی و اسلام موجب گرمی قلوب گردید مشتاقه منظر چاپ گزارشات آن انعقاد سینه‌ریوم های متعاقب می‌باشیم. طلبان داشته باشند که از قلی سخنمن شرکت گنگان برای شمول تأیید جهت مساعی ارزش نده شاد عالمی کنیم. بیت العدل عظم

ترجمه قسمتی از ماده اول اساسنامه

بدهستور بیت العدل اعظم الٰہی، دارالاٰش امداد علی طی مرقومہ مورخ ۲۵ وریل ۱۹۸۴ خطاب به کلیه محافل روحانیہ ملیہ ضمن ارسال دوپیا م، یکی پیا عمومی رضوان و دیگری پیا مخصوصی به هریک از محافل روحانیہ ملیہ، وظائف جامعه جهانی بهائی را بطور اعم و احیای هر کشور را با اهداف ویژه آن مملکت بطوراً خص دراین دوپیا م که مکمل یکدیگرند مشخص فرموده اند نکات و اطلاعات مهم مرقومہ دارالاٰش ذیلابطوراً اختصاری دارد و میشود:

۱- از تاریخ آخرین پیا عمومی بیت العدل اعظم الٰہی مورخ نوامبر ۱۹۸۱ در مورد حركت مهاجرین به نقاط مختلف جهان، بیش از ۴۵۰ مهاجر در اهداف مهاجرتی مستقر شده اند که بی حد وجوب سپاس و تقدیر بیت العدل اعظم الٰہی است.

۲- با مشورت دارالتبليغ بین المللی، با قیمانده اهداف مهاجرتی مورد تجدیدنظر قرار گرفته و در نتیجه مقرر شده است که از طرف ۳۹ محفل روحانی ملی تعداد ۲۹۸ مهاجر از طریق ۷۹ لجنه ملی به اهداف مهاجرتی که جدیداً تعیین شده اعزام گردند. ضمناً تا کیدفرموده اند آن دسته از مهاجرین که امور مربوط به عزیمت خود را به نقاط مهاجرتی قبلی انجام داده و آمده حرکت میباشد، طبق همان برنامه سابق عمل فرمایند.

۳- با توجه با ینکه فقط دو سال پیا ن نقشه هفت ساله بیت العدل اعظم الٰہی باقی است تا کید شده است مهاجرین جدید با آنچه در قوه دارند بکوشند که در اسرع وقت آمده حرکت و استقرار در محلهای مورداً هدف نقشه شوند.

۴- بیت العدل اعظم الٰہی امید و طید دارند که مهاجرین عزیز تا پیا ن سال اول از دو سال با قیمانده نقشه در محلهای خود مستقر شوند تا در مشاهده خاتمه امسک پیروز مندا نه نقشه، شریک و سهیم گردند.

۵- اهداف مهاجرتی مرحله آخوندۀ هفت ساله برای ایالات متحده آمریکا
تعداد مهاجر

1	San Salvador Island
2	Barbados
4	Benin *
1	Kosrae
2	Truk
2	Easter Island
6	Colombia
4	Cyprus
2	Dominica
1	Galapagos Island
2	El Salvador
2	Fiji
2	Grenada
3	Ronduras
2	Guatemala
8	Ireland, Republic *
2	Cayman Islands
4	Korea

محافل پذیرنده مهاجر

1	Anguilla
1	Montserrat
2	Lesotho
2	Liberia
2	Rota
1	Tinian
2	Marshall Islands
2	Mauritanis
4	Mexico (Yucatan)
2	Nepal
4	Philippines
1	Saint Vincent
2	Tuvalu
2	Uganda
2	Uruguay

*توجه - اعزام مهاجرين ايراني به مراكز Benin وجمهوري ايرلنديه جمعاً ۱۲ مهاجر است
ارجحیت دارد.

عـ. اهداف مهاجرتی مرحله آخوندی هفت ساله برای کشور کاتا دا

محافل پذیرنده مهاجر

Canada	4	Bahamas *
	2	Barbados
	2	Benin
	2	Saint Pierre & Miquelon
	2	Greenland
	2	Finland
	2	French Guiana
	2	Gabon(Libreville)
	1	Guadeloupe
	1	Saint Barthelemy
	2	Guyana
	2	Haiti
	1	Honduras
	2	Leeward Islands
	2	Madagascar
	2	Loyalty Islands
	2	Society Islands (Tahiti)
	2	North East Zaire*

ـ Nort East Zarri و Ba hama که جمعاً

*توجه - اعزام مهاجرين ايراني به مراكز
ارجحیت دارد.

حقیر قشر از خلاص روز

تقم ۱۴۰۳

رگ حیات اور اقطع میکند، بنا بر این نیازی
بکمک و مساعدت بندگانش ندارد و بالعکس
کلمه طبیه‌الهی و شجره مقدسه ربانیه اصلش
ثابت و فرعش از اسماء میگذرد و هیچ تنبیه‌ای
مخالفی نمیتواند مانعاً از رشد و نموش گردد
همواره تاریخ مدل براین حقیقت است که
جور و ستم وعدوان در جمیع شرایع الهیه موجب
اشتها رضیت شریعت الله واقبال نفووس
جدیده درسائرنقاط عالم شده و شعله‌ام را لله
را افزون و ضیاء و نورش را بیشتر نموده است
مطاله تاریخ نبیاء گذشته براین حقیقت
شاهدی است امین و گواهی است صادق.
در کتب مقدسه که شرح حال انبیاء الهی ذکر شده
بدان جهت است تا آدمیان از خواب غفلت
بیدار شوند و مرتكب نشوند آنچه را که پیش‌نیان
نسبت با ولیان حق مرتكب شده اند و این
هیهات هیهات که بسیاری از آدمیان غافلند
و دیراگاه، هنگامی سرازخواب غفلت بر
میدارند که بسیار ردیر شده و کارا زکار گذشته
و خود را خسر الدنیا والآخره نموده اند.
نظر باینکه سنت الهیه همواره چنین بوده که
محبان دوست یکتا و عاشقان دلباقته جمال
کبریا میدان بلارا ایوان سرور دانسته و
پروانه و رگردد حول شمع آله‌یه جان سپرده اند
لذا در این زمان آنچه برای ران حضرت رحمن
وارد شده میشود همانست که بمقربان درگاه
یا ربی نشان از قبل وارد شده البته عشاقد روی
دوست پروا از بلاندا رند و دیاران با وفای
خداوند زوالفضل والاحسان جفا را در
سیلش عین عطا دانند و زندان را فضل و موهبت
حضرت یزدان شمرند.
نبا ید فرا موش کنیم، ظلم و ستمی که برای ران

درا و راق مجله در این شماره در قسمت پیا مهای
واصله از ساحت رفیع معهد اعلیٰ بیت العدل
اعظم الهی شیدا الله ارکانه ترجمه پیا مهای
تلگرافی طبع و نشر گردیده که ما نندبرخی از
پیا مهای مندرج در مجلدات قبل حاکی از شکنجه
و شهادت و در بندبودن عده‌ای از دوستان حضرت
رحمان در کشور عزیزاً براین است.
سبحان الله متحا وزا ۱۴۰۵ سال از ته‌هورای
اما راعظ الهی میگذرد و مخالفان و معاندان
آن‌نوع و اقساماً مظلوم و ستم را برای ران الهی روا
داشتند و از دسان خانه‌اند بقسمی که در تاریخ
بقلم مورخین بهائی و غیر بهائی که حتی بعضی
از ایشان، دشمنان امر الهی بوده اند ثبت
گردیده تا برای ابد در صفحه روزگار ربانی بماند
و درس عبرتی برای آیندگان باشد زیرا بخوبی
همه میدانیم که گذشته آئینه آینده است" در این
آئینه اعمال گذشته‌گان و نتایج آن ظاهر و عیان
است این آئینه‌نمایان نگران حقیقت است که
ظلم و ستم وارد بر انبیاء و اولیاء قبل و
دوستان و مومنان ایشان نه تنها مانع جریان
وسریان شریعت الله نشده بلکه باعث
اشتها رضیت امر الله واقبال نفووس جدیده
شده و بیشرفت آنرا تسريع نموده است تاریخ
همواره درس عبرتی است برای مردم هوشیار
و آگاه ولی نه برای غافلان و بی خردان، زیرا
مردم‌دان میدانند که نفوذ کلمة الله را با شکنجه
و عذاب مومنان نمیتوان از بین بردوقدرت
خلافه شریعت الله را با حبس و زحر و شهادت
نمیتوان مانع گردید و امر الهی را با آزار
رسولان و کشتار مومنان نمیتوان محو و نا بود
ساخت و اگر کسی بدروغ سخنی گوید و نسبت شد
را بحق دهد و موحّب نصیح قرآن محید خدا و ند

است که با وجود زجر و شتم و آزار و مصادره اموال
واخراج از کار و تهمت و افتراق اهل بهای امر
اللهی در نهایت قوت و قدرت در پیشرفت و توسعه
است چنانکه هر قطره خونی که از بھائیان در
ایران ریخته شد موجب اشتها را علانا می‌
بھائی در عالم گردید. نقاط بعیده جدیده
فتح شدن فوسس بسیار اقبال با مرخص سرت
ذوالجلال نمودند.

رسانه‌های خبری هنگام بیان مظلوم وارد بـ
احبای ایران بصرافت طبع و طیب خاطر تعالیم
مبارکه را که داری برء الساعده مراض مزمنه
بشریه است توجیه و بیان نمودند بسیاری
از مردم روی زمین که حتی کلمه بھائی
بگوشان نرسیده بودا ز شریعت الله و تعالیم
مقدسه او آگاهی یافته و طالب اطلاعات بیشتر
شدند و متعاقبا در جلسات نشرنفحات شرکت
جسته و جمعی از ایشان اقبال با مرما رک
نموده اند اما ز مرحله مجهولیت خارج شده قدم
بمیدان اشتها رگذاشت.

تعداد نفوس تازه تصدیق آنقدر افزایش یافت
که حتی تصویرش هم قبل از قدرت دیدگویان
بشری برای مردمی مانندنگارنده نمیرفت
بعضی از رجال عالم و خیرخواهان امما لحاظ
انسان دوستی حمایت از مظلومان بھائی
نموده و برخی از مجالس مقنه و عده‌ای از
دول معدلت پرورخواستا رفع این مظلالم
شدنی‌گی الجمله‌ندان بلنداش و آوازه جها نگیر
گشت. چه خوش فرمود بل شیراز

آب حیات منست خاک سرکوی دوست
گردو جهان خرمی است ما و غم روی دو
ولوله در شهر نیست جز شکن زلف یار
فتنه در آفاق نیست جز خمابروی دو
حال معلوم شد که آنچه واقع گشته بظاہر
نا رولی در باتن نور بوده است عده‌ای از امر
اللهی بی خبر بتصور باطل خویش خواستند
چراغی را که ید قدرت اللهی برافروخته خاوش

اللهی وارد می‌شود قلوب اهل بهای را در اقطار
عالیم می‌گدازد چشمها را گریان و دلها را پسر
خون می‌سازد جگرها را آتش می‌زند و کبدها را
می‌گدازد اینها همه از عواطف لطیفه انسان است
زیرا آدمی چگونه می‌تواند در مقابله ظلم و شتم
وارده برد و دوستان خود که از جان عزیزترند
آرا مگیرد و قلبش آتش نگیرد.

یکی از تعالیم مقدسه دیانت بھائی آنست که
اگر ظلم و زجر و شتم در راه دوست بی همتا
برا اهل بھا وارد شود با ید برق و مدارا رفتار
کنند در راه ظالمان دعائیم می‌ندهند و دایت
اللهی را مسئلت کنند مقابله بمثل ننمایند
چهار را با وفا پا سخنه ند و دشمنان را کاس عطا
باخشند دست قاتل بیوسند و رقص کنان آهنگ
کوی دوست نمایند زیرا بخوبی آگاهند که
حیات عنصری چند روزی بیش نیست خواه نا
خواه آدمیا نرا هفتاد پیش گرفته و عاقبت در
محلت خاوشان مقر و ما وی جویند.
پس از نظر را یشان حیات عنصری را در راه دوست
فاده نمودن عین صواب است و طریق نجات در
این مقام شمس سماء عرفان حضرت مولانا خوب
فرموده:

توبیا مجلس قدسی انبیس محفل انسی
قرارگاه چه سازی در این نشیمن فانی
برون برو سفری کن بحال خود نظری کن
ز جلس عالم صورت بمرغزا ز معانی
توبیا رخلوت نازی مقیم پرده را زی
دریغ با شادا گرتود راین مقام بمانی
فی الجمله هیچ‌ مری، وهیچ ظلم و جوری در عالم
نمی‌تواند امر اللهی را سدگشته و کلمه طیبه
ربانیه را از نفوذ و سریان با زدا ردقنگه
 بشهدت تاریخ ادیان درا دوا رگذشته مخالفان
و دشمنان شرایع اللهی با وجود قدرت و مکنت
و شرور و کثیر کلاماً یوس و خا سرگشتند و امر
اللهی عاقبت عالم گیرشد.
شاهد زنده این مقال جریان اخیراً ایران است

چندجزوه بظاهر فریبند و در باطن چون سه
شعبان هلاک کننده، در هر جمعی خود را مطلع
با جمیع رموز و مسائل اسلامیه معرفی و در نهایت
بی پروائی و بیوفای آغا زخن بر مخالفت
با اسلام مینما یند.

لکن اهل بهاء با وجود انواع و اقسام تعب و
مشقت و آزار و آرایشی که در کشور ایران تحمل
نموده و مینما یند در مغرب زمین در هر جمعی
با صدای بلند فریا دحقانیت شریعت مقدسه
اسلام را بلند نموده از قرآن آسمانی شریف
سخن گفته و راستی و درستی او را به مخالفان
اسلام مدلل ساخته و آیات الهیه را که در این
ظهور اعظم درباره عظمت و مظهریت اسلام
نا زل گشته بگوش قریب و بعید، خویش و بیگانه
میرسانند، حتی شنیده شده در بسیاری از موارد
که خواسته اند جزو مخالف اسلام برای مطالعه
به یک تفریب‌های بد هندا زاخذان خود را دری
نموده و حاضر گرفتن همنشده تا چه رسید
بمطالعه آن، اینست اخلاق و شیم پسندیده
بهائیان در ظل تربیت الهیه.

بر مطلعین پوشیده نیست هنگام میکه اهالی
مغرب زمین بادیده بدینی بمردم مشرق
زمین نگریسته و اسلام فقط محدودی اطلاع
داشته و اکثریت مردم نه تنها بی خبر از اسلام
و تعالیم آسمانی او بودند لکه نعوذ بالله
اسلام جزو ادیان الهی محسوب نمیداشتند، در
چنین زمان حضرت عبدالبهاء روح‌ما سواه فداء
در حین اسفار تاریخی خود را پا و آمریکا
در معا بدو مجالس یهود و نصاری بدلائل عقلی
و نقلی اثبات حقانیت حضرت رسول اکرم "ص"
فرمودند بقسمی که هنوز هم وقتی بهائیان و
حتی افراد غیر بهائی بخواهند در مجا مع غیر
اسلامی راجع با اسلام سخن گویند از خطابات و
بيانات و مکاتيب مبارکه حضرت عبدالبهاء
استفاده و استفاده مینما یند.

بنابر جهات معروضه مسلم گردیده هیچ‌مری
نتوانسته و نخواهد توانست بهائیان را از

نمایند لکن شعله و نورش افزون گشت و حرارت
بیشتر شد در بدبایت امر منحصر بکشور ایران
بود حال تما مآفاق را فرا گرفته و روی زمین
را از نسائم روح پرورش سرسیز و خرم نموده است
نکته‌ای که ذکرش بسیار مفید است آنکه از
ظهور نقطه‌اولی تا حال هر قدر دشمنان امر
dra iran بر ظلم و ستم خویش نسبت بمومنان
افزوده اند اهل بها احتراز مبیشتر نسبت
بشریت مقدسه اسلام نموده و مظہر ظہور الہی
حضرت محمد "ص" و ائمه‌ا طها ر علیهم الصلاة
والسلام را تکریم و تعظیم نموده و شعاعاً شریف السلام
را محترم داشته‌اند.

زیرا با اعتقاد اهل بها طبق آیات مقدسه
بها ئیه حضرت خاتم نبیا و سیدا صفیا علیه‌الاف
التحیة والثناء رسول الله و صاحب کتاب
آسمانی و مظہر عصمت کبری بوده و قرآن کریم
از طرف خدا و ندنا زل گردیده و ائمه‌ا طهار
علیهم الصلاة والسلام و صیا و اولیاء بر حرق
شریعت مقدسه اسلام بوده اند این حقیقتی است
غیرقابل انکار بل اهل بها با تما موجود
نسبت ب المقدسات اسلام احتراز گذاشده و قرآن
کریم را که آیات الهیه است محبوب دل و جان
میدارند این امر آنچنان در نظر اهل بها
حائز اهمیت است که هر فردی که بخواهد در ظل
شریعت الله یعنی امر بهائی داخل شود
اگر قبل اعتقاد بیکی از ادیان سوای اسلام
داشته باشد این اسلام را قبول و سپس در زمرة
اهل بها داخل گردد.

اگر بعضی از مسلمانان بی اطلاع از تعالیم
و دستورات بهائی، بهائیان در نظر اهل
مخالف اسلام میدارند این گناه بهائیان
نیست بلکه تقصیر عدم اطلاع آن از نصوص
قاطعه‌الله در این ظهور اعظم است.

دوستان رحمانی بخوبی واقنعت دارای
او این بعضی از ایرانیان مسلمان که راهی
ديار مغرب زمین شده اند از روی سادگی و عدم
مطالعه آیات قرآن کریم با خواندن

قسمت اول آثار قلم علی

در صحیفه بیان این کلمه علیا منظور و مرقو^۹ بگوای دوستان جهندنما ئیدشا یدمصیبا تیکه فی سبیل اللہ بر مظلوم و شما وارد شده بین ناس ضایع نشود بذیل عفت تمسک نمایید و همچنین بحبل امانت و دیانت صلاح عالم را ملاحظه نماییدنہ هوای نفس را.

جهندنما ئیدتا اعمال طیبه و اخلاق مرضیه واستقامت کا ملهدرا مرمالک بربیه از شما ظاهر شود. انشاء الله بقسمی برا مرالله ثابت و مستقیم مشاهده شوید که جمیع عالم قا در بر منع نباشد و خود را عاجز مشا هد نمایند اینست نصیحت مظلوم و وصیت او انشاء الله با ان فائز شوید و عامل گردید چه که امروز روز عمل خالص است لوجه الله رب العالمین.

فی الحقيقة کنز حقیقی از برای انسان علم و سوت و سوت علت عزت و نعمت و فرج و نشاط و بهجت و انبساط طوبی لمن تمسک به و ویللغا فلین

امروز روز ذکر و ثناء و روز خدمت است خود را محروم ننمایید

اعتقادات راسخ درونی شان بازدارد. حبس و زجر و شهادت و بهتان و افترانیزمانع از بیان حقائق مافی الضمیر ایشان نشده و نخواهد شد.

بمنظور مزیداً طلاع یاران معروض میدارد چندی قبل بواسطه انجمن مطالعات بھائی سپویزیومی در داشگاه معروف McGill در شهر مونترال بعنوان رابطه بین دیانت بھائی و دیانت اسلام تشکیل شدگزارش و خبر آن در این شماره درج گردیده است "دانشمندان اسلام‌شناس بھائی و غیر بھائی در سپویزیوم مزبور شرکت جسته و مطلب بسیار جالب در مورد مواضیع مختلفه مربوط بموضع عنوان و بیان نمودند که هرگاه متون نظرها بر سردا توجه با وراق مجله واقتضاء قسمتها ای از آنها در شماره های آتی انشاء اللهم درج و نشر خواهد شد.

همچنین طبق اطلاع و اصله بدعوت داشگاه تورنتو یکی از ناطقین بھائی سپویزیوم مذکور خطابه ای درباره اسلام در میان عده زیادی از دانشجویان در سالن داشگاه ایراد نموده که چندین روز موردنی بحث و گفتگوی دانشجویان بوده است.

در بدو مرد رناظر بود که ضمن بیان مطالب، نصوص متعالیه الہیه نیز برای مزیداً طمیناً زینت بخش اوراق گردید ولکن چون جزو بدست رسیده او بعضی از نصوص مبارکه که جامعه بھائیان ایران در بدو انقلاب اخیر بلحاظ تشحیذ افکار واذهان هموطنان مسلمان ایرانی بنام "عقیده ما درباره قرآن مجید" منتشر نموده لذا در صفحه بعد مطلب مندرجه در جزو مذکور برای مزیداً طلاع یاران عزیز رحمانی درج میگردد.

عقیده ما درباره اسلام و قرآن مجید

احبای عزیزالله طبق قرار قبلی میباشد در این جزوه مسئله قیامت کبری مورد بحث قرار گیرد ولکن چون از طرف بعضی از احبابی عزیز شوالاتی مطرح شده قبل از آدا مبحث اصلی در چند جزوه به آن دستها رسئوالات که پاسخ آن برای عموم مفید است جواب داده و سپس بحث اساسی خود را اقبال خواهیم نمود.

یکی از ایاران از قول دوست غیربها ئی خویش نوشته است که بهائیان استغفار الله به دیانت مقدس اسلام و قرآن مجید و مظہریت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اعتقادندارند و حتی نعوذ بالله دشمن دین حنیف اسلام و مسلمین نیز میباشد.

گرچه بطلان چنین قولی بر احبابی عزیزالله واضح و مبرهن است ولکن ما در این جزوه با استناد به بیانات مبارکه ثابت خواهیم نمود که بهائیان عموم انبیاء سلف را من حانب الله و کتب مقدسه تمام آنها را وحی الهی و دارای نیروی هدایت ربانی میدانند و حضرت رسول اکرم "ص" را پیغمبر حق و خاتم النبیین و سید المرسلین و سند المقربین میدانند و قرآن مجید را وحی آسمانی و فارق بین حق و باطل دانسته و با تما م وجوداً ز صمیم قلب محمد و قرآن را میپرستند و بعلوه به امامت ائمه اطها رمقو و معترف بوده و شیعه اثنی عشریه را فرقه برحق میشمارند لازمه اعتقاد به مظہریت حضرت باب و حضرت بهاء الله اقراراً و اعتراف به حقانیت دیانت مقدس اسلام میباشد در حقیقت بعقیده اهل بہا حضرت بهاء الله جل اسمه الابی موعود جمیع کتب آسمانی از جمله قرآن کریم است و بهائیان جز مسلمانان واقعی و معتقدین حقیقی با اسلام و معترفین به موعود آن دیانت مقدس چیز دیگری نمیتوانند باشند.

حضرت بهاء الله میفرماید:

"حضرت خاتم الانبیاء روح ما سواه فداه از مشرق امرالله ظاهر و با عنایت کبری وفضل بـی منتهی ناس را بکلمه مبارکه توحید دعوت نمودند".

(جزوه اسلام و دیانت بهائی ص ۱۵)

درجای دیگری میفرماید:

"والصلوة والسلام على مطلع الأسماء الحسنى والصفات العليا الذى فى كل حرف من اسمه كترت الأسماء وبه زين الوجود من الغيب والشهود وسمى بـمحمدى ملكوت الأسماء وبـا حمدفى جبروت البقاء وعلى الله وصحبه من هذا اليوم الى يوم فيه ينطق لسان العظمة الملك لله الواحد القـهـار" . یعنی وصلوه وسلام با دبر مطلع نامهای نیکو و صفات بلند، کسی که در هر حرفی از اسم و نامها موجود بـا و تـما موجوداً زـغـيـبـ و شـهـوـدـ زـيـنـتـ دـاـدـهـ شـدـهـ درـ مـلـكـوتـ اـسـمـهـاـ بهـ مـحـمـدـ وـ درـ جـبـرـوتـ بـقاـ بهـ اـحـمـدـ موـسـوـمـ گـرـدـيـدـهـ وـ صـلـوـةـ وـ سـلامـ باـ دـبـرـ خـانـدانـ اـوـيـاـ رـانـ اوـ زـاـ مـرـوزـتـاـ رـوـزـيـكـهـ لـسـانـ عـظـمـتـ نـاطـقـ شـوـدـ بـاـ يـنـكـهـ مـلـكـ بـرـایـ خـداـ وـنـدـوـاـ حـدـوـقـهاـ رـاـستـ .

(جزوه اسلام و دیانت بهائی ص ۱۴)

در مورد قرآن مجید نیز میفرماید:

"شـکـیـ نـبـودـهـ کـهـ قـرـآنـ منـ عـنـدـ اللهـ نـازـلـ شـدـهـ وـ شـکـیـ هـمـ نـیـسـتـ کـهـ کـلـمـاتـ الـهـیـهـ مـقـدـسـ بـوـدـهـ اـزـ آـنـجـهـ تـوـهـ نـمـوـدـهـ اـنـ" .

(جزوه اسلام و دیانت بهائی ص ۸)

و نیز میفرماید:

"هر کس تصدیق فرقان ننمود فی الحقیقت مصدق کتب قبل از قرآن هم نبوده."

فرقان = قران (جزوه اسلام و دیانت بهائی ص ۱۵۰)

اگر بخواهیم از بیانات مبارکه حضرت اعلیٰ و حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله تیزشو اهدی بیا و ریم در این جزو که پایه اش بر اختصار است نمیگنجد و از احبابی عزیزاله متمنی است که به نصوص مبارکه ایکه راجع به حقانیت دیانت مقدس اسلام و مظہریت و علوم مقام حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله و عزّمت و حقیقت قرآن مجید موجود است مراجعته فرمایند.

احبای عزیزاله بخوبی میدانند که شدت علاقه و احترام بهائیان به دیانت مقدس اسلام بحدی است که حضرت ولی عزیزاً مرالله در سالهای گذشته به احبابی آمریکا که عموماً مسیحی و یا کلیمی نژادند رسماً دستور فرمودند که قرآن مجید را در مدارس تابستانه خود جزو برنامه قرار داده و تحصیل نمایند و این روش پسندیده هنوز ادامه دارد.

در حقیقت بهائیان بزرگترین مبلغین دیانت مقدس اسلام در اقطار شاسعه جهان میباشند و هم اکنون که این دیانت مقدس دارای ۱۳۵ محفوظ ملی و بیش از ۲۲۰۰۰ هزار محفوظ روحانی محلی و بیش از ۸۰۰۰۰ مرکزاً مری در دنیا است همه نفوس مردمی که با این دیانت آیمان آورده اند اسلام و قران مجید را قبول نموده و به شارعیت و مظہریت حضرت رسول اکرم ص معتقد و معتبرند. تعداد ممالکی که در آن ها امریکاً ای منتشر گردیده ۳۳۵ کشور و تعداد قبائل و اقلیتها که مردم آن تا حال با این امراعظم گرویده اند متوجه وزار ۱۶۴۰ میباشد و تما ماینها درنتیجه تعالیم بهائی حقانیت اسلام معتبر و مونمن گشته اند. تعداد مدارس و معاهد علمی فعلی بهائی ۱۲۲ عدد است که در تما م آنها در ظمن متون نصوص والواح مبارکه و یا مستقل اقرآن مجید تدریس و تحصیل میشود آثار روکت بهائی تا حال به ۸۸۵ زبان ترجمه شده و در همه آنها حقانیت قرآن و اسلام با دلائل مقنعه اثبات گردیده است.

آما رفوق طبق اطلاع رسمی اخیراً است و بدیهی است که با پیشرفت روزافزون امرالله در سراسر عالم تما م این ارقام مستمر افزایش میباشد. احبای عزیز بخوبی میدانند که حضرت بهاء الله در ایقان شریف حضرت رسول اکرم را شمس نبوت و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را قمرو لایت توصیف فرموده اند و حضرت عبدالبهاء در مورد ائمه اطهار علیهم السلام میفرمایند: "ائمه اطهار مطالع الها مبودند و مظا هرفیض حضرت رحمن" و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را به "سلطان عرصه علم و حکمت و پادشاه کشور و لایت حضرت علی بن ابی طالب علیه التحیة والثناء" همچنین "بدرنیرو افلاک علم و معرفت و نقطه مرکز دائره ولایت اسدالله الغالب علی بن ابی طالب علیه التحیة والثناء" و همچنین "پادشاه عرصه ولایت و عنقاء" مشرق علم و حکمت حضرت علی بن ابی طالب کرم الله وجهه" و همچنین "بلبل بستان تمجید و عنديسب گلستان تجرید اسدالله الغالب علی بن ابی طالب کرم الله وجهه" ستوده اند.

و در مورد حضرت سید الشهداء حسین بن علی علیه السلام همه ما میدانیم که چه زیارتی اداهند مفصل ولطیف و موثری ازیراعه حضرت بهاء الله جل ثناءه نازل شده و احباب در روز شهادت آن معصوم کربلا در کمال خلوص وصف آن زیارتی اداهند که در اینجا محض رعایت اختصار از ذکر نمونه های از آن سفر کریم خود را میشود.

در کتاب ایقان در حق حضرت سید الشهداء علیه السلام و اصحاب آن مظلوم میفرماید:

"جندی از حسین بن علی اعلیٰ در ارض نبوده که اقرب الی الله باشد و آن حضرت بر روى ارض

مثلی و شبیه نداشت "

بنا بر آنچه ذکر شد و با در نظر گرفتن به نصوص مبارکه فراوانی که در تجلیل و تعزیز و تکریم دیانت مقدس اسلام نازل شده از احبابی عزیز الهی متمنی است که در مصاحبت و معاشرت با دوستان عزیز غیر بهائی خویش سعی فرمایند برادران و عزیز خود رفع سوء تفاهم فرموده و این حقیقت عالیه و مهمه را تبیین نمایند که طلوع دنیا را عظم حضرت باب و جمال قدم در عالم باشوارات و اشارات کتب و صحف مقدسه سلف مخصوصاً قرآن مجید منطبق است و مردم بعد از ایمان به دیانت بهائی ایمان و عقیده اشان به اسلام را سختر و محکم تر و تشبیث و تمیکشان بمقادسات اسلامی ظاهرا و با طنا شدید تر و قوی تر میگردد و اعتقاد آنها به تعالیم اجتماعی امر بهائی از قبیل وحدت عالم انسانی، صلح عمومی، تحری حقیقت " و ترک تقاليد، ترك انواع تعصبات، تطابق علم و دین، تعلیم و تربیت عمومی وغیره بحسب مقتضیات زمان و بمصادق وعود الهیه بوده و نفی اعتقاد عمیق آنها را به مبانی محکمه مقدسه اسلام نمی کنند و از طرفی تغییر احکام فردی و اجتماعی نیز که از فروع دین محسوب میگردد برای تغییر احتیاجات و مصالح زمان و مکان به مقدرت الهی صورت گرفته و مبطل اصول دین که اعتقاد به خدا و حقانیت و مظہریت انبیاء الهی است نمیباشد. چه نیکواست که همه مردم دست از تعصبات و اختلافات قابل اغماض ظاهره شسته و رفتارشان نسبت بیکدیگر مصادف این بیان مبارک گردد که میفرماید:

"..... شما مشارق محبت و مطالع عنایت الهی بوده و هستید لسان را بس و لعن احمدی میا لائید و چشم را از آنچه لائق نیست حفظ نمائید آنچه را دارا هستید بنمایید اگر مقبول افتاد مقصود حاصل و الاتعرض باطل سبب حزن مشوید تا چه رسید بفسادون زاع همه اوراق یک شحرید و قطره های یک بحر"

(لوج بشوارات)

یکی از دلائل اثبات مظاہر مقدسه آلهه

بضم الهمزة والياء عزير الله جناب على كبر فوتن

برای اثبات حقانیت مظاہر مقدسه دلائل عدیده در کتب استدالیه اهل بها اتیا نگردیده که مطالعه آن بمنظور تبلیغ امرالله و هدا یت نفوس مستعده طالبه ی شریعت الله لازم و ضرور بوده و هست و نگارنده این سطور با استفاده از آثار مقدسه مانند کتاب مستطاب ایقان و مولفات مشاهیر احبا چون تاریخ نبیل اعظم تر حممه و تکمیل هیکل مبارک حضرت ولی امرالله و کتاب فرائد ابوالفضل "وبیان حقائق" فاضل علوی وغیر آن بتدوین این مقاله و جزو ه پرداخت امیدوار چنان است که مورد توجه خواندنگان بويژه جوانان قرار گیرد

استماع نموده و از هیچ کش و هیچ نفسي خوف ننموده و اعتنا نفرمودند آيا می شودا یعنی غیر امرالله و مشیت مثبته ربانی قسم بخدا که اگر کسی فکر و خیال چنین امری نماید فی الفور هلاک شود و اگر قلبهاي عالم را در قلبش جا دهی با ز جسار بر چنین امر مهم ننماید مگر با ذن الهی با شدو قلبش متصل بفیوضات رحمانی و نفسش مطمئن بعنایات ربانی ... حال ملاحظه فرما ظیده که این سدره رضوان سخانی در اول جوانی چگونه تبلیغ امرالله فرمود و چقدر استقا مت از آن جمال احادیه ظاهر شد ... تا آنکه بالآخره جان را در باخت و بر فرق اعلی شافت "انتهی

حاجی محمد کریم خان کرمانی که کتابی بر رده حضرت اعلی بنام "تیر شهاب ردان اعلی الباب" نگاشته در تالیف دیگر خود با اسم "رشاد العوام" چاپ کرمان صفحه ۲۳۸ چنین مینگارد: "... بشارتی بجهت مومنان درین ایام بهجت انجام رسید بطور قطع و یقین نوشتجات متواتره از تبریز و طهران و سائر نقاط رسید که اورابه تبریز برد و بعد از امر بتویه از کفر خود و قبول نکردن رد - اورابا یکی دیگر از اتباع شکه بر غیری خود با قسی

یکی از دلایل قویه برای اثبات حقانیت مظاہر مقدسه پایداری واستقا مت آن نفوس قدسیه برای امرالله است که با وجود قیام عداء و مقاومت و مخالفت خصما و حبس و زجر و سرگوشی و در بدری آنی از ابلاغ پیام آسمانی و نشر نفعه طیبه رحمانی با زنمانه و بالمال جان شیرین را نیز عندا لزوم در سبیل رب العالمین فدا فرموده است.

تاریخ ادبیان شاهدی ناطق و گواهی صادر بر صحبت این مدعی است و موضوع بحث ما در این مقاله برای نمونه حیات پرمشقت حضرت باب اعظم نقطه اولی است که مظہرا استقا مت کبری بوده و بچنان جنبازی و فدا کاری در اعلان و ترویج مرضحت باری ظاهر شده است که مورث حیرت معا رضین و مخالفین آئین نازنین نیز گردیده است.

حضرت بهاء الله جل اسمه اعلی در کتاب مستطاب ایقان چنین می فرمایند قوله اعلی: "... و دلیل و برها ن دیگر که چون شمس بین دلائل مشرق است استقا مت آن جمال ازلی است برای امرالله که با اینکه درسن شباب بودند و امری که مخالف کل اهل ارض از وضع و شریف و عنی و فقیر و دلیل و سلطان و رعیت بود بای وجود این قیام بر آن امر فرمود چنان نچه کل

آنکه گفته است گفته است پرسیدنگوینده
کیست جواب داد آنکه بکوه طور تجلی کرد
روبا شدانا الحق از درختی
جرانبود روازانیک بختی

منی در میان نیست اینها را خدا گفته است
بنده بمنزله شجره طور هستم آنوقت درا و خلق
میشدالان در من خلق میشود و بخدا قسم کسی که
از صدر اسلام تا اکنون انتظارا و را میکشید منم

از مورخین و محققین مغرب زمین که راجع
با استقامت خارق العاده حضرت نقطه اولی
داد سخن داده و در آثار مشهوره مطبوعه خود
یا دگارا بدی درین باره بجای گذازده اند
میتوان نفووس ذیل را بآدنمود :

۱- کنیت گوبینودر کتاب "ادیان و فلسفه
در آسیا و سطی "

۲- دکتر ت. ک چین در کتاب "اتحاد اقوام
و ادیان " صفحات ۵۶۰

۳- م. س. هوارت در کتاب "دیانت با ب"
صفحات ۱۳۰

۴- مسیونیکولا در کتاب "سید محمد علی با ب"
صفحه ۳۷۵

۵- پرسفسور براؤن در مقاله هر دبایان درایران
که در مجله آسیا و هما یونی نشر شده سال
۹۳۲ صفحه ۱۸۸۹

۶- لیدی شیل در کتاب "نظری اجمالی در
حیات و اخلاق ایرانیان " صفحه ۱۸۱

۷- فرانسیس ینگها سیندر کتاب "لمحه"
صفحات ۱۸۳ - ۱۸۴

۸- والتنین پرول در کتاب "مسئله شرق
و سطی " صفحه ۱۲۰

دکتر کورمیک یکی از اطباء مسیحی که
سالها در تبریز میزیسته نخستین ملاقات
خویش را با حضرت اعلی چنین بیان مینماید

مانده در ۲۸ ماه شعبان امسال که سنه هزا رو
دویست و شصت و شش هجری است در میبدان
سربا زخانه برده بدیوا راستند و فوجی از
سربا زان را مرکرده اورانشا نگلولمساختند

یکی دیگرا زدشمیان سر سخت ام را الهی ملقب
به زعیم الدوله ازا هالی تبریز در کتاب
ردیه خود با اسم مفتاح باب الابواب "در صفحه
۲۳۱ ناچارا زاقرا ربا ین حقیقت شده که حضرت
نقشه اولی تا آخرین دقائق حیات پرآلام
خویش پای استقامت فشرده و براثر همیش
پایداری به پای دار رفتہ انداین خصم عنود
ولود چنین مینگارد :

"... ملام محمد مقانی بعد از ورودیا ببخانیت
وی گفت این کتب و صحف بخط شما و مال شما
باب نگاهی بکتب و صحف نموده گفت بلی اینها
مال من و بخط من است مقانی گفت بصحت
مضامین و بیانات این کتب مقر و معترفی
اینها درست است؟ با بگفت آری بهمه
اینها معترفم باز مقانی اظهار کرد آیا شما
بر عقیده قائمیت خود باقی هستید و میگوئید
همان منتظر موعود و قائم مشهور و معروف آل
محمد شما اید گفت بلی من همان ملام محمد اظهار
داشت بموجب این اعتراف خون شما هدرو قتل
شما واجب است این را گفت و از مجلس برخاست"

ادواردیبراون در کتاب
Materials for the study of the
BABI Religion

سندي را بچاپ رسا نده که عینا ذیلانقل میشود:
"... حاجی ملام محمد پرسید که مسموم میشود که
تمیگوئی من نائب امام هستم و با بم وبعضی
کلمات گفته ئی که دلیل برای ما مبودن لکه
پیغمبری تست گفت بلی حبیب من قبله من
من نائب امام هستم و با هستم و آنچه گفته ام
و شنیده اید درست است اطاعت من بر شما لازم
است بدلیل "ادخلوا الباب سجدا" (سوره
النساء) ولکن این کلمات را من نگفته ام

تقیخان امیرنظام جامشها دتکبری نوشیدند
و سینه چون آئینه را هدف هزار رصاص نمودند
فا عتبروا یا اولی الابصار.

استقامت (نُقلِ ارثابِ طبایان)

"استقامت برا مرجحتی است بزرگ
و برها نیست عظیم"

چنانچه خاتم نبیاء فرمودند "شیبتتی الایتین"
یعنی پیر نمود مراد و آیه که هردو مشعر بر
استقامت برا موالی است چنانچه میفرما یند
"فاستقم کما امرت" حال ملاحظه فرمائید
که این سدره رضوان سبحانی درا وان جوانی
چگونه تبلغ امرا لله فرمود و چقدر
استقامت از آن جمال احادیث ظاهر شد که
جمعی من على الارض بر منع ش اقدام نمودند
حاصی نبخشید آنچه ایداء بر آن سدره
طوبی وارد می آوردن دشوقش بیشتر و نا رحبش
مشتعل تر میشد چنانچه این فقرات
واضح است واحدی انکار نداشت اردا انکه
با لاخره حان را در باخت و بر فیق اعلی
شافت.

وقتی من با دونفر از پزشکان ایرانی برای
فحص قوای عقلیه سیدبابا او ملاقات کردم
دونفر از اصحاب نیز که بعد از بقتل رسیده اند
با او همراه بودند و چند نفر از ما موری می
کویت هم مرآقبت مینمودند من بسیدبابا
گفتتم که مسیحی هستم و میخواهم از دیانت
با بیه اطلاعاتی بدست آورم و شاید روزی به
این دین بگروم سیدبابا نگاهی دقیق بم
افکند و گفت بدون شک و شبه بزودی تمام
اروپائیان با وایمان خواهند آورد. مقارن
این احوال سیدبابا بفتوای علماء محکوم
بضرب شدود را ثنا عقوبیت سهوا یا عمد
چوب بصورت اواصات کرده و جراحتی عمیق
بوجود آورده بود که معالجه آن چند روز بطول
انجا میدوه و هر وقت سیدبابا را از زندان برای
زخم بندی نزد من می آوردند چند نفر میگردند
همراه او بودند ... باب بسیار رخوش سیما
و بسیم و نحیف اندام بود و صوتی ملایم
و مطبوع جون موسیقی داشت که در من اثری
شید بجا میگذاشت و هیئت او که بلباس سیادت
ملبس بود انسان را سخت مجذوب مینمود ...

فرانسیس ینگها سند چنین مینویسد:

"از اعجب و قایع تاریخ بشر که شایان تامل
ودقت است صداقت و شجاعت سیدبابا در بسط
دعوت خود استقامت و تمسک و ثبات و یقین
او در معتقدات اصلیه خویش است که تا آخرین
دقائق حیات برین صراط مستقیم بود و عاقبت
نیز جان خود را بکمال وقار و سکون فدا نمود و
بقدرت نافذها و هزاران نفر از فقراء و اغنشیا
و عالم و غیر عالم و پیرو جوان بجانب از و
فدا کاری و تحمل هرگونه جور و جفا و شکنجه
وعذاب تن در داده و بنها بیت صرسکون
مظالم وارد را می پذیرفتند" *

خلاصه القول حضرت نقطه اولی پس از شش
سال واندی حبس و تعزیز بفتوای مجتهدین
طرازا ول تبریز و مراکید و شدید میرزا

مشرق‌الاذکار عشق آباد

آنچه‌ای خود ق ایندی نیا
فرستد، بخوبی طالع است بیانی

حضرت عبدالبهاء جل شناهد در لوح ابن ابراهیم فرمایند قوله تعالیٰ :

"حضرت فرع جلیل سدره مبارکه حناب حاجی میرزا محمد تقی افتاب را بعشق آبا دفترستادیم تادر آن حافظل و عنایت جمال ابھی و روحانیت حضرت اعلیٰ تاسیس مشرق‌الاذکار نیما یند آوازه وصیت این مشرق‌الاذکار بحیمیع اطراف خواهد رسید و تا شیر عجیبی خواهد داشت" انتہی

و در یوم نهم مارچ ۱۹۱۶ مطابق پنجم حما دی الاولی ۱۳۳۴ هجری فرمودند:

"۵۵۵ در آینده صد هزار مشرق‌الاذکار ساخته خواهد شد اما جناب افتاب این گوی را از میدان ریود مشرق‌الاذکار عشق آبا در این کرد مثل این است که موسس جمیع مشرق‌الاذکار راهی دنیا ابود حقیقه" نفس مبارکی بود روحی له الفداء " انتہی و نیز میفرما بیند:

هولله ای یاران نورانی عبدالبهاء احیای عشق آبا دفی الحقیقہ در میدان عشق چانفشا نندوا زنسم گلشن جنت ابھی در نهایت روح و ریحان جمال مبارک روحی لاحب‌الله الفدات همواره ذکر خراسان میفرمودند که منشاء آثار خواهد بود و مرکز اتوار خواهد گشت هر کسی را گمان که مقصود آن سائر جهات خراسان است ایدا با طرین میگذشت که عشق آبا بدلجهوه محبت الله چنین معمور و آبا دگردد تا آنکه پرده سرافتا دو آن شهر مدینه عشق شدویاران در نهایت شوق و ایمان و ایمان مبعوث شدند و بنیان مشرق‌الاذکار بیانگشت و سرمهکنون آشکار شد که مقصود حضرت بیجون آن مرزوبوم بود.

حضرت ولی امرالله در کتاب قرن بیعی میفرما بیند:

در بیحیجہ بلایا و طوفان نواب و مصاب آن وجودا قدس با قدرت و فعلیت بی نظیر و سکون و قراری عدیل و مشیل دست بکار اقدامات و مشاروعات مهم دوره قیادت خوبی گردیده همان احیان نقشه ارتفاع اولین مشرق‌الاذکار عالم‌بهائی در خاطب پر مبارکش تجسم یافت و این مشروع جلیل بهمت یاران و محیان پرشور و پنهان در میدان عشق آغا زشد و نیز مقارن همان اوقات با وجود انقلابات عظیمه که موطن اصلی جمال مبارک را احاطه نموده بود از طرف هیکل اقدس تعلیمات لازمه نسبت بتعمیر بیت تاریخی و مقدس حضرت رب اعلیٰ در شیراز صادر گردید.

در مظلومترین ساعت آن دور بود که حضرت عبدالبهاء توقيعی ساعزا ز افتاب سدره مبارکه جناب حاجی میرزا محمد تقی وکیل الدوله مبارکا صلی بنای مشرق‌الاذکار عشق آبا داده درود آن لوح ابدعا منع باییانات رشیقه منیعه و خطابات مهینه شدیده عظمت طهور جمال اقدس ابھی را تشریح و حملات و هجماتی را که از طرف اعداء دین الله از قریب و بعید و آشنا و بیگانه بر هیکل امرالله وارد خواهد آمد اخبار و پیغام تائیدات الی و نصرت و غلبه فارسان مضموم رسانی و متمسکین بعروه و ثقای سخانی را بالحنی نافذ و سیاسی مهیج تصریح و تاکید فرمودند.

حضرت ولی امرالله در بیحیجہ دیگرا ز کتاب فوق میفرما بیند:

علاوه بر فتوحات و انتصارات باهره و حوا دلچیسیمه تاریخی که تحت لوای میثاق در عالم غرب حاصل گردید ترقی و توسعه شریعت الله در شرق و تاسیس قوائم و دعائم صرح مشید نظم اداری امرالله در اقطار شرقیه همجنین ارتفاع اولین مرکزان نوار و مشرق‌الاذکار عالم سهائی در میدینه عشق آبا دو بسط و انتشار آثار اماریه و نزول الواج تسلیفی خطاب بعلمداران مدینت الهیه در خطه امریک و نفوذ کلمه الله در قاره استرالیا را بسیار آثار مرضیه و موفقیت‌های بدیعه عهد ثالث رسولی و نتیجه مجهودات و مساعی خستگی نایذیر مرکزی بیان الهی محسوب داشت.

حضرت ولی امرالله در بیحیجہ دیگرا ز کتاب فوق میفرما بیند:

اما اعظم و اهم مشاروعات دوره میثاق احداث اولین مشرق‌الاذکار عالم‌بهائی در میدینه عشق آبا دادست که خطوات اولیه آن در زمان حیات مبارک حضرت بها، الله برداشت شدوسا ختماً آن در واخر عقداً ول از قیادت مرکز عهد الهی آغا ز و در جمیع مراحل مورد شناسی و ترغیب آن سو خود مقدس واقع گردید و زیرا عه مبارک تعلیمات لازمه نسبت سخنگونگی سنا و ترتیب آن صادر شد این مشروع جلیل و بیان رفع که شاهد مرآت عشق و چانفشا شی دوستان شرق و معرف هم و مساعی مشترکه آنان در اجرای یکی از فرائض مقدسه منزله از اسماء، مشیت رحمانی در کتاب مستطاب اقدس محسوب از مشعشعترین مفاخری است که در عصر رسولی این دور ابداع اعظم سل در قرون اول سهائی نصیب حا معا ستمدیده اهل بها گردیده است در ارتفاع این معبده عالیقدر افتاب سدره الله چناب حاجی میرزا محمد تقی و کل الدوله همتی مفهور و جهی مشکور میذول داشت و موردا لطف و عنایات بی منتهای مرکز میثاق الهی قرار گرفت این بزرگوار شخصاً می‌اشرت سنا راه عهده دار شد و جمیع اموال خوبی را در راه انجام این منظور اعز اعلیٰ وقف نمود و پس از وصول باین فوز میین و فیض عظیم ساحت را بکریم‌ثول یافت و در محفل لقا چرچیل و شواب جمل موفق گردید مرقد مطهرش در دامنه کرم الهی در طل مقام بھی الانوار حضرت نقطه اولی فرار دارد.

ستگ اولیه مشرق الاذکار عشق آباد درسال ۱۳۲۰ هجری مطابق با ۱۹۵۲ میلادی در حضور فرماندار کل ترکستان جنral کروپاتکین که بنمایندگی از طرف امپراطورروس در مراسم مخصوص حضور به مرسا نیده بودنها دشیکی از دوستان غرب که شخصاً ن مرکز انوار را دیدن نموده در وصف آن بنای عظیم و اساس فحیم چنین مینگارد:

مشرق الاذکار در قلب شهر قرا ردا رو گنبد رفیع المعنان که از خالل اشارا را بنیه شاهقه سرکشیده از دور نمایان و از جنین میل فاصله انتظار واردین و مسافرین را بخود حلب مینمایدینا در وسط باغی واقع شده که از جهای رطرف بجها رخیابان محدود است و در چهار راز ویه آن جهار ساختمان قرار داده دیگری مسافرخانه چهت پذیرائی زائرین و توقف مسافرین ثالث محل محافظین و باسانان مشرق الاذکار را برابع قسمتی که با حداث مریضخانه اختصاص داده شده است در داخل باغ نهاده روسیا خیابان فرعی موجود است که بشکل اشعه دایره بمرکزینا یعنی بجانب مشرق الاذکار امتداد دارد و دیگری از این خیابانها که بین درب ورودی باغ و مدخل اصلی مشرق الاذکار را واقع شده معتبر بزرگ ساختمان را تشکیل میدهدینا مرکب از سه قسم است اول طالار دوری در مرکز دوم گالری یا غلام گردش که دورتا دور طالار مرکزی واقع شده سوم طاق نمایا ایوان که تمام ساختمان را از خارج احاطه نموده و مشرف بر فضای باغ است مشرق الاذکار بصورت یک تھ ضلعی منتظم ساخته شده که یک مطلع آنرا مدخل اصلی بنا یعنی درب بزرگ مشرف الاذکار تشکیل میدهد مدخل مزبور دارای رواق هلالی عظیمی است که دو منواره رفع در طرفین آن قرار دارد و لحاظ ترکیب به بنای معروف تا جمل دراگره هندوستان که از اینه طریقه عالم محسوب و در نظر بسیاری از سیاحان زیباترین معبد جهان بشمار می داشته است درب بزرگ مشرف الاذکار بحیان ارض اقدس با زمیشودایوانی که بنارا از اطراف احاطه نموده و نمای خارجی آن معبد حلیل محسوب میشود از دو قسمت مرکب است قسمت علیا و قسمت سفلی ایوان و تزئینات بنا با اشجار روازها رینگ که فضای باغ را پوشانده دست بدست یک دیگرداده صحنه بسیار جالبی را که در آن آثار علم و صنعت با زیبائی و ظرافت طبیعت مقوون و همعنای گردیده است تشکیل میدهد. جدا ردا خلی ساختمان از پنج بدنه مجری ترکیب شده که یکی فوق دیگری قرار گرفته و از کف طالار مرکزی جدا میسا زدوم قسمت بالای غلام گردش بالکن (که موسیله دو طالار را از اطراف احاطه نموده و غلام گردش را از طالار مرکزی جدا میسا زدوم قسمت بالای غلام گردش بالکن) این قسمت مانند قسمت زیردارای نه هلال و نه ستون که ردیف پله که در ایوان در طرفین مدخل بزرگ واقع شده با آن دست میابند) این قسمت مانند قسمت زیردارای ایوان و نه ستون که ستون است و توسط طارمی از فضای طالار جدا میشود سوم یک رشته مرکب از نه هلال که دهانه آنها بر واژگونیهای بر جسته مستور شده است و بین آنها بهای متقوش با سام اعظم قرار دارد و هر یکی از هنده بزرگ هلالی که دورتا دور بنا واقع شده پنجم قسمت نوا فذها مل هیجده دریچه کوچک که برای دخول روشنایی تعییه گشته است پس از طبقات خمسه مذکوره گنبدیمکره ای مشرق الاذکار مشاهده میشود که برسطی فوک نوا فذها را گرفته و داخل آن با گچ بریهای دقیق و زیباترین شده است بنا از لحاظ عظمت واستقامت جالب انتظار و موردنوجه عموم میباشد. انتی

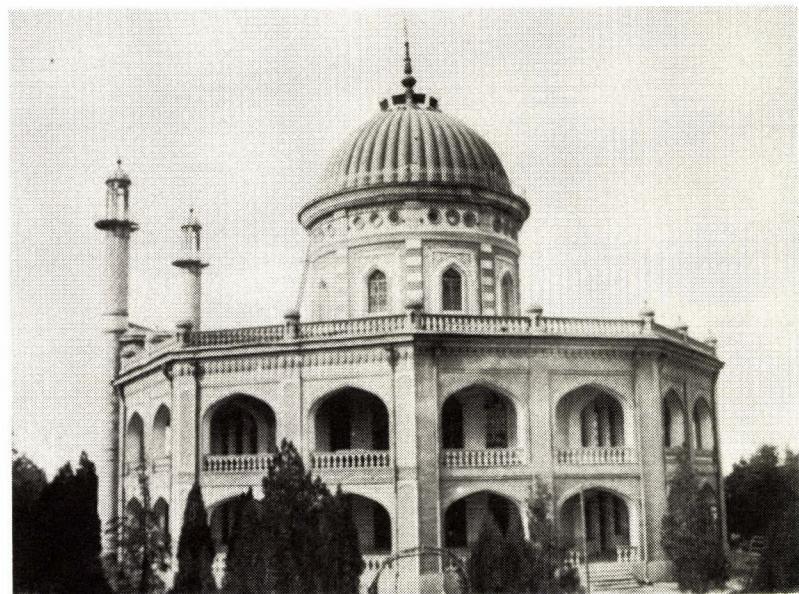
حضرت ولی امرالله در لوح نوروز ۱۵۱ میفرما یند:

در این اثناء لطمہ می دیگر بحا معه قوی الارکان پیروان جمال رحمن وارد گشت در دیار رمصیریه حکم قاطع انقضایهای را رسمی و کاملاً از شریعت محمدیه و اخراج آنان را از جامعه اسلامیه صادر کرد ... این حکم شدید علماً دین و اخراج صریح از جامعه مسلمین و تولید مشاکل عظیمه و وقوع امتحانات شدیده از برای مومنات و مومنین در آن سرزمین واقالیم دیگر در ممالک اسلامیه منضم بلطفات دیگر از طرف سیاسیون و حکام گشت و بیلایی پیروان شجاع و دلیر جمال ابیه در ترکستان و قفقازیا در این اثنادشت یافت و منجر ب توقیف و استنطاق نمایندگان بهائی و منتهی بالغاء محافل روحانیه و لجنه های امریه و معاهد دینیه و منع مخابرہ با مراکز خارجیه و ضبط کتب و اوراق والواح دینیه و نهی از تبلیغ و ابطال دستور بیهای و بستن مدارس و حجز و استعمالک مشرف الاذکار و بسیار وسیعه اکثر مومنین و مومنات در آن دیار گشت .

تاریخچه عشق آباد

در قرن ششم قبل از میلاد سپاه کورش کبیر از اراضی عشق آباد کنونی عبور نموده و آنده را مسخر ساخت و بعداً زگذشت دو قرن اسکندر مقدونی ایران را مغلوب و خطه عشق آبادا مروز را ضمیمه فتوحات خوبیش کرد و بسیار از یکصد و پنحوه سال پارتیها برآین سرزمین تسلط یا فتنه در هیجده کیلومتری عشق آباد کنونی شهر معروف نسکه دارای قصرهای محل و عمارت مزین و عظمت و جلال خیره کننده بود استقرار داشت و بعد این ملک و دولت دست بدست همیگشت تا در نیمه دوم قرن هفتاد و میلادی قوم عرب بر تما م آسیای مرکزی مسلط گشت و در قرن نهم سامانی ها زمام حکم آن سامان را بdest گرفتند و در سده یازدهم سلاحله سرایان مزویوم اسیلاییا فتنه علاوه بر امپراطوری ایران ، قفقازیه و عراق و سوریه و شبه حزیره آسیای صنیرو تما م آسیای وسطی را نیز متصرف شدند که خاک عشق آبادا مروز نیز جزء آن بشمار میرفت .

از نیمه دوم قرن دوازدهم میلادی امپراطوری وسیع سلاحله روبه تحریه و انحلال نهاد و خواه ورمیانه میدان تاخت و تاز چنگیز خوارزمشاه و اخقرن چهاردهم تیمور لنگ براین صفحات تسلط یافت و بعداً زگذشت یک قرن آن امپراطوری عظیم نیز از هم پاشیده حکومات محلی از قبیل بخارا و خوارزم و دول قوی مانند ایران استقلال خود را با زیبا فتنه و قلمرو فعلی عشق آباد گاهی مطیع خوا رزمیان و گمی منقاد بخوارائیان و زمامی خراج گزرا ایران گردید . از نیمه دوم قرن نوزدهم امپراطوری روسیه در آسیای مرکزی روی توسعه نهاد و اراضی وسیعه در ناحیه سردریا - زرافشان و ها مون در بیان تملک ترا رها در آمد درسال



مشرق الاذکار عشق آباد
اولین مشرق الاذکار عالم بہائی



جناب حاج میرزا محمد تقی دکیں حق (دکیں الدوّلہ)

۱۸۶۹- سرزمین عشق آبادیز ضمیمه متصوفات مزبور گشت تا آنکه درسته ۱۸۸۱ عسکر روس قلعه گوگ تپه و قصبه عشق آباد را کا ملا و تما متصوف شدند و بعد از سال اهالی آن نواحی تابعیت دولت روس را یذیرفتند و از سال ۱۸۸۱ خاک ترکمنستان کنونی بنام ماوراء بحر خزر تسمیه یافت و عشق آباد کرسی نشین آن ایالت گشت و درسته ۱۸۸۹ بترکستان که شامل تمام آسیای میانه بود منضم شد. عشق آباد در سال ۱۸۸۱ دارای پانصدخانه وارسکنه بود و درسته ۱۸۸۴ جهارهza رود در سال ۱۸۸۶ بغيراز افرا دنظامی ده هزا رود در سال ۱۸۹۷ بیست هزا رود درسته ۱۹۲۶ پنجه و دوهزا رود در سال ۱۹۳۹ یکصد و بیست و هفت هزا رود در ۱۹۵۹ بکصد و بیست و نه هزا رود در سال ۱۹۶۸ دویست و چهل و چهار رهزا رنفر جمعیت داشته است.

انعکاس خبر تأسیس مشرق الاذکار عشق آباد در رضاقدس

در خلال سنتوات ۱۹۰۲ و ۱۹۰۳ میلادی پیشرفت امرالله در ایران و هندوستان و روییه بسیار رسیع بود هرچه تضییقات در عکا شدید تر می شد میدان انتشار امر در خارج و سیطره می گشت. هر قدر که اعمال ناقصین باعث انحراف طبع و انقباض فکر مومنین بود بهمان اندازه وسائل انساط خاطروان شراح صدراز خارج می امد. بشارات متتابع بود. تشکیلات امری کمک شروع شد. محافل روحانی در بلاد مهمه رونق گرفت. اساس امرالله بیشتر استحکام یافت، هموم و غموم در مرکز بود. سور و حبورا ز خارج میرسید. ما همه چشم برآ بودیم بشارت نصرتی از بلاد بعیده بر سدوا آلام و اسقام را مرهی نهد. الحمد لله محروم و ما بیوس نمی ماندیم. با اینکه پست عکا در تحت نظر راعدا، بود هر هفته مژده های جانب خش از طرف مشرق، روحنشاط در قالب یاران میدمید. فتنه یزدخوا بیدنیحه منتظره را بخشید خونها ریخته، از هاروا شمار آبدار بیار آورد.

اجتماعات و محافل ملاقات که سربسته و بنها بود آشکا روعلنی شد حکومت هاراه مسالمت پیش گرفتند و دست تعزی علماء کوتا شد. ناقصین از القاء شهادت مایوش شدند هرچه با ایران نوشته خود را بیشتر مفتخض گردند بعبارت اخیر مداد و عده های نصرت که می فرمودند نهادیا بان شدم خصوصاً نهضت غریبی در عشق آباد طا هرشد، دم مطهر میرزا رضا شهید کار خود را کرد. احباء بتا سیس اولین مشرق الاذکار بیانی اقدام نمودند. این خبری بحث اثرا حبای ثابتین عکارا سرور مفهوم بخشید و ناقصین را از شنیشه و نشاط ما بیوس کردند این مژده راهیکل مبارک بنفسه در مجلس بر ترتیب بسیار فرح بخشی اعلان فرمودند. یک شب که همه طائفین حول در بیرونی متحتم بودند بیاناتی از این قبیل نازل "حنا ب حاجی وکیل الدوله با اینکه دائره تجارشان بی نهایت محدود شده است معدل ک حساب کرده تمام موجودی خود را بیلغی بیست هزا روتومان تخیین زده و جمیع را وقف بنای مشرق الاذکار نموده اند خودشان با آن قوه و بنیه مزا جی که نداشته اند خاصاً بخدمت بنائی و خاک کشی مشغول شده اند و من با ایشان نوشتیم که در این گونه مؤسسات امریه حمیع احباء با بدشکت کنند و بعد اطهار عنا بست بسیاری نیست با ایشان فرموده پس از آن لزوم عمومی بودن این گونه مؤسسات امریه را شرح دادند که یکنفرننس باید خاصاً بانی بنای ای اعظیم باشد، ولوجه قدرهم خفیف و ناقابل باشد، معاونت عمومی واحب و لازم است. آخرا لم فرمودند "چون تمام احباء در این عمل میورشکت خواهند جست خوبیست که طائفین حول در این ساحت مقدس نورا تیمناً و تیرکاً مبلغی حمع آوری نموده بفرستند" مجدد فرمودند" احباب این ساحت معلوم است که بفاعتی ندارند ولکن هر قدرهم ظاهر امکم و مساعدتشان ناقابل باشد با زیارت عمیق نموده ارتفاع این مؤسسه مقدسه خواهد داشت. من خود مبلغی فرستاد و هر کس هر مبلغی تقبل نماید بحatab آقا رضا تسلیم کند. همینکه جمع شد فرستاده شود. اما این بیانات را با چنان روح بشاشت و مسرتی ادا فرمودند که اروا جما با هتزار آمد و این بسی معلوم و واضح است که نقوس مظلوم و مقهور و مسجون و محصور قلعه عکا که سالیان در از جریب و بلا وتهت و افترا از خارج و داخل چیزی نشیده اند یک مرتبه از لسان محبوب عالمیان مژده فتح و فیروزی راعلنا بشنوند و بدانند که اولین سنگ معبداللهی در قطب امکان استقرار یافت چه اندازه بود و طرب خواهد آمد. اول کسیکه از رحیق بیانات مبارک سرمت و سرش را بی اختیار شد حتاب آقا حبیب مسگر، یکنفرننس باید مبلغی تقبل نماید بحatab آقا رضا تسلیم کند. شدرا نوبیزمین زده سجده شکری بجا آورد. عرض کرد "قریان نه لیره رحای را می باش من بتویست" فرمودند" مرحبا بی تو استطاعت نه لیره دادن نداری" تا جنین فرمودند مداری گریه آقا حبیب بلند شد. فرمودند بسیار رخوب بسیار رخوب هر طیور میخواهی، مقصود این است که از سحن اعظم جزئی مساعدتی هم شده باشد تا جالب خیر و برکتی باشد. این را فرموده برحاستد احباب یک هر کس بقدر قوه و تقبلی خود را بحatab آقا رضا باید نمود تا هفته دیگر مبلغی حمع و ارسال گشت... جندی بعد حضرت عبدالبهاء روزی فرمودند یک مطلبی را که مکرراً عشق آبادیمن نوشته بودند مروز مصادق ش را دیدم نوشته بودند بنای مشرق الاذکار امتحان غریبی شده است اشخاصی که از آنها بایت امیدواری بودند را بنای سا هیج مساعدتی نکردند یا خیلی کم کردند و بالعکس اشخاصی که هیچ امیدی از آنها نبود حقیقتاً حافظانی کردند.

شرح احوال بانی مشرق الاذکار عشق آباد

حنا ب حاجی میرزا محمد تقی وکیل الحق (وکیل الدوله) دومین فرزند ذکور حضرت حال اکبر حناب میرزا سید محمد هستند که کتاب مبارک ایقان در ۱۲۷۸ هجری در بغداد با اسم همین خال اکبر از قلم مبارک جمال قدم جل جلاله نازل شده است.

امام رجب

وکیل الدوله درشیرا زدرسال ۱۴۰۲ هجری متولد شد و در راه طفولیت و حوانی بدرک حضور حضرت نقطه اولی درشیرا ز بوشهر باشد گشته‌اند. ایشان مدتی درشیرا ز بوشهر بتحارت مشغول و بعد در یزد متوطن شده صیه عم خود حاجی میرزا حسنعلی افنان (حال اصغر) را بنکاح خویش در آورد و تا ۱۴۰۹ هجری در یزد بوده و بعد حسب الامر حضرت عبدالبهاء حل شناهی برای بنای مشرق‌الاذکار بعشق آباد رفتند و پس از اتمام سقف و گنبد مشرق‌الاذکار را مرمنبارک بساحت اقدس مشرف و معتکف کوی دوست بودند تا در پنجم رمضان ۱۴۰۹ هجری در حیفا صعود فرموده و در بیت جنب مقام اعلی مدفعون گردید. مرقد ایشان در حال حاضر در گلستان جا ویدحیفا است.

حضرت عبدالبهاء در کتاب مبارک تذکرة الوفا که در ترجمه حیات قدما احیاء نگاشته شده است چنین می‌فرمایند:

واز جمله نقوص زکیه و حقیقت تو رانیه و جلوه رحمانیه حضرت حاجی میرزا محمد تقی افنان وکیل الدوله است. این فرع جلیل از افنان سده مبارکه است و شرف اعراب با حسن اخلاق جمع نموده بودن سبتش نسبت حقیقی بود. و از حمله نقوصی بود که بمحمد فرائت رساله ایقان منجذب بفتحات الله شدو من شرح بترتیل آیات الله. جنان بهیان آمدکه از ایران لبیک گویان در نهایت روح و ریحان بعراب شافت. آتش استیاق جنان بر افرخ و خوش کوه و بیان طی کرد و تا ورود عراق آرام نیافت. در دار السلام بساحت اقدس مثول یافت. و با وجود قبول رسید. ولی بروحانیتی و ولی وانحذاقی و انقطاعی که وصف نداشت. وحه‌مبارکش چنان نورانی وصیح بود که احیاء ناما و رادر عراق افنان ملیح‌گذاشتند. فی الحقیقہ نفس مبارکی بود. و شخص محترم. از بذایت حیات تانفس اخیر در خدمت تقصیر ننمود. فاتحة الحیات انجداب بفتحات الله و خاتمة المطاف اعظم خدمت با مرا الله. خوش رفتار بیود و خوش گفتار. و خوش کردار. دقیقی در عبودیت فتورونداشت و بنیابت فرج و سوره‌مهمام امور مبیرداخت. اخلاق و اطواری داشت که حرکات و سکنات و رفتار و معا ملات تبلیغ ام را الله بود و سبب تنبه‌ناس و چون در بیگداد بشرف لقا فائز شد، بعداً زرحو عرباً یاران بلسان فصیح نیز مبارک شرت بتبلیغ کرد. تبلیغ چنین باید بلسان فصیح و قلم سریع و حسن اخلاق و حلاوت گفتار رخوشی رفتار و کردا رحتی اعداء و خصما شهادت بر علویت و روحانیت امیدا دندکه این شخص از جهت گفتار و گفتار روتقی و امانت و دیانتی نظری است. و در حمیع شئون فرید و وحید. ولی حیف که بهائیست. یعنی مثل مابی باک و بی می‌لات و مرتکب سیئات و منهک در شهوات و مطیع نفس و هوی نیست. سبحان الله ملاحظه نمودند که بمحمد وصول فتحات حنت ابھی بمشام آن مطلع‌هدی متنقلب شدو منقطع گشت و مشکوک شاعر شمس حقیقت شد.

با رای متبه نشیدن ایا می‌که در یزد بود بظاهر مشغول تجارت. ولی بحقیقت سبب انتشار نوره‌داشت. مقصده حزا عله کلمه الله نداشت، و آزوی حزن و شر فتحات الله نمینمود و فکری جز تقرب با رگاه کریاء نمی‌کرد و ذکری جز ترتیل آیات الله نداشت مظهر رضای حمال مبارک بود و مطلع عطا ای اعظم. بکرات و مرات از فم مظهرهایت رضایت در حق او واستمایت در حق او استمایت در گردید، له‌ایقین کل بود که مصدر امر عظیمی خواهد شد تا نکه بعد از صعودهایت ثبوت و رسوخ در میثاق ظاهر نمود. و بیش از پیش بخدمت پرداخت با وجود موانع بسیار رومشاغل بی حد و شما روتشت افکار را راحت و تجارت و املاک و اراضی و عقار را ترک نمود و بیه عشق آباد شافت و بینای مشرق‌الاذکار پرداخت و این خدمتی عظیم بود زیرا اول شخصی است که بنیان مشرق‌الاذکار کرد و در بنیانی بیت توحید عالم انسانی بانی اول گشت و بمعاونت احیاء عشق آباد متفوق بآن شد که بر دیگران سبقت حست و مدت مدید در عشق آباد را نداشت. شب روز و تشویق و تحریض می‌کرد ای احیاء عشق آباد نیز همت نمودند و بیش از قوت واستطاعت بانفاق پرداختند بنیان رحمن بلند شد و صیت آن بشرق و غرب رسید. جمیع اموال خویش را در بنیان ای احیاء صرف نمود. مگر اقل قلیلی له‌ای اتفاق چنین باید و شرط وفا چنین است. بعد این رض مقدس شافت و در جوا رمطاف ملا ابھی در بنیان مقام اعلی در بنیانیت تضرع و ابتھا و غایت تنزیه و تقدیس ایا می‌سربرد. همیشه بذکر حق مشغول بود و بقلب ولسان مناجات می‌کرد و روحانیت داشت و نورانیت عجیبی از جمله نقوصی است که قبل از کوس‌الست طبل بلی زد در ایام عراق در سنین سبعین و شصتین مشتعل بنار محبت نیر آفاق شدو مشاهده اشراق از افق ابھی نمود و این اتفاق ای احیاء فی افق الابھی ملاحظه کرد. بشاشت غریبی داشت. هروقت مجزون می‌شد بنیان ملاقات مینمود فوراً فرح و سورخ میداد، الحمد لله عاقبت در بنیانیت نورانیت در حوار مقام اعلی بملکوت ابھی شافت و مصیت ایشان بعدالبهاء بسیار اشکنده مرتکب شد و در حیفا در حیره از این مخدوش که بمقام خضر است. باید در نهایت اتقان بنیان گردد. نور الله مضعه بانوار ساطعه من ملکوت الابھی. و طیب الله حدثه المظہر بصیب میدار ام من الرفق الاعلی و علیه‌البهاء ابھی.

مهندس مشرق الاذکار عشق آباد

در دو سال اول بنای ساختمان مشرق‌الاذکار عشق آباد مهندسی بنام اکنف مسئول ساختمان بود که بعد جای خود را بدلاهی که در قسمت بعد خواهد مدبیه مهندس و لکوف داد.

مهندس و لکوف بانها یت صمیمیت در اتمام این بنای الی سعی بليغ مبذول داشت و چون در سن ۱۴۰۸ هجری (یکسال قبل از اتمام ساختمان) وفات یافت با نکه در جرگه اهل ایمان نبود احیاء از راه وفاداری تشییع عظیمی از اونمودندا ز قلم مبارک مرکز پیمان در مردم مهندس مزبور عنایت بسیار رشدید است، از حمله می‌فرمایند:

"اما وفات اینها را لکوف مهندس با وفای مشرق‌الاذکار فی الحقيقة این مهندس با وفا در خدمت مشرق‌الاذکار بنیانیت صدق وصفا

کوشیدا زیکطرف مشغول باین بنای عظیم بودوا زطرف دیگر قصر مشیدا زیرا خوبش بسیار دینها دکه کنگره اش بعنان ملکوت میرسید فنعت اجرالعالمن . فی الحقیقہ در این جهان فانی سراحی روشن کردکه در زحاج ملکوت میدرخشد عبدالبهاء بدل و حان در تنشیع آن جسدپاک حاضر بود و مناحت مینمودکها بین نفس نفیس در ملکوت تقدیس در قصر مشیدکه بسبب خدمت بمشرق الاذکار انشاء نموده استقراریا بدفی الحقیقہ احبابی الهی در حق او و هایت و فاداری محرب نمودند این است سزا و اربیانگان الهی این است لائق مشتعلین بنا رموده رباین ... "انتهی

تاریخچه مشرق الاذکار عشق آباد

نخست تاریخچه مختصری بقلم بانی مشرق الاذکار رنگاشته میشود و بعدتا ریخچه کامل بدبیال خواهد آمد . حناب حاجی وکیل الدوله دریا داد استهای خود بتاریخ ۱۹۰۵ روی مینویسد: ... زمانی که اخوی حاجی میرزا محمدعلی از سفر اول چیز من را جمع نمودوبه عشق آباد داده بودند و شتم قدری املاک در عشق آباد بخرید . چند قطعه زمین و خانه و دکان خریدند و بحضور مبارک جما لقدم عرض نمودند . امر و مقرر فرمودند زمینی که از اعظم نما مخربیده شده بجهت مشرق الاذکار منظور باشد . تاحیات بودند قدری عمارت وزمین مزبور مخراج داده ساخته شده بود و بعداً زصعومنما رک احباء عشق آباد مذکور را زحضور مبارک حضرت من اراه الله چل جلاله الاعظم استدعای ساختن محلی بجهت مشرق الاذکار رنموده اجابت نفر مودندوبه این عبدحقیر سراپا تقصیر تفضل و عنایت امر فرمودند زیر ذیه عشق آباد مده زمین ابتدی ای اعظم که مشرق الاذکار رمختصری بنا شده بروجه اکمل و اتم ساخته شود و مخراج هرچه ممکن با شدجه از خود بوده با شدیا غیر مضايقه نشود . املاکی که مرحوم اخوی خریده بودند بعداً زوضع زمین اعظم با قیماندا ملاک اخوی به اذن و امضاء تنها پسراخوی آقا میرزا آقا بجهت خرج مشرق الاذکار رفروخته شد که تخمین قیمت اراضی و مخارج ولیه که بنا شده بود اکثراً زمی هزار میلیون علاوه نبود کمتر نبود . باقی خرجیا از آستانه مبارکه بودیا با مر MMA رک که با حبایه هر بیلدا عانه دادن بجهت این بنای مقدس شرف صدور بیافت . در شهر رجب سنه ۱۳۲۵ هجری که سنه ۱۹۰۲ میلادی بودیا حضور مولو نیخ حکمراں مملکت ترکستان و جماعت ملت بهائی و احباب الله بنای مبارک شدوبه این نقشه و صورت نه فلیخ از حضورت من اراده الله مربود تما ماین بناء از سک و آهک روسی که سنت میگویند ساخته شد و در حروف ستونها و سقفها و دیوارها آهنی سیار کار شده تا در این ایام که شهر بیانی و جمادی اول سنه ۱۳۲۴ میباشد شدسته گنبد از آهن در روسیه ترتیب یافته و نصب شده امیدکه از فضل و عنایت حضرت من اراده الله نازک کاریها و سایر لوازمات هم ساخته شود این چند کلمه چندی قبل نوشته شده بود اکنون که شهر رمضان سنه ۱۳۲۴ میباشد الحمد لله عمارت مشرق الاذکار را شفیدکاری توی گنبد میباشیم قریب نصف سفید شدنیا قی هم اتشاء الله خدا و ندتو قی عطا فرما یدسا خته خواه دشدا و این عبده مملوک حسب الامر مبارک که در لوح جای میرزا محمود قلم قضا رقم موضع است امر فرموده اند بعد از اتمام گنبد برآحت و خوشی عالم عتبه بوسی شوم امورات محول به فرزندی حاجی میرزا محمود ثبت خواه دنیود در حرکت تعطیل و روز جمعه هشت عزم حرکت از راه با طوم است امید به عنون و فضل الهی است عایقی رخ ندهد و طواف کعبه مقصود وزیارت غیار قدم حضرت عبدالبهاء روزی شود".

و اینک تاریخچه کامل بنای مشرق الاذکار بینقل از کتاب ظهور الحق حلده شتم قسمت دوم : و اما راجع بمشرق الاذکار ، زمین مشهور بنا زمین اعظم را حاجی میرزا محمدعلی افنان شیرازی حسب دستور درسال ۱۳۵۴ توسط استادعلی اکبریزی دی از شخص اعظم نا مخربید و زمین مذکور شا مل چند اطاقی بود و بجهت مخراج افنان معمظم مزبور در سمت دیگر آن حوضخانه و عماراتی برقوق آن ساخته گردید و بالی شانزده سال این عمارت که در حال نیمساختگی بودیرپا و سمت معبددا شت و همیع مجالس عمومی و هفتگی و ذهاب و ایاب امری در آنحا و قوع یافت تا درسال ۱۳۱۱ استادعلی اکبر معما رمذکور بعکار فته ایا می بحضور حضرت عبدالبهاء مشرف بود در آن ایام و بیرادرستور فرمودند تا نقشه مشرق الاذکار بر اساس نه ترسیم نموده بطریق ایام مددو رساند و مدرجا بعلت تکرار ذکر مشرق الاذکار در آن رحضرت عبدالبهاء در بیان عشق آباد توجه و اهتمامی مخصوص حاصل آمد و در اساحرا غم شرق الاذکار در راستا لارفوقانی عمارت اجتماع کرده تلاوت و استماع آیات و متناجات میکردند و فکر و ذکر بینای مشرق الاذکار ردر افکار روا و السن میگذشت و از جانب محفل و افرا دعا ئضی بحضور مبارک عرض گردید و عده منفرد و مشترکاً و جویی بسیار برای مصارف بناء تمهید کردند و در سال ۱۳۱۳ آقا میرعلی بن میرزا افنان قطعه زمین در سمت شمالی زمین اعظم خریده آن ملحق نمود و چون افکار و اذکار در بیناء مشرق الاذکار بکمال رسید حضرت عبدالبهاء بانجام آن اقدام فرمودند در سال ۱۳۱۷ حاجی میرزا محمد تقی افنان برادر حاجی میرزا محمدعلی مذکور را اکه سالهان نمایندگی تجا رتی دولت روس داشته بعنوان وکیل الدوله معروف بود در آن سال بسن متحا وزهفتاد و پنج دریزدمیزیست ما موریت عشق آباد دومبا شرط بناء مشرق الاذکار را دندود در سال ۱۳۱۸ حاجی محمد حسین اصفهانی این قطعه زمین را که در سمت شمال زمین اعظم داشت نیمی آنرا برای ساخته ایان مشرق الاذکار را دندود نیم دیگر آنرا بحاجه فروخت و لاجر تمایت آن قطعه زمین نیز ملحق بزمین اعظم گشت و در همین سال حاجی میرزا محمدعلی افنان مذکور که همیشه آزوی بناء مشرق الاذکار داشت پیمانه حیا تشن لبریز شد و در قرب وفات وصیت کرد که چون شروع ببنیاد مشرق الاذکار شود بیست هزار میلیون از املاکش در عشق آباد فروخته شود برای آن بناء مقدس صرف گردد و حاجی وکیل الدوله بسال ۱۳۱۹ آنچه عشق آباد مدواست قبل محلی از اوانجا مگرفت و پس از یکمها با مساعدت محفل روحانی و عموم بھائیان آنجا آغا زعمل نمود و در آنوقت تما سه بھائیان عشق آباد دوا طراف بهزار

نمیرسیدندونخست ا ملاک حا جی میرزا محمدعلی افنان را فروخته و چه نقدگرفتند و عموم بهائیان نیز هریک مقداری داده مبلغ
شصت هزار میلیون ریال فراهم کردید و حضرت عبدالبیهاء هنودوپنج میریال بحواله حاجی ابوالحسن امین اردکانی دادند ولذا دریوم
جمعه ۱۳۲۵ رجب سال ۱۴۰۴ اعطا اجتمعاً هله شد و چندستگی در ته بناه که از ده شکر و سپاس حق بحای آوردن دواين در ۱۸۱۸
الثانی سنه ۱۳۲۵ بود که دست بکار زدند و بحدتاماً عمماً رت قديمي را خراب کرده برای بنیاد و حفرا ساسي مهیا ساختند و در ما هم صيام
سال مذكور و مطابق ۲۸ نياير ۱۹۰۴ بود سوبوت پنجوالی سلکه نیک فطرت بود و محبت ابرار در دل داشته با جمعی کثیر از اعضاء
حکومتی و هم جمعیتی کثیر از احباب حاضر شده و در وسط عمراً رت که مرتفعترا رهمه جا بود جادرا فرا شته زینت نموده فرشهای نفیس
گستردن دند و میز و کراسی چیدند و فواكه و حلوبات که در خور حضرت جنرال مذکور بود حاضر ساختند و حنرال اوراق تاریخ بنای که بخط روسی
وهم فا رسی مرقوم شد و در حببه فضه قرا ردا شده در محلی که برای دفن مقرر گشت زیرا ولین سنگ بنانها دودر حالیکه حاجی و کیل الدوله
نشاهی د دولت روس و اميرخان را نصب بر لیا شد و پهلوی حنرال سوبوت پنج شنبه بود فتوغراف اجتماعی برداشتند آنوقت
اطراف محل مذکور را با سمنت محکم ساختند و سنگ اول بنای را گذاشتند پس با صاحب منصبان در سراپرده نشسته جای و شیرینی صرف
گشت و اظهار رمحبت و ملاحظت و رضا نسبت با هله بنا نمودند و همگی ابراز شادمانی از هجهت بناء معبد کردن دوستی از بهائیان خطابه
مشتمل بر حمدوشیان الهی و ذکر خیر سلطانین عادل و وزراء کامل انشاء و قرائت کرده آزادیها ایان بعد جود عای دوست عادله
ربط اللسان گشتندوپس ازانجا مذکور شروع بکار نموده سرعت تماً مشغول شدند و در دو سال اول خشت کاری تماً عمماً رت اتمام
پذیرفت و در سال سوم و چهار رمگند و سفهای طبقه اول و دوم نیز ازانجا فیا فت فقط سرمنا رههانا تماً مباقی مانند در سال پنجم گچ کاری
ونفاشی ورنگ کاری و نقاشی اندرون گنبد وایوان حلو سردر تماً مگشت وبا نزده سال طول کشیده چوب بست اطراف آن با رگدید
در اولین سال که مشرق الاذکار بنيا شد جون بهائیان از حکومت مهندس کار را تی خواستند لهدای اکنف که مهندس کام بود تعيین
گردید و مقارن بناء مشرق الاذکار کلیسا می نیز در عشق آباد بنيا گردید و اکنف مهندس هردو بنا بود در کمال فعلیت و جدیت
کار کرده در حقیقت بکفایت ای و بود که عمدہ عمراً رت بدین عظمت در ظرف دو سال ساخته شد ولی با وصف اینحال زیاده از حدمه گید و
خود زای بود و همین سبب گردید که بعد از دو سال از مهندس هردو بنا مزعول شد و بحای اول و لکه که مهندس س ما هر و شخصی خوش اخلاق بود
منصب شد والی آخراً بنای خدمت نموده گوی سعادت را از میدان رو بود و بناهای بهائی و نحرا رهانیز بجدیت کار کردن دوسته عمراً
بعایت محکم شد تماً مزبردیو رها سه و چهار آرچین پهنا و همین مقدار گوئند مودوب سنگ و آهک کار کرده و زیردیو رگنبدیا سنگ و سمنت
بر کردن دوسته مذیواری که گنبدیا لای آن قرا رگفته از بیانین وبالا آجر سیز و سمنت کار شده و باقی عمراً تماً با آجر و آهک ساخته
گردید و آلات آهن درویا یه ها بنوع استحکام بهم وصل گشت و پهنا و سط گنبد آرچین و بلندی آن تا سر طوق ۱۵۱ آرچین است و بک
رواق که هفت آرچین پهنا دار ددور فضای گنبد را احاطه نموده است و بهمین پهنا غرفه ها دریا لای آن بنایش و نیزیک ایوان مع
طبقه فوقانی آن که هشت آرچین پهنا دار ددور رواق مذکور را احاطه کرده و هیکل عمراً رت را خاتمه داده است ولی تنوره گنبد
مقدار ۱۵ آرچین از بیان از بیان این طبقه ثانی با زیاره از طبقه ایوان شد و سقف گنبدیا سنتونهای مدور آهن تشکیل یافته و بواسطه
النهای جدید بهم اتصال داده شده و وسطهای آن با سیم مانند پنجه های دورویه با فته گردیده میان دو پنجه پنچانگشت فاصله
است با سمنت ریخته شده و بیدین ترتیب سقف زیرین اتماً مبادرت و سقف دویم که نمایش روی گنبد را تشکیل میدهد و آرچین
با لای سقف زیرین واقع است ولی بواسطه آلات آهن بهم اتصال دار ددور و سط دو سقف گردش با رجعت ممکن است و کلیه عمراً رت نهتر ک
است و در قسمتی که در مشرق الاذکار را واقع ایوان رفیعی بنای شده و دو مناره دو طرف ایوان بالا رفته است که چهل آرچین ارتفاع دارد
با ری در سال ۹۶ که اساس عمراً رت بنوع مذکور برقرار رگدیده حاجی و کیل الدوّله جمیع امور و محاسبات مشرق الاذکار را مرتب نموده به
نجل ارشخدود حاجی میرزا محمود و محقق روحانی سپرده در جمعه هشتم شوال ۱۳۲۸ اعماز راضی مقدسه گردید علوم بهائیان در تالار راه
آهن و داعر کردن دوسرخی تا قزل آروا دوتا زه شهر بیشتر یعنی رفتند و حجاجی بعزم زیارت حضرت عبدالبیهاء و مقامات مقدسه شافت و چون
بهائیان درستین اولیه از همه جا اعانت برای مشرق الاذکار رفستند و حجاجی میرزا محمود افنان تا چندماه خود بکمال فتوت
بنموده بیان عشق آبادی هر از میان تعدادی که در کنگره آزادی سال ادامه بنا نمودند و بکمی میان سمت شمالي با غرای از مالک
مسلمان خریده ملحق کردن دو سطحه قطعه زمینی در کوچه آزادی سمت حنوب بالا گام آقا میرزا عیدالکریم اردبیلی بود در سال
۱۳۲۵ مدرسه ائمه در آن تا سیس شدت سلیم نمودنیم دیگر بخیرات و اگذشت و نیز قطعه دیگر که بست شمال بالا در کوچه قزلکوا یسکی
متعلق بزی روس و اطفال ش بود خانه خریداری شد بیملیه هفت هزار میلیون ریال داده بگرفتند و هر دو طبقه هر امتحان ملحق بیان مشرق الاذکار
کردند که مربع شد ولی با ز در سال ۱۳۲۱ رخوت و تعطیل بود و از حضرت عبدالبیهاء کتب ارشاد و تشویق بعمل آمد در سال دیگر کمیته تا سیس
و وحوهی از بلاد ترکستان بیملیه سی هزار میلیون ریال داده شد و مجموع شد و بیان از طبقه بالا و پهنا ویله کانهای دو طرف
ایوان و سه دوره صراحتی پائین و طبقه وسط و با لای بام و حوضهای وسط با غ و کشیدن لوله های آب و موردیگرانجام گرفت در سال
۱۳۲۵ وجوده اتماً میافت وبهائیان مجتمع شده مبلغ ۴۴ هزار میلیون ریال داده بگرفتند و هر دو طبقه هر امتحان ملحق بیان
فا خش داشت و چهار ریال دیگر تتمه کارهای باقی مانده را انجام دادند و بیان از جری و مجره های سمنتی طرف سه کوچه را اتمام
نمودند و در آنی بزرگ بست کوچه آزادی مقابل در مشرق الاذکار را برقرار رکردند و جون آنها سفارش داده برای مناره ها با واسطه
محابی از بیان رفت از نوته که در کنگره آزادی مدارکه ایوان طبقه دو طبقه دیگر که بست شمال بالا در کوچه قزلکوا یسکی
اردبیلی با مخراج خود ساخت و در سال ۱۳۲۷ اعماء رتیکه باقی بود کلی خراب کردن و برجایش سالونی برای اجتماع عموم مشتمل بر
عرف فوقانی برای جلوس نسوان در مدت سه سال بسا ختنده که آن سالون طولاً سه سال حین و عرض ۱۹ میباشد و برای این بنای هم اعانت

عمومی جمع آوری کردند و من تمامالجهات ۱۴ هزا رتومان مصرف شدواز جهت محل اجتماع عمومی آسایش خاطرا حل گردید با لآخره در سال ۱۳۲۹ هجری قمری مطابق سال ۱۹۱۹ مشرق الاذکار عشق آباد اتمام یافته که مدت ساختمان ۱۹ سال طول کشید و فقط چکاری ن چهار چشمۀ سمنت حلوی آن باقی مانده بود و برای مصاريف مشرق الاذکار علاوه‌ا زوجوه جمع آوری شده مکراراً عانات متفرقه بهایان عشق آباد دوگیره و موصولی از بهایان ساپرولایات عمومی نسوان بهایی چندین بار پیوی جمع آوری کرده طلاوزیور خود را دادند و مجموع هشتۀ قطعه مذکوره را پی محظه و طرف مشرق الاذکار سا ۳۷۲۰ جین و عمارت مشرق الاذکار در نیقطعه وسطی آن واقع و در چهار رگوشۀ با غچه رعما رت بنا شده در سمت شرقی سالون بزرگ مذکور است مغرب شمالي دفترخانه محفل روحانی و قرائت خانه محمودیه و بیت التبلیغ و حجه جنوی غربی مدرسه انانا شیه و سمت جنوب شرقی دارالتعلیم ذکریه واقع و باقی اراضی ساغ مشحرو گلکاری و دارای خیابانهای نه گانه منتظم که مطابق ترکهای نه گانه مشرق الاذکار ترتیب یافت و اغلب اشجار و درختهای سرو و کاج است و گلهای مختلف الالوان با طراحيهای متنوع غرس شده و در مقابله هریک از ترکهای مشرق الاذکار رحوض نه ترک با سنگ تراش رخته شده و کتبیه‌های متنوع آب ورق طلاکشیده موجود و با لحمله با غم شرق الاذکار در سه طرف محدود گوچه و خیابان است و سمت شرقی آن دو حیاط باقی که مقدار جهل اطاق کوچک و بزرگ عالی داشت و این دو خانه مذکور مال حاجی احمدعلی اف بزدی بود و مبلغ تقدیم کرد که چون به باع ملحق شود محظه مشرق الاذکار به ۴۶۶ سا جین بالغ گردد و در وسط باع چهار خیابان شهر واقع باشد جمیع مخارج رای آنکه نوزده سال طول کشید و دفا ترم حسابات چندین بار دست بدست رفت و تجدید شد بطور صحت معلوم نیست ولی مطابق قیمتی که مهندسین شوروی در سال ۱۹۲۸ با دقت تما معین نمودند و سوا آنرا بم Pavelovitsa نصویت یافته هر آرمنی است که با پول ایران دویست هزا رتومان تطبیق گردید.

پایانی بر ساختمان مشرق الاذکار

در ۱۲۵ گوست ۱۹۶۳ بیت العدل اعظم به عالم‌بها ای اعلام کردند که مشرق الاذکار عشق آباد، اولین معبدی‌بها ای بوسیله مقامات دولتی تخریب و زمین آن تسطیح گردیده است. ساختمان مزبور خاطر صدمه‌ای کمدرآثر زلزله دیده بود در وضعیت خطرناکی قرار داشته است. جامعه محلی بهایی و فعالیتهای یاران در ایالت ترکستان تاسال ۱۹۲۸ توسعه و مداومت یافته و در این سال قابوون تملک اماکن مذهبی توسط دولت شامل حال مشرق الاذکار عشق آباد نیز شد. ولی به رسموت طی شرایطی احیاء موفق شدند برای دودوره پنساله معبد را بعنوان فقط محل عبادت از دولت اجراه کنند. در سال ۱۹۳۸ معبد کاملاً تملک دولت در آمد و تبدیل به موزه آثار هنری شد.

در سال ۱۹۴۸ زلزله مهیبی تماشهر را زلزله خواری و ویرانی زیادی بخای گذاشت. ساختمان معبد نیز شدیداً سیب دید تهاجمی که تا حدی سالم نماند ساختمان استوانهای مرکزی بود. اما بارانهای موسمی ساختمان را بحدی ضعیف نمود که برای خانه‌های مجاور ایجا دخترمی‌نمود. لهذا مقامات دولتی تصمیم به تخریب کامل ساختمان و تسطیح زمین آن گرفتند. یک گزارش موثق حاکیست که اگر مشرق الاذکار را در همان حالت به ما مسترد میدا شتند ما نیز جاره‌ای بخرتخریب کاملاً آن نمیداشتیم بیت العدل اعظم از نیکیتیا خوش چف دیرکل درخواست کردند که زمین مشرق الاذکار را به یک پارک ملی تبدیل کنند و ضمناً موافق نمایند که نشانه مناسی که نمایانگر ارتباط این زمین با حامیه موقوف شد در محل نصب گردد. معلوم نیست که در این مورد چه اقدامی شده است چه که نما مزبور هرگز جوابی نداشته است.

منابع مطالعه

در تنظیم جزو حاضر از کتب زیر استفاده شده است:

۱- مائدۀ آسمانی جلدینجم (بیانات حضرت عبدالبهاء)

۲- کتاب مبارک تذکره الوفا (حضرت عبدالبهاء)

۳- کتاب قرن بندیع جلد سوم اثر حضرت ولی امر الله

۴- کتاب خاندان افنا تالیف جناب محمدعلی فیضی

۵- تاریخ ظهور الحق جلد هشتم قسمت دوم تالیف جناب فاضل ما زندرانی

۶- کتاب عالم بهایی جلد چهاردهم

۷- کتاب حکایت دل تالیف حباب علی اکبر فروتن

۸- گنجینه حدوداً حکماً متألیف حباب عبد الحمید اشراق خاوری

۹- خاطرات نمساله عکا تالیف جناب دکتریونس خان افروخته

بمناسبت افتتاح مشرق الاذکار رسا موارد این
شماره شرح و لین مشرق الاذکار عالم‌بها ای
(عشق آباد) با دیا عکس) با نضم اعکس اولین
مشرق الاذکار غرب (آمریکا) (طبع گردید
و در آینده انشاء الله شرح مشرق الاذکار رسا موارد
با عکس و تفصیلات تهیه و در جهود شد.
عندلیب



شرح مختصر حیات شهید محمد جناب سهیل صفائی علیہ ضوان لہ

در پنجمین سال حکومت جمهوری اسلامی ایران یکشنبه شب ۱۱ آرديبهشت ۱۳۶۲ مطابقاً با اول ماه می ۱۹۸۳ جوانی دیگراز تبار بهائیان و اولین شهید بحرا ن کنونی اصفهان که حاضر بنا نکار حق و تبری از عقیده خود نشده بود در زندان اوین به جو خدآتش سپرده شد و تا شروتالم دوستان را در اقطار عالم برا نگیخت.

تولد و دوران تحصیل

شهید سهیل صفائی در با مادر و زدوم اسفند ۱۳۷۵ شمسی در شهر آباده از توابع فارس پا بعرصه وجود گذاشت پدرش عطا و ما در شاهراه از خانواده های مومن بجمال مبارک بودند سالهای کودکی راه همراه والدین در شهردار را بگذراند سپس خانواده محل کار و سکونت خود را با صفهان منتقل نمودند که سهیل در این ایام نه ساله بود، تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در همان شهر بپیاسان بردو در فوق برنامه به نقاشی و موسیقی می پرداخت بعد از پیاسان دبیرستان بخدمت نظام مشتافت و دوران سربازی را در زباندا رمی سند جو قم و سپس در نظام وظیفه طهران سپری ساخت در همین ایام در طهران با تشکیلات امریمان نوس گردید و با اغتنام از فرصت مطالعه کتب امری را وجهه همت قرارداد، بعد از طی دوره وظیفه در دانشکده ادبیات طهران به تحصیل مشغول شد و خدمات امری را هم در تشکیلات جوانان طهران دنبال نمود.

بعد از خذدانشنا مه لیسانس به اصفهان آمد در شرکت زمزمه سمت مدیریت کارخانه مشغول به کار شد و از هر فرصت برای بسط

معارف امری و جمع آوری کتاب استفاده کرد. بتدریج در زمینه رفع شبهات منتشره از ناحیه دشمنان امرالله جلساتی دائم وجود نان را بحقایق امروز و اعترافات آشنا می ساخت و دامنه این بحثها و جلسات به اداره کلاسهای تزئید معلومات و معارف امری جوانان کشیده شد که تا سالهای آخر ادا می یافت.

تشکیل عائله سهیل در تیر ماه ۱۳۵۶ با دوشیزه زاله مقربی ازدواج کرد و شمره این وصلت دوفرزند ذکور بنا مهای سپهر متولد ۱۵ مهر ۱۳۵۸ و پیا م متولد ۲۸ مرداد ۱۳۶۰ میباشد که موجداً وقاً شیرین اود رخانه بودند. در فراغت از کار وقت خویش را تا نیمه شب در کتابخانه ای که تهیه کرده بسود می گذراند، در جمع آوری و خرید کتاب علاقه فروان داشت که به سرحد عشق رسیده بود اکثر کتب امری و خصوصاً آثار کمیاب حضرت اعلیٰ و آثار خطی نفیس و کتب تاریخی و فلسفی و فرهنگی های مختلف زینت کتابخانه اشده

با زیرسی کرده بودند معلوم شد برادر استگیری
 یکی از احباء و ضبط جزو ها و نوشته های او در
 تحقیق نام سهیل را بعنوان اینکه با سواد
 است و نوشته ها بیش در مغازه افتخکی می شده
 بر زبان آورده است. بعد از دو ماه ویرابه
 دادستانی انقلاب می برنده که حدود سی روز در
 آنجا با زداشت و اجازه ملاقات داده نشده
 چندین مرتبه اورا در شعبه ۴۲ با زیرسی تحت
 باز پرسی و تهدید قرار داده و سپس به زندان
 قصر منتقل می نمایند در زندان قصر هر ۱۵ روز
 یک مرتبه بمدت ۱۰ دقیقه از پشت پنجره های
 سیمی اجازه ملاقات داده می شد و بتدریج
 مشهود گردید که برخلاف روزهای اولیه که مضر
 و نگران بود در اواخر حالت تسالم و رضادرا و
 حاصل شده بطوری که حاضر بود اطفال خود را
 دیدار کنند یا از آنها سخنی بر زبان راند.
 جریان محاکمه و سرانجام در اواخر
 بهمن ماه محاکمه رسمی او در شعبه ۱۵ دادگاه
 انجام می گیرد و بطوری که خود بیان داشت قاضی
 ۲ ساعت مهلت میدهد که فکر نماید و برای آزادی
 از زندان و ادا مهذبی توبه کند و مسلمان
 شود و مخصوصا اظهار میدارد (سهیل باید توبه
 کند) لکن جواب میدهد در خلال این دو ساعت
 وحی بر من نازل نمی شود تصمیم همان است
 که قبل از محاکمه گفت و حاضر با نکار حق و تبری
 از عقیده نیستم و سهیل توبه نمی کند.
 قدر مسلم آنست که در همان ایام حکم اعدام
 و مصادره کلیه اموال او صادر می شود و به قسم
 می فرستند که تائید نمایند و در اسفندماه به
 اداره ثبت اصفهان دستور میدهد چنانچه
 اموال غیر منقولی داشته باشد توقیف گردد.
 در اواخر اسفندماه همان ماه موربه اصفهان
 می رود حکمی ارائه میدهد که در آن نوشته شده
 بود که این آقا "حق دار" اموال و ملاک
 آقا یا نجل حکیمان، رشید گشتا سب،
 عنایت الله حکیمان و سهیل صفائی فرزند
 عطاء را مصادره و تاعیین تکلیف نهائی
 آقا... گهاری کند. " مشارا لیه از کلیه

که تعداد آن به حدود پنج هزار جلد میرسی
 آثار را مطالعه و برای تئیین
 دائره المعاشر که یکی از آرزو هایش بود
 یا داداشت های زیادی تهیه کرده بود که همه
 مستندات جرم او را رگرفت سهیل در آبانماه
 ۱۳۵۸ خدمت در شرکت زمزمه که مصادره شده و به
 بنیاد مستضعفان تعلق گرفته بود اخراج
 گردیدند از این کنفرانس دوستان مغنازه
 لوازم التحریر فروشی دائره نمودند که زندگی
 ساده ای را تا مین مینمود و خوشحال از اینکه
 آزاد است و فرصت بیشتری برای مطالعه و
 رسیدگی به حال خانواده اش دارد سهیل از
 زندگی خود راضی و سرش را زیبات بود به
 اطفا لش عشق میورزید و به همسر و فا میل عواطف
 شدید داشت.

اسارت وزندان - در ۱۱ مهر ماه
 ۱۳۶۱ مور مسلحی که خود را نمایند دادستان
 کل انقلاب معرفی می کرد برگه ای به این
 مضمون همراه داشت " این شخص حق دارد
 کلیه منازل و مغازه ها و اماکنی را که مورد
 سوء ظن ش قرار می گیرد با زرسی و تمام اشخاصی
 که مور دسوئی ظن ش قرار دهد با زداشت کند " در
 اصفهان به مغازه مراجعه و با حیله و نیرنگ
 بنام اینکه می خواهد در با ره نحوه پرداخت
 مال الاجاره فروشگاه و صاحب ساختمان
 مصاحب کندوی را بدوا با اتو مبیل بدادرای
 انقلاب می برد سپس با خشونت و پرخاش او را
 به زندان می اندازد و سپس به خانه اش حمله
 نموده مدت دور و زتما مزندگی ش را زیرو رو
 می کنند، نوشته جات و یا داداشت هایش را جمع
 آوری نموده کتابخانه را مهروموم ا تومبیل
 اورا برداشتند با چمدانی مملوا ز نوشته های
 او به طهران آمد و در محبس منکرات مسجون شد
 می سازند. مدت ۳۰ روز در یک زیرزمین فاقد
 نور و بهداشت ممنوع الملقات بود سپس اجازه
 ملاقات به خانواده اش داده شد و را چند مرتبه

از آنها بمیان آید. همچنین انواع توهینها و تحقیرها به او مینما یند که روحیه وضعیف شود و توانش را از دست بددهد که در قبیل پیشنهاد توبه معطل و مردتنماند. بعد از آن تاروز محاکمه اذیت و آزار جسمی برآ وارد نگردند لکن بعد از محاکمه که تقاضای قضی را نپذیرفت و بودجه شرحی که اظهار می‌شود پس از این مرتبابا اوبدرفتاری نموده و تهدید می‌کند باید یا سرورا ببرم یا وادار بتوهه نمایم. از مدت ۲۵ روز آخر توافق اودرا وین اطلاعی بدست نیا مدو معلوم نیست چه برآ و گذشته و چقدر رنج کشیده است.

سهیل به دو طفل خود علاقه بسیار داشت و آنها را به حذر پرستش دوست میداشت و در اوائل ایام زندانی آنی از فکر آنها غافل نبود و در دیدار شان سیل اشک از چهره اش جاری می‌شد در پیش صفحه کتابی که در زندان مطالعه نموده این شعر را با خط زیبای خودنوشته است

ط ارم پیمان تاک سپه رآئین بود
خوش انگورا و سهیل و پر وین بود
زیر کلمات سپهرو سهیل را خط کشیده بودجه همسرو والدین و برادران و فامیل ویارانش همیشه عشق میورزید ولکن چون در بوتله امتحان قرار گرفت عشق به جمال مبارک را بر جمیع محبتها ترجیح داد از دنیا و ما فیها گذشت و دلیرانه در مقابل عذاب اعداء مقاومت کردوا زسطوت و غضب آنها نهرا سیدعوا شقانه جان را در سبیل جانان فدان نموده ای را که ش سهیل در زندان بودجه قدر سالها برخانواده با دلبره و عذاب روحی سپری شد را یا ملاقات مشاهده چهره غمزده و افسرده اش بسیار در دنیا ک بود همسرفدا کارش مجبور بود رهای سرد و بوران و بر فدائیما بین اصفهان و طهران مسافت کند و با میداین که با انصافی بر جوانی و بیگناهی اور حنماید به مقامات مختلف شکایت بردولی بی اثر ماند.

اموال و اثاثیه خانه حزء تاکل و سرما یمه مغازه صورت برداری و توقیف نموده و در روز ۱۲۸ سفند کلیه کتابخانه و قفسه ها و میز و صندلی و قلم و دوات را به وسیله دو وانت با رحمل و به بنیاد شهیدا صفحه ای تحويل میدهد.
در تاریخ ۲۳ فروردین ۱۳۶۲ سهیل را به زندان اوین میبرند و در بند ۵/۳۲۵ زندانی مینما یند که خودا و ضمن نامه مختصراً انتقال خویش را به این به برادرش اطلاع میدهد و این مه بعد از عبور از بازرسی بوسیله پست فرستاده میشود که بعد از ۱۵ روز واصل میگردد و چنانچه در مقدمه ذکر شد ریکشن به شب ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۶۲ آن بیگناه را در زندان اوین تیرباران میکند و پس از ده روز جریان را تلفنی به همسرش اطلاع میدهد.
در تحقیقی که از دفتر بیشتر زهرا بعمل آمد جسد مشبک او را بقول خودشان در کفر آباد دفن نموده اند.

اتها مات و تهمت های وارد هد - به خود سهیل در جلسات با زیرسی که بعض انصیحت و اندرزوا رشا دبوده مکرر میگویند جرم تسویه سنگین است چون کتابخانه شخصی مفصل داری نویسنده و محققی کلاس تعلیم داشته ای و یک چمنان یا دادا شتها یت مربوط به بھائیت مستندات جرم تواست . همسرش که برای اطلاع از چگونگی پرونده به دفتردادستانی مرا حمه کرده بود مشاهده نمود در دفتر ثبت اساسی متهمین درستون اتھا ممقابل نام سهیل "عضویت فرقه ضاله بھائی" نوشته بودند .

چگونگی مدت اسارت در زندان -
درا وائل دستگیری در بازداشتگاه اصفهان سهیل را به سختی تحت شکنجه و عذاب قرار میدهند حتی اورا بین طایر گذا رده و شدیدا میچرخاند و ندوهم آدرس پدر را ازا و میخواستند که خودا و با متأث و مناعت نمیخواست ذکری

غافل ازا ينكه يدتقديراللهى سرنوشت مختوما ورا برای جانفشا نی وقربانی درس بیل حق رقم زده وخون پاکش را برای سقا یه شجرا مرا الله مقدر فرموده که در میقات معین بدست دژ خیمان اوین برخاک ریخته شودحتی دعا ها ونالله های سحرگاهی نمیتوانست در تقدیر مختوم الله تغییری حاصل نما یدوا ورا ازاين موهبت ربانی محروم سا زدد مراعاتی که بدقتر زندان اوين بعمل آمدلبا سها وساک سهيل را تحويل دادند ولی برگه و آثاری از یاددا شتها ئی که در مدت زندان نوشته بود وجود نداشت حتی وصیت نامه در ضمن لباس و اثاثه ا و دیده نشدو متصدیان ا مرهم اظهار بی اطلاعی کردند فقط روی کفش وساک اسم خود را بالرزش دست نوشته بود و در کتاب تاریخ فلسفه تالیف ویل دورانست که در زندان مطالعه مینموده در صفحه اول آن این شعر حافظ را بخط خود نوشته است .

همتم بدرقه راه کنای طايرقدس كه درا زا است ره مقصد و من نوسفرم

ذیلا قطعه شعری که جنا ب ما بری به این مناسب سروده اند نقل میگردد.

رھسپارکوی جانا ن شدسهیل با وفا
شدمقرب در مقام قرب ذات کبریا
عاشق جانا ن شدو بگذشت از دنیا دون
وهچه خوش نوشیدجا موصل از روی صفا
عاشق صادق گواهش سربکف بنها دن است
سربه کف بنها آن محبوب با عشق عطاء
نقدجا ن را با خته آن شاهدبا علم وفضل
شد شفیع حمله محرومای بدرگاه بهاء
گربطا هرسخت با شدفرقتیش برا هل بیت
لیک فضل حق شده شامل بیاران بهاء
رحمت بی حد نصیب خاندا ن او شده
لوحه زرین بنا مش ما نده در عالم بمحاجا
گرکه تدریس و کلاس درسا و تعطیل شد
درس عشق آموخت بریاران ازا حسان و عطاء
گشت درعا لم بنا مش با هزاران عزوفخر
پرچم عشق و فدا در قله عالم بپسا
اهل عالمنا ما و رازینت گردن کنند
نقش میبندد بنا مش لوحه عشق بهاء
وصل گشتن با حبیب و فصل گشتن از جهان
شیوه عشق است یاران را زندهردم صلا
لایق هرسینه ای نبودسها معشوق او
هر کجا احباب با شدمیرسد تیرجفا
جان فدا بنمودر را هش که تا گوید بخلق
هر دلی حب بها دار دکنده جان را فدا

مرحباً طا يرقدسي ربودي گوي عشق
جان فدا كردي و بنمودي تودي بت 111
سينه بي كينه ات شدليق تيرو سنان
حبذا برعشق وايمانت سهيل با وفا

دباهه خاطرات جناب رحمت الله خادم عليه بهاء الله از شماره قبل

۲) مقدمات خریدار اراضی حول مقام اعلیٰ . در زمان جمال مبارک کوه کرمل صورت تاکستان مصفای را داشته که بواسطه سلط بر سواحل دریا، بسیار زیبا و جذاب بوده است . - جمال مبارک ، گاهی بر حسب استدعای حضرت عبدالبهاء بین کوه تشریف فرما می شده اند بطور یکه شنیده شد، روزی در هنگام تشریف فرمائی هیکل مبارک جمال قدم به کرمل در نقطه ای که فعلاً حلقه سروهای نه گانه واقع است ایستاده و بحضرت عبدالبهاء که متوجه هیکل مبارک بوده اند با اشاره بمحلى که فعلامقاً ماعلی واقع است اشاره فرموده می فرمایند، "این نقطه را بخرید" در این موقع جناب آقا میرزا طراز الله سمندری و متصاعدالی الله اقا حسین اقبال نیز مشرف بوده اند .

مساحت این نقطه ب taperib دو جریب بوده است . این محل مرکز خاطرات مبارک مرکز میثاق بوده است تا بعد از صعود جمال مبارک .

ناقضین که از این دستور جمال مبارک آگاه می شوند، در مقام مخالفت و معاندت برآمده و با تشیفات و تحریکاتی، مالک آن نقطه را که شخص عربی بوده تطمیع کرده و در صدد خرید آنجا بر می آیند، مالک که قبل از خرید منصرف و معا مله چندی متوقف می ماند، ناقضین در عین لیره بالامیرد، لذاناقضین از خرید منصرف و معا مله چندی متوقف می ماند، ناقضین در عین حال پیوسته در مقام تحقیق و کنگکاوی بوده و از دلالان معا مله تحقیق می کرده که بدانند از طرف مرکز میثاق اقدامی بخرید می شود یا خیر، ولی دلالان از قصدونیت مبارک اظهار بی اطلاعی می کنند، مالک هم از فروش ملک ما یوس و تدریجاً قیمت آنرا تنزل می دهد تا بالاخره بهما ن شست لیره که قیمت اولیه بوده است بمرکز میثاق منتقل می نماید .

ناقضین پس از اطلاع از ختم معامله بنای اخلال و مخالفت را می گذارند ولی چون معامله خاتمه یافته بوده است سعایت آنها بجایی نمیرسد و ملک بتصرف حضرت مولی الوری در می آید .

بقيه در شماره آينده

خاطراتی از هفت گل نوشتگفته گلشن محبت به در زمان شیراز

باقم کن خام نظر عینی

برای من مایه بسی خوشوقتی است که بتوانم با قلمی قاصرو ناتوان یا دی از شهادا و جان بازان عزیز شیراز بینما یم. شهدا ؎ی که من استحقاق افتخار آشنا ؎ی، دوستی و زیارت شان را داشتم.

یکی از دوستان بسیار عزیز از ایران بعد از شهادت این ۱۶ شهید اخیر شیراز در مردم شیراز واحبای عزیز شیراز چنین نوشتند :

چند روز قبل از شهادت عزیزان تصمیم گرفتند که با زیرا ؎ی ملاقات پدر و خانواده ام بشیراز بروم ولی موفق نشدند اینکه از شیراز بین خبردا دند که شش نفر از آقا یان را بشهادت رساندند هنوز نمیدانستم چه کسانی هستند. دور و زبعدها زبمن خبردا دند که ده نفر از خانواده اش همیشدند کرده اند. با شنیدن این خبر دیگر طاقت نیاوردم. همانطور که داشتم ناها ردرست میکردند بمالبس خانه بطرف فرودگاه رفتند و با التمام سبلیطی تهیه کردند و چند ساعت بعد بشیراز رسیدم، عزیزم شیراز بی خون ووفا و عشق میداد. شیراز یهای دیگری داشت. خانواده ها در بیت و حیرت بودند همه منتظر بودند که روزی دهیا بیشتر را شهید نمایند. نمیتوانم توضیح دهم و به قلم بیا ورم. زبانم عاجز و قلم ما صرکه بتواند آن جریانا نات را توضیح دهد. جلسات تذکراین عزیزان بهمان جلال و عظمت دیگر شهدا عزیز شیراز بود، دوستان دسته دسته با سبد های گل خود در رفت و آمدند بودند دیگر فکراینکه ممکن است خطری متوجه آنها شود نبودند، دست از جان شسته بودند، نمیدانی چه غوغائی بود. دیگر شهرگل پیدا نمیشد، بهرگل فروشی که برای خریدگل مراجعت میکردیم بالبخندی محزون میپرسیدند برای هفت عروس شهرگل میبرید... خانواده های این عزیزان دارای روحیه بسیار عالی بودند اینها چون کوه مستقیم بودند که آدمی حرث میکرد. همگی داستانهای داشتند که انسان متحیر نمیشدند.

اولین شهید خانم شیراز سرکار خانم طوبی قره گزلو (زا ائرپور بودند). ایشان در تاریخ اول آبان ماه ۱۴۶۲ مطابق با پنجم محرم الحرام و بیست و سوم اکتبر ۱۹۸۲ در منزلشان ساعت ده شب گرفتا رشدند خانم زا ائرپور حدود ۵۵ سال سن داشتند لیسا نسیه ادبیات فارسی بودند. بسیار بآسوده و فعال بودند. مسئول تدریس اکثر کلاس های امری شیراز مثل (ایقان، اقدس کلمات مکرر و نونه).

توضیح: تصاویر جانبازان عزیز شیراز و اساساً آنرا در صفحه قبل ملاحظه فرمودید.

الواح وعری (بودند. غیرا زکلاسها ئی که از طرف تشکیلات مسئول تدریس بودند در منزلشان هم مرتب شاگردان مختلف مراجعت میکردند و از ایشان کسب فیض و معلومات میکردند. تما وقت ایشان صرف خدمت تشکیلاتی میشد و یک لحظه فراغت نداشتند و این جمله را با رها من از خودشان شنیدم که میفرمودند من زندگی خانوادگی ندارم. بخوبی بیاد دارم که یکروز بیمن گفتند حال سه روز است که هنوز فرصت نکرده ام لبایم را که شسته ام از روی بندبردا رم. عاشق آموختن ویا دادن بودند. همیشه میفرمودند خودم عاشق دانستن هستم و هر کدام از ما هم که کلمه ای میدانیم در قبال حا معه مسئول هستیم که آنرا بدبیران بیا موزیم. حتی در زندان مدته بایکی از زندانیان سیاسی هم بندبودند مطالب زیادی با این زندانی آموخته بودند و این دوشیزه خانم تحت تاثیر اخلاق و رفتار و بیانات خانم خیلی قرار گرفته بود و وقتی که بتزدما آمداز ایشان خیلی بخوبی یاد میکرد و مطلبی که بتزدخانم آموخته بود بدبیرای ما و دیگر هم بندیها در زندان بازگشتو میکرد همچنین از شکنجه خانم تعریف میکرد که سه روز متواتی خانم را برای زدن شلاق بر دند و چون ایشان خون ریزی زیر پوست میداند خیلی ناراحت شان کرده بود بطوری که خون از لای ناخنها خانم جا ری شده بود و من قادر بدبیدن پاهای خانم نبودم. میگفت من میخواستم در راه رفتن به خانم کمک کنم ولی بازما را مانع نمیشدند. خودخانم تعریف میکرد که من قادر بدبودم به چوچه با کف پاهایم راه بروم و از پاسدا ری که مرا به دستشوی ویا با زجواری میبرد علیرغم میل باطنیم خواهش کردم که اجازه بدهد بآ سرزنا نوها یم راه بروم ولی نگذاشته بود و مجبور کرده بود که خانم با کف پاهایشان راه برونده که زجر و درد بیشتری را تحمل کنند و از لحاظ جنسی خیلی ضعیف شده بودند و دچار لرزش دست شده بودند خودمن شاهد بودم که یکروز میخواستند مها یشان را شانه کنند ولی قادر بگرفتن شانه درستها یشان نبودند. ولی با وجود تما مصائبی که متحمل شده بودند حتی یکباره مأظها را حتی نکردن دورنها یت تسلیم و رضا بودند، تا اینکه پس از مدت تقریباً پنج ما ه همراه دو تن دیگر حنا ب محمود نژاد و حنا بوفائی در شیراز بشهادت رسیدند.

شهید دیگر شیرا ز سرکار خانم عزت جانمی (اشراقی) بودند. حدود ۵۴ سال سن داشتند، خانمی بود بسیار مهربان و مهمان نواز. همیشه خانه آنها مرکز تشکیلات بود. با اینکه یکبار خانواده آنها درست یک سال پیش در شیراز گرفتار شده بودند ولی پس از آزادشدن از زندان حاضر به ترک شیراز نشند و تا آخرین لحظه همگی خدمت میکردند تا بالاخره در تاریخ دوشنبه هشتم آذرماه ۱۳۶۲ عمطاً با ۸۲ نوامر ۲۹ در حدوده شب خانم اشراقی بهمراه شوهرشان و دخترشان رویا گرفتار شدند و هر سه بشهادت رسیدند. خانم بسیار رمُّونی بودند و همیشه در زندان میگفتند خدا یا تحمیل بدء خدای استقامت بده که بتوانم از امتحان الهی روسفید بیرون بیا ایم. یاد می‌آید که یکروز با زپرسا بشان را با چشمها بسته برای بازپرسی میبرد و خانم نمیتوانستند براحتی قدم بردازند باز پیگفته بود مگر کوری که نمیتوانی راه بروم و خانم اشراقی با کمال شهامت جواب فرموده بودند من ظاهرا کوره استم ولی شما باطنان کوره استید که حقیقت را نمی بینید. ایشان در تاریخ ۲۸ داد ۱۳۶۲ عمطاً با ۱۸ جون ۸۳ بهمراه دخترشان رویا و شوهرشان بشهادت رسیدند.

دختران بشان بنا مرویان اشراقی بود که دانشجوی سال دوم دامپزشکی بود و حدود ۲۳ سال سن داشت دختری بود بسیار رفعاً و درسال اخیر عضولجنه جوانان شیراز بود. وقتی که با زپرس پرسیده بود

عضوتشکیلات هستی جواب داده بود من ازبچگی عضوتشکیلات بوده‌ام . از خصوصیات اخلاقی روایا این بودکه بسیار محبوب القلوب بود در زندان خیلی بیش از دیگران مورد توجه بود و با دیگر زندانیهای سیاسی معاشرت نمی‌کرد . خیلی هنرمند بود تا بلوهای گلدوزی بسیار قشنگی درست کرده بود ورزشکار بود و نترس . در پیک نیکها و در کوه‌هوری که هر وقت ما در شنا راحت نمی‌شد فوراً اعتراض نمی‌کرد که جراحت را حتیمید . این خانواده فقط یکبار برمدت پنج دقیقه با زیرسازه دادیگر را ملاقات کنند . رویا آن روزیکه پدرش را دیده بود از خوشحالی در پوست خود نمی‌گنجید و از پدرش هم تعریف نمی‌کرد که مؤمن و سلیمان است و همیشه هر کاری از دستشان بر می‌آمد برای هر کس انجام میدادند . تنها ملاقات کننده این خانواده دختر دیگر شان بنام روزیتا اشراقی بود که ۱۹ ساله است و حتی بعد از شهادت هم‌نطور دارای روحیه بسیار رقوی بوده است . یکی از دوستان عزیز نامه‌ای از ایران نوشته است که در مورد آخرین روز ملاقات این دختر شان روزیتا با ما در شرکت روزگار چنین نوشته است . "پنجشنبه ۲۶ خرداد ۱۴۰۳ ساعت ۴ بعد از ظهر آقایان را برده بودند و مدت ۵ ساعت همان روز در جشن نامزدی روزیتا اشراقی شرکت کرده بودیم یعنی درست در همان لحظاتی که پدرش با قدمهای استوار و محکم به میدان شهادت میرفت دخترش حلقه نامزدی بدست نمی‌کرد روز شنبه ۲۸ خرداد مطابق با ۱۸ جون ساعت ۵/۵ بعد از ظهر خانه را برند درست بعد از ملاقات . همان روز شنبه که ما به ملاقات رفته بودیم روزیتا به ما در شرکت روزگار گفت که پدر به شهادت رسیده است . روایا بمحض شنیدن این خبر دستش را روی قلبش گذاشت و خیلی با خوشحالی گفت الحمد لله خدا یا شکرت . و خانم اشراقی همدرک مال آرامش و بسیار آرام گفت من میدانم . من میدانم . من میدانم و چندین با رتکار کردا مشبیا فردا شب هم مارا نیز می‌برند . شما قوی باشیده روزیتا هم گفتند زودتر عروسی کن . انشاء الله که خوشبخت شوی .

خانم شهید دیگر شیرا زسرکار خانم نصرت غفرانی (یلدائی) بودند . ایشان هم خانمی بودند بسیار مهربان و مهمان نواز و فعال . بیشتر وقت شان را صرف خدمات تشکیلاتی می‌کردند . خانه ایشان واقعه حکم حظیره القدس شیرا زرا داشت و همیشه مرکز رفت و آمادا بحابود . ایشان قبل از انتخاب عضولجنه حیات عائله بودند و مدت سه سال هم بود که بعضی از م Hollow مقدس روحانی شیرا را انتخاب شده بودند . از لحاظ ظاهری دارای جثه کوچک و طریفی بودند و در زندان چندبا رشد شکنجه شده بودند و حدود دویست ضربه شلاق خورده بودند که جای شلاقها هنوز روی بدنشان بود . ایشان در تاریخ اول آبانماه مطابق با بیست و سوم اکتبر بهمراه شوهرشان و پسرشان گرفتا رشدند در حالیکه فقط پسرده ساله ایشان در خانه بنتهاشی مانده بود در تاریخ ۲۸ خرداد مطابق با ۱۸ جون بهمراه پسرشان آقای بهرا می‌لداشی هم‌که جوانی بسیار فعال و خدمت بودند بشهادت رسیدند .

خانم طاھرہ ارجمندی (سیاوشی) (یکی دیگر از خانمهای شهید عزیز شیرا زربودند . خانمی بودند بسیار مومن مهربان و با سعادت بطوریکه کتاب اقدس را از حفظ بودند . سالها عضوتشکیلات بودند و از اول ازدواجشان با جناب جمشید سیاوشی مهاجر بودند و این اول ازدواجشان با جناب جمشید سیاوشی مهاجر بودند . هردو

نفرخیلی فعال بودند و تما موقعاً شان را صرف خدمات ت Shi'klati کرده بودند. شوهر ایشان عضو محفل مقدس روحانی بودند و در تاریخ سوم آبانماه مطابق با بیست و پنجم اکتبر گرفتا را شدند و خودخانم شد سیاوشی در تاریخ هشتم آذرماه مطابق با ۲۹ نوامبر بخاطر عضویت در لجنه نشر معارف امری گرفتار ایشان فارغ التحصیل رشته پرستاری بودند و در زندان اکثرا برای معالجه دیگران زندانیان از ایشان استفاده میکردند. ایشان در زندان بیش از همه نگران شوهرشان بودند و فقط یکبار بمدت چند دقیقه با یعنی زن و شوهر وقت ملاقات دادند که آن یکبار رهم بقدری شوهرش را شکنجه کرده بودند که ایشان تا صبح بیدار ماند و شک ریخت و مرتب میگفت من میدانم امشب تا صبح شوهرم میمیرد چون حالش خیلی بد بود و حتی قادر نبوده باشد را با زکنده و میوه ای بخورد. بدی شوهرش را شکنجه داده بودند که خود پا سدا رها دلشان سوخته بود و به طاهره گفته بودند برو و برا یش میوه تازه بیا و رکه حاشیه بدار است. بیاددا رم خونسردی داشت و وقتی ما از ایشان در مرور حکمدادگاه پرسیدیم خلی آرام و خونسرد گفت حاكم شرع بمن گفته حکمت اعدام است و آنوقت دستش را با آرامی روی قلبش گذاشت و گفت حاكم ادیگر راحت نشدم. خیلی خوشحالم. خیلی خوشحالم. تا کنون فکر میکرم ممکن است فقط شوهرم را اعدام کنند و من طاقت دوری نداشم حلالاً قعراً راضی و خوشحال هستم که هر دو نفر ما را اعدام میکنند که همین طور هم شد. طاهره در تاریخ ۲۸ خرداد مطابق ۱۴ جون بشهادت رسیدند یعنی دور و ز بعد از شهادت شوهرش. در آخرین ملاقات در حالی که بشدت میخندیده به پدرش گفته است بینین چقدر قشنگ شده ام. مرا خوب نگاه کنید و اصلاحاتی از اضطراب و ناراحتی در سیما یش بوده است.

شهید دیگر شیرا زکه و اعقا قلب تما می مردم دنیا را تکان داد و شیوه ۱۶ ساله ای بود بنا مونا محمود نژاد که هنوز شاگرد مدرسه بود و در زندان عاشق آموختن درسها یش بود بطوری که دلش میخواست در زندان درسها یش را بخواند تا بتواند متفرقه امتحان دهد و قبول شود. ظاهری بسیار رلیف داشت خیلی حساس بود و همچنین صدای قشنگی همداشت و دعا و مناجات را با صدای بسیار رلیف میخواهد و با تما م وجودش دعا میکرد. حتی در دادگاه حاکم شرع به من اگفته بود که شنیده ام دارای صدای خوبی هستی برای ما هم بخوان. مونا جواب داده بود با یددست به سینه و با احتراز بنشینید تا پرسیده بود چرا منظورت چیست. موناجواب داده بود با یددست به سینه نشسته بود و مونابا صوت برای تان بخوانم. حاکم شرع هم تحت تاثیر قرار گرفته بود و دست به سینه نشسته بود و مونابا صوت ساده این مناجات را که باین مطلع آغا ز میگردد تلاوت کرده بود. ای خدای من، از من بمن مهربانتری ... وقتی که تما شده بود حاکم شرع گفته بود چرا با صوت نخواندی همونا جواب داده بود با صوت برای دل خودم و در تهائی میخوانم نه پیش شما.

مونا چند ماه قبل از گرفتا ریش خوابی دیده بود که خودش در زندان وقتی که با هم بودیم برای تعریف کرد ابتدا با چنان حالتی هیجان زده میگفت مثل اینکه دارد کلمه میکند. این طور میگفت که شیخ خواب دیدم در اطاق خودم هستم و تما اطاق و وسائل آن بر نگ آبی است، یک مرتبه حضرت بهاء الله تشریف آوردند و در کمد اطاق را با زکر دند و چندین جعبه از توی کمد بیرون آوردند

و فرمودن موناما میدانیم که کدامیک را توان انتخاب می‌کنی ولی بازمیخواهیم ازدهان خودتی بشنویم. در جعبه‌اول را بdest مبارکشان بازمیکنند و از درون آن یک شل قرمزرنگ با دکمه‌ها بسیا رزیبا بیرون می‌آورند و خودشان بdest مبارکشان آنرا بتمنونامیکنند و دکمه‌های آنرا می‌بینندند. از موناسئوال میفرما یندمیپسندی موناجواب میدهد خیلی قشنگ است ولی این چیست؟ حضرت بهاءالله میفرما ینداین ردای شهادت است. موناجواب میدهد اگرچه خیلی زیبا و قشنگ است ولی من شهادت را دوست ندارم و دلم نمیخواهد شهیدشوم. ردارا ازتن منا بیرون می‌آورند و در جعبه خود می‌گذاشند و باز جعبه دیگری را بازمیکنند و میفرما یندا انتخاب می‌کنی؟ این دفعه شل برنگ مشکی وبسیا رقشگی را به مناشان میدهند و باز به تن منا می‌کنند منا می‌پرسد این چیست؟ جواب میفرما ینداین ردای غم و اندوه می‌بینندی؟ موناجواب میدهد اگر چه که بسیا رزیبا و قشنگ است ولی من غم و اندوه را دوست ندارم. با حضرت بهاءالله را ازتن مونابیرون می‌آورند و در جعبه مخصوص خودش قرار میدهند و در جعبه دیگری را بازمیکنند این دفعه شلی برنگ آبی بیرون می‌آورند باز با دست مبارک خودشان آنرا بتمنونامیکنند و دکمه‌ها یش را می‌بینند و از مونامیپرسند نظرت چیست؟ مونا سؤال میکنند این ردای چیست؟ میفرما یندردای خدمت است موتابا خوشحالی جواب میدهیله خیلی دوست دارم، من دلم نمیخواهد خدمت کنم و من اینرا انتخاب می‌کنم در همان لحظه حضرت بهاءالله در کنا روناق را میگیرند و صدا میزند آقا مهدی بیائید بامونایک عکس بگیریم. هر سه نفر در کنا رهم می‌بینند و یک عکس میگیرند. بعد از این مُنا از خواب بیدار می‌شود و وقتی خوابش را برای پدرش تعریف می‌کند و میپرسند همیدم آقا مهدی چه کسی بودند. پدرش عکس شهید دکتر مهدی انوری را به مناشان میدهند و میپرسند این شخص نبودند؟ مونامیگویدیله خودشان بودند.

موناعاشق پدرش بود و همیشه میگفت اگر پدرم را شهید کنند چی؟ من طاقت دوری پدرم را ندارم مونا اینکه خیلی جوان بود ولی مقاله‌های بسیار رقشگی می‌نوشت. شبی که پاسدا رها بخانه‌ها رفته بودند در جواب ما درش که اعتراض کرده بودند چرا دختر ۱۶ ساله‌ای را می‌بریدیکی از پاسدا رها گفته بود عجب سؤالی میکنید و در آینده مبلغ بزرگی خواهد شد. مونا آن شب یعنی در تاریخ ۲۸ خرداد مطابق با بیست و سوم اکتبر به مرأه پدرش خانه را برای همیشه ترک گفت و در تاریخ ۱۸ جون پس از حدود سه ماه که از شهادت پدر عزیزش میگذشت بشهادت رسید.

سرکار خانم محمود نژاد ما در موتاکه خود مدتی در زندان و در کنا رونا بودند این طور تعریف می‌کردند که با زدر زندان شبی موناخواب حضرت عبدالبهاء را دیده از حضرت عبدالبهاء تمنا کرده بود که احبا خیلی نگران و ناراحت هستند استقا مت عطا بفرما ئیدتا بتوانند تحمل کنند. حضرت عبدالبهاء بالبخندی فرموده بودند موناما استقا مت عطا کردیم. مطمئن باش.

این ما در عزیز با اینکه شوهر و دخترش را از دست داده است ولی آشنا یان ایشان تعریف می‌کردند که دارای روحیه بسیار عالی است و تنها کسی بوده است در شیراز که تما جسادر ۱۱ زن زدیک دیده است و همه خانمها را بوسیده است و فقط مونا و شیرین را چون ما درش بوده است دوبار بوسیده است و گفته اند که همه خانمها را با چادر اعدا نکرده اند. مونا در آخرین ملاقاتش به ما درش گفته است که ما امشب به نزد جمال مبارک می‌رویم که همان شب شهید می‌شود.

دوشیزه شهید دیگر شیراز اخترشا بست است . هر کسی دراولین برخوردمظلومیت و معصومیت را در قیافه این دختر رحمتکش و مومن میدید اخترفا راغ التحصیل رشته پرستاری بود و دختری بودیسیار مهربا ن و مومن و درنها یت تسلیم و رضا بود . بخوبی بیاددا رم روزی که اختربرای باز پرسی رفته بود خیلی زود برگشت . وقتی من ازا اخترپرسیدم چرا انقدر زود برگشتی جواب داد من که پرونده ا مسنگین نبودیا زیرس چندان سئوالی نداشت . ایشان معلم درس اخلاق بود . من باز پرسیدم که از با زیرس در مورد حکمت پرسیدی بالبخند و با رامی ، خیلی خونسرد شانها یش را بالا آنداخت و گفت ولش کن ، نگران نیستم ، هر چه میخواهد پیش بیا یدمن راضی به رضای الی هستم اختردرتا ریخا ول آبانماه مطا بق ۱۲۳ کتبرگرفتا رشد و درتا ریخ ۲۸ خردا دمطا بق ۱۸ جون با ۹ خانم دیگر در شیراز بشهادت رسید .

شهید دیگر شیراز دوشیزه خانم مهشید نیر و مندی بود . مهشید متولد ۱۳۳۴ مطا بق با ۱۹۵۵ بود دختر خیلی با استعدادی بود . فارغ التحصیل رشته فیزیک از دانشگاه شیراز بود روزی که با زیرس فهمیده بود لیسا نسیه فیزیک است باحال تی عصبی و تمخر آمیز گفته بودا و چه غلطها لیسا نسیه فیزیک ... من که از شما باز جوئی میکنم حتی دیپلم هم ندارم . خیلی مهربا ن بود و بازیا دم میآید که اغلب اوقات قسمتی از غذاخود را بمن میداد و میگفت توهمند با یاد قوی بشوی مثل من تا بتوانی ضربات شلاق را تحمل کنی . خیلی هم آرا م خونسرد بود . هر وقت ما دخترها دور هم مینشستیم و با هم صحبت میکردیم و صحبت آزادی پیش میآمد خیلی خونسرد میگفت من برا یام آزاد شدن علی السویه است . واقعادرزندان حالتی داشت مثل اینکه فراموش کرده بود که در زندان است و با رها با و میگفتم نکند فکر میکنی درخانه هستی و مهشید خیلی آرام میخندید و میگفت مگر با لاتراز اعدا مهم هست ؟ من برای اعدام شدن همیشه آماده ام . از لحاظ فعالیت تشکیلاتی هم خیلی فعال بود . سالها در لجنها م مختلف خدمت کرده بود و حدود چهار را ل هم بود که عضول جنه جوانان بود . با رها خودش به تنها ئی بسفر تبلیغی و تشویقی رفته بود . مهشید و شتبه شب درتا ریخ هشتم آذر مطا بق با ۲۹ توانم برادرخانه خودشان گرفتا رشد و درتا ریخ ۲۸ خردا دمطا بق با ۱۸ جون با دیگر خانمهای شهید شیراز بشهادت رسید . مهشید در مدت ملاقات به خانواده اش گفته بود که از بیست فروردین دیگر ما را به هوا خوری نبردند و برای ما مطالعه اجباری گذاشتند که بلکه باین طریق ارشاد شویم . خانواده مهشید بعد از شهادت هم دارای روحیه بسیار عالی بودند . مهشید در زندان فقط نگران مادرش بود که مرتب میگفت چون مریض هستند میترسم برایشان نا راحتی پیش بیا یدولی با تائیدات جمال مبارک این مادر عزیز و مومن خیلی خوب شهادت دختر عزیزشان را پذیرفته اند و همینطور تعریف کرده اند که بعد از شهادت مهشید ، این مادرخواب میبیند که مهشید بدیدنشان میآید . مادرش میگویند بیا مهشید پیش ما باش چون ما مهمنان داریم مهشید نزد مادرش مینشیند و بکمک ما در شسبزی پاک میکند و بعد بلنند میشود که برود ، مادرش اصرار میکند که مهشید بیان ، مهشید میگویند ما در نمیتوانم ما مشب مهمنا ام الکائنات (ما در حضرت بهاء الله) هستیم .

دوشیزه شهید دیگر شیراز سیمین صابری است . یک پارچه سراپا شورو حرارت بود . خیلی عاشق

ا مربودوبهمن علت جانب احتیاط را رعایت نمیکرد . بسیار فعال بود سالها در لجنه های مختلف خدمت کرده بود ، اخیرا بعضویت لجنه تربیت ا مری شیرا زانتخاب شده بود . بخوبی بیاد میآورم که هر وقت لجنه داشتیم میدیدیم سیمین با مقدار زیادی اوراق و کتاب در دستش میآید و هر کس که اعتراض میکرد که کمی رعایت کن میخندید و میگفت احتیاط برای چه آنچه که باید پیش بیاید پیش خواهد آمد پس نباشد نگران بود . به کارش در لجنه خیلی علاقه داشت و با جان و دل خدمت میکرد .. در تما مدت بازجوئی و بازرسی هم زیرسی هستندیعنی با صلاح تبلیغ میکنند . دختر خیلی مقاوم و محکمی بود و یاددا رمکه وقتی اظهارنا را حتی کرده باشد . سیمین در تاریخ دوم آبانماه مطابق با ۱۲۴ اکتبر گرفتا رشد و در تاریخ ۲۸ خرداد مطابق با ۱۸ جون با دیگر شهادی خانم شیرا ز بشهادت رسید .

دوشیزه شهید دیگر شیرا ز زرین مقیمی بود . اگر شور و شوق و یکپارچه آتش را بخواهیم مثل بزنیم با یادزیرین رانام ببریم . زرین حدود ۲۸ سال سن داشت . دارای صدای رسا و بسیار زیبا بود وقتی صحبت میکرد بقدرتی قشنگ صحبت میکرد که بی اختیار آدمی شفته صحبتها بیش میشد ، حتی با زیرس یکمرتبه به زرین گفته بود بیهتر است بجای اینکه بگوئی لیسانسیه زیان داری بگوئی لیسانسیه بیان داری . خانه اینها همیشه مرکز جلسات تبلیغی بود چون خیلی با سواد بود . در مدت بازرسی هم همیشه با زیرس بازیں بحث‌های تبلیغی میکرد . خود زرین تعریف میکرد که در جلسات با زیرس من هم همیشه تعداد زیادی حضور داشتند که من نمیدانستم فقط وقتیکه بازرسی تمام میشداز صدای بهم خوردن صندلیها میفهمیدم که عدد زیادی آنجا بوده‌اند . و باز خود زرین تعریف میکرد که یکروز با زیرس با عده‌ای دیگر خیلی زیاد بیا من بحث کردن و برای هر سؤالی با دلایل کافی بآنها جواب میدادم و چون دیگر توانستند این را بگیرند شروع کردن به توهین کردن و در اینجا زرین دیگر طاقت نمیآورد و میزند زیرگریه و میگوییه میخواهید قبول کنید میخواهید نکنید من بهائی هستم . این بهائی بودن را شمانمیتوانید از قلب من بیرون بیا و ریدمن با تمام وجودم و قلبم بهائی بودن را احساس میکنم . خلاصه در زندان روی معلومات زرین خیلی حساسیت داشتند و با رهای بحث کردن به بازرسی بردند . زرین در تاریخ اول آبانماه مطابق با ۲۳ اکتبر بهمراه پدر و ما در شرکت رشد و در تاریخ ۲۸ خرداد مطابق ۱۸ جون بهمراه دیگر خانمهای شهید شیرا ز بشهادت رسید . همیشه در مورد شهادت میگفت مطمئن باشید تا خود شخص دا و طلب شهادت نباشد هرگز برایش پیش نمیآید و حقیقت را است میگفت چون خودش از صمیم قلب آرزوی شهادت داشت .

دوشیزه شهید دیگر شیرا ز دوست بسیار بسیار رعیزیم که تمام لحظات ما در این چند سال با هم میگذشت شهین دالوند بود که همه اورا شیرین صدای میزدند . شیرین متولد چهارم دیماه ۱۳۳۵ بود . دختری بود بسیار معصوم - محبوب ، مومن ، با محبت ، بی ریا و خیلی با استعداد . فارغ التحصیل رشته جامعه شناسی بود و یکی از استادان دانشگاه شیراز میگفت تزی که شیرین برای فارغ التحصیل

شدنش نوشته است بقدرتی عالی بوده است که استادهای دانگشاہ با اینکه میدانندبهای است ولی از تراواستفاده میکنند و هر وقت که میخواهند از یک دانشجوی خوب نام ببرند شیرین را مثال میزند. فعالیت تشکیلاتی را تقریباً هر دوباره شروع کردیم. هر دوابتدا عضوهای احتفالات و نشرنفحات بودیم. سپس بمدت چند سال عضولجنه جوانان وبعد عضولجنه تربیت امری شدیم. در این دو سال اخیر شیراز از شیرین عضولجنه جوانان شده بود و خیلی بکار رش علاقه داشت بقدرتی فعال بود و عاشق خدمت که هر چه خانواده اش، دوستان و ما در بزرگش گفتند که برای مدتی از شیراز بزی و دقیق نکردو گفت حاضر برترک شیراز نیستم و حتی با اینکه تما مخانواده اش در انگلیس بودند و بتنهای نزد ما در بزرگش و پدر بزرگش زندگی میکرد علیرغم اصرار همه دوستان و آشنا یان در این مدت چند سال حاضر به ترک ایران نشد و بآج و دل تا آخرین لحظه در تشکیلات خدمت کرد. شیرین فقط یکبار از صمیم قلب آرزو کرد که در انگلیس با شدو آن زمانی بود که پدرش با وگفته بودند که حرم مبارک حضرت روحیه خانم به انگلیس تشریف آورده اند و آنها موفق بزیارت حرم مبارک شده اند. آن روز را بخوبی بیا داد رم شیرین عزیز، چند بار در حالیکه اشک در چشمها یش جمع شده بود گفت، روحی کاش حال انگلیس بودم که حرم مبارک را زیارت میکردم. خوشحال خانواده ام، این تنها موردی بود که اظها را گرد که دلش میخواسته به انگلیس برو و غیرا ز آن هیچ وقت من بیاندارم که گفته با شد دلش میخواهد ایران را ترک کند با اینکه چند سال بود دور از خانواده اش بود و با رها میگفت خیلی دلم برای خانواده ام تنگ شده است. من آرزوی این را دارم که یکبار کلمه ما مان را بزبان بباورم و ما در مر را صد اکنون ولی با تما اینها هرگز نمیتوانم خودم را راضی کنم در چنین شرایطی که جا میعه بهای ایران به تک تک ما احتیاج دارد ایران را ترک کنم و بنزد خانواده ام بروم. شیرین خیلی به طبیعت علاقه داشت. عاشق گل بود و همیشه در اطاقش حتی اگر میشید که شاخه گل و یا یک برگ سبز میگذاشت و میگفت گل نشانه پاکی و لطف است و دوست دارم همیشه در اطاقم داشته باشم. دریا را هم خیلی دوست داشت و ما هر روز جمعه یکبار در بیان گذشته بیان داد دوست دارم. کلاً به هنر خیلی علاقه میگفت هر چیزی که مرا بیان دارم گذشته بیان داد دوست دارم. داشت صنایع دستی را هم خیلی دوست داشت و غالب سعی میکرد هدایائی که برای دوست این میخورد از صنایع دستی ایران انتخاب کند. چند ما هی بود که هر دوباره هم به کلاس بافتی و قلاب با فی میرفتیم و شیرین در این مورد استعداد دخوبی داشت. دارای صدای قشنگی بود و مدتی برای یادگیری مناجات خواندن به کلاس میرفت. مدتی قبل از دستگیری بدش افتاده بود که گرفتا رمیشود و براها بزبان آورده مان روز دستگیری یعنی دوشنبه ۲۹ آذرماه مطابق ۱۳۹۷ مبر قبل از ظهر بدهیدن من آمدو گفت که ظهر برای ناها را منزل آنها بروم. من هم طبق معمول بنزد اورفتیم و بعد از ظهر تصمیم گرفتیم بیکی از خانواده های مسجونین سربز نیم. آن روز بعد از ظهر همه صحبت ما در مرور دیمین بود. شیرین آن روز بعد از ظهر خیلی آرام موساکت بود آن روز عصر بخانه ما با هم آمدیم و در حال برگشتن بخانه بودیم که دیدیم یک پاسداز دنیا ل سرمان هست و تادرخانه آمد، ما بخانه رفتیم و با اینکه پاسداز را دیدیم ولی نمیدانم چرا اصلاً در مرور داین موضوع فکر نکردیم و تصمیمی حداقل برای ترک خانه نگرفتیم. همان شب یک بافتی را با هم شروع کردیم و من بی اختیار به شیرین گفتم نکند مجبور شویم این بافتی را در زندان تما مکنیم شیرین آن شب بطور محسوسی بی حوصله بود و هر چه بافتی را سعی کرده ببا فدح و حمله نکردو برا بی حوصلگی آنرا کنار گذاشت و گفت خسته ام بهتر است بخوابیم. خوابیده بودیم که زنگ زدند

ساعت حدود ۱۱ شب بود، پدرم در را با زکر دند و حدود ۱۷ الی ۸ با سدا ر بخانه آمدند تما م ا طاقه سارا گشتندو هر کدا ما زما را ب تنها ئی در یک ا طاق نگه داشتند و شروع به باز پرسی کردند. شیرین را هم همین طور در یک ا طاق نگه داشتند و پس از مدتی پا سدا ر ای که از شیرین باز پرسی می کرد از ا طاق بیرون آمد و شیرین از لای در ا طاق در حالی که اشک توی چشمها یش جمع شده بودیم من اشاره کرد و گفت بمن می گوید که لباس بپوشم و آماده شوم من هم با خنده جواب داد من هم همین طور لبخندی روی لبها م عصومش پیدا شد که تنها نیست، پس از مدتی پا سدا رها بما گفتند آماده شوید که ب زندان بروید من و شیرین هم مقداری وسائل موردا حتیا ج زندان را برداشیم و با پدر وما در خواهر م خدا حافظی کردیم. شیرین النگوها و انگشت ر دستش را بیرون آورد و بمه ا مانت به دست خواهر م سپرد و در حالی که خدا حافظی می کرد گفت از قول من با ما در بزرگ خدا حافظی کن و اورا ببوس، به پدر و ما در هم اگر خبر شند بگونگران من نباشد، ما در م آن شب برای من و شیرین بسیار نرا راحت بود و خیلی اصرار کرد که شیرین مهمان ماست و اورا بزیدولی آنها اصلا توجهی نکردند و گفتن چون اسمش در لیست است با یاد بیا بدم و شیرین همراه آنها در حالی که ما در م با صدای بلند مناجات الهی الهی، «توبینا و آگاهی که میخواند» بتدادیست ایستادیم تا ما در م مناجات را تما م کرد و با ردیگر همگی یک دیگر را بوسیدیم و من با صدای بلند گفت مادر نگران نباشید و مطمئن و معتقد باشیم که برگی از درخت نمی افتد مگر آنچه که اراده حضرت بهاء اللہ باشد. آنوقت بهمراه پا سداران از خانه بیرون آمدیم. به زندان که رسیدیم پس از بازرسی وسائل و خودمان حدود ساعت سه صبح بود که ما را داخل بند کردند و بزرگ زندان نیها را دیدیم. اولین کسی که در بین بدل ملاقات و استقبال ما آمدرس کارخانم اشرافی بود که ما را در آغوش گرفته و بوسید و خوش آمد گفتند. آن شب اول را تا صبح من و شیرین نخوا بیدیم و با هم حرف زدیم شیرین بسیار نگران خانواده اش و بخصوص ما در بزرگش بود. می گفت از یک لحظه خوشالم که در خانه شما بودم چون هرگز قا در نبودم از ما در بزرگ خدا حافظی کنم و مطمئن بودم که ایشان هم خیلی نرا راحت می شدند و بزرگ نرا از لحظه دیگر نرا راحت می خواست منزل خودمان بود و برای آخرين با ربا ما در بزرگ درست و حسابی خدا حافظی می کرد، شیرین هر وقت که به جلسات تذکر شهدا میرفت و یا دی از شهدا و مسجونین عزیز می کرد این مناجات را میخواند "الهی الهی، سراج مرد را بدهن حکمت بر ا فروختی از ا ریاح مختلفه حفظ نمایم سراج ا ز توز جاج ا ز توا سب آسمان و زمین در قیضه قدرت تو ا مرا راعد عنایت فرمایم و علم ا را انصاف ، توئی آن مقتدری که ب حرکت قلم ا مر مبرمت را نصرت فرمودی وا لیار راه نمودی توئی مالک قدرت و ملیک اقتدار. لا الہ الا انت العزیز المختار. پس از تلاوت مناجات همیشه با حالتی م عصومانه آهی میکشید و می گفت خدا یا خودت علم را انصاف بده.

شیرین روز تولدش چهارم دیما ه بود که در زندان بودیم و مصادف با روز شنبه بود. آن روز شیرین از لحظه عاطفی خیلی نرا راحت بود و تما م لحظات آن روز ب فکر خانواده اش بود و مرتب یا دخاطر آن گذشته می کرد، بقدری با احساس بود که هر سال روز تولدش کارت تبریکها ئی را که خانواده اش برایش فرستاده بودند نگهدا ری کرده بود و هر سال آنها را بیرون می آورد و مدتی آنها را نگاه می کرد و خاطرات را برای خودش زنده می کرد، آن روز هم همین طور مادون فربودیم و دلش نمی خواست دیگر زندان نیها بفهمند و تما م دست از گذشته خود حرف زد، عصر هم ا روز ملاقاتی داشتیم و شب که بسته ها رسید و شیرین بسته اش را با زکر دیدم ا در بزرگش برایش حوله و لباس نوبعنوان هدیه تولد فرستاده است و خودش خیلی آن روز گریه کرد و گفت با اینکه ما در بزرگ روز تولد مرا نمیداند

شیرین چندروز متوالی و ساعتها بهمراه دیگر عزیزان برای بازپرسی رفت و همیشه میگفت بین سوالهای که فرست میکنم این مناجات را میخوانم که خدا وندخودش کمک کند.

هوا لابهی . ای مهریان بهاء من توتا ئیدکن ، توتوفیق بخش ، ما افسرده‌ایم تو دریا ی آتش
ما پژمرده‌ای تونسائی روح بخش ، نسیم عنایتی و شمیم موهبتی بر سان . ع
شیرین در بازی پرسی در مقابل این سوال که تا چه حد حاضریدست از عقیده خود بربندارید؟ جواب
داده بود تا پای اعدام . اما امیدا وارم که فضل حق شامل حال شود و بتوانم تا آخرین لحظه حیات
ایمانم را حفظ کنم . آنروز با خوشحالی وقتیکه به داخل بندآمدستهای مرا گرفته بود و میگفت
خوب نوشته‌ام . بنظر تو خوب نوشته‌ام . بگذا را ینها بفهمند که هر کس هم لیاقت شهادت را ندارد
و با یافتن حمال مبارک شامل حال شود که شهید شود .

شیرین بهمراه ۹تن دیگرا زخانمهای شهیدشیرا زپس از مدت عماه و ۱۹ روز زندانی بشها دت رسید نکتهای که قابل ذکراست اینکه این دختران همه درنها یت پاکی نبه نزد محبوبشان شتافتند بعدا زشها دت شیرین، روزیکه ما در بزرگش برای گرفتن وسائل او به زندان مراجعت میکند و سائلش را نمیدهندو فقط ساعتش را پس میدهنند که هنوز کار میکرده است در زندان پیرمردی که ما در بزرگش را میبیند که گریه میکرده است نزدا و میآید و میگوید چرا نا راحتی دمن را نتده همان مینی بوس هستم که آنها را به میدان چوگان بردم. آنها همگی دارای روحیه بسیار عالی بودند و در تما مدت سرود دعا های دسته جمعی میخوانندند من فکر میکردم که اینها نمیدانند که میخواهند اعدا مشوند من تاکنون هیچکس را با این روحیه ندیده بودم. در حالیکه همه آنها میدانستند و قبل از ملاقات همگی حما مکرده بودند و در آخرین ملاقات همبه خانواردهای خود گفته بودند مثلا شیرین به ما در بزرگش گفته بوده است که ما در بزوی به خانه خودم میآیم. خانم محمود نژادا وهم که اجسا دمظهرشان را زیارت کرده بودند گفته اند که دخترها را بدون شکنجه و با چا در اعدا مکرده اند شعری در مورد شیرین است که آنرا در خانه زده اند و نوشته اند

بەجانان جا نچنین با يىدىپەردىن
زەھى حان دادن او حان بىردىن او
فەروبا رېدىسىلى كوه تاكۇھ
شېيىخون كەردىبەنسىرىن وېشەشمەدا

چنین وا جب بوددر عشق مەردىن
زەھى شىرىن وشىرىن مەردىن او
درآ مەدابرى ازدرىياى اندوھ
غىارى دردەمیدا زرا ھېيداد

Shirin Hoddosal pish xob didkhe sarmizi neshste ast wadardsha miyoxuddrakna ra wazinuus xanm
 mohmodi shahid tashrif da randoikطرف diigermiz hzrte wali amaralle gloos fermoodeh andkeh shirin
 miyegft drxowab فقط nimurx miarok raziarat krdm .

با زشیرین حدودیکسال قبل از گرفتا ریش خواب دیدکه حضرت بهاء اللہ را داردیار میکنند و بسته مبارکشان دولوچا و عنایت فرمودند، شیرین عرض میکنند که چیست حضرت بهاء اللہ میفرما یندیکی از آنها را خودت بردا رو دیگری را بدوست روحی بده شیرین میخواهد لوح را باز کنند که ببیند چیست که یکمرتبه صوت مبارک را میشنوند که قسمتی از لوح را تلاوت میفرما یند شیرین در خواب متوجه میشود که لوح عاشق و معشوق است و خوب نشان داد که لیاقت گرفتن این لوح را داشت.

حال صحبت خودم را با قسمتی از لوح عاشق و معشوق تما م میکنم . امید آنکه روح پاک همه شهدا را عزیز شفیع تما احبابی دنیا باشد .

"ای بلبلان فانی ، در گلزار باقی گلی شکفت که همه گلها نزدش چون خا روجو هر جمال نزدش بی مقدار . پس از جان بخوشیدوا زدل بخوشیدوا زروا ن بنوشیدوا زتن بکوشید که شاید بتوستا وصال در آئیدوا زگل بی مثال ببینیدوا زلقای بی زوال حصه بردیدوا زاین نسیم خوش صبای معنوی غافل نشویدوا زاین رائمه قدس روحانی بی نصیب نماید . این پنبدینده را بگسلد و سلسه جنون عشق را بجنبند . دله را بدلدا رساندو جانها را بجانان سپارد . قفس بشکند و چون طیر روحی قصد آشیان قدس کند ..

حضرت ولی محبوب امرا لله در توقعیع مورخه ۱۹۲۴ کتیر ۳۰ خطاب به اعضای محترم
محفل مقدس روحانی طهران میفرما یند :

"... این فئه مظلومه بقوتی ملکوتی و عزمی آسمانی و میدی الهی وبشارتی سبحانی درا ین معرکه حیات حاضر و مترصد هرگونه آشوب و بلائی هستندوا زمشقات متوا لیه و موانع متزا یده سست و هر اسان و ملول نگرددند و یقین مبین دانندکه هر قدر افق عالمتا ریکتر گردد و تزلزل عالمکون بیشتر شود و هرج و مر جاتسا عیا بد طلوع فجر موعود قریبتر گرددوا سباب تحلی و سطوع نوارش بهتر فرا هم آید، همچه بشارات سا میه جا نپروری لابدا ینگونه مقدمات و تمهدیات مدهشه مرعبه ای خواهد داشت چه که تحقق و عود حتمی الهیه بتتبیه و تذکر تما مهیئت اجتما عیه بشر موقوف و این تذکر و تنبیه عمومی جز بوفور بلیات و تعدد اضطرابات و تزا ید مشکلات حاصل نگردد اینست که اهل بها از حما طمینا ن مرزوقند و بروح میدزند و مشغول بیدار و متوجهند و ثابت و هوشیا ربیل و جان ساعی و جا هدندتا نگذا رندکه از فشار بلیات اساس امرا لله و جوهر تعالیم الله بتدریج زدست رو دو تعمیم وا زدیا در ذائق و سیئات مبارکی اصلیه ائین خویش متروک و تاریک شودوا زتطاول یاداعاده و دسائس اشرا را دنی خللی در شریعت مقدسه راه یا بدوان فکار مشوشه حالیه علت جز نی انجرافی از آن صراط مستقیما لبه گردد ..."

نقل از کتاب نارون سور

قصہ نازِ حلقہ سر زندگانی

از آفاقی سهل سمندری

دوش در حلقه شیرین سخنا ن غوغای بود
سخن از ماه و شان ملا اعلی بود
بنده بود و پر و ما در دل داده شهیمن
که ز عشا ق جمال قدم ا بهی بود
دا لوندی شهین بود بهیں دختر عشق
عشق او غبظه مجنون و دو صد لیلی بود
به نشستیم و بگفتندورا قصه عشق
عشق این دختر زیبا بخدا زیبا بود

بر سردا ر سرا فرا ز عشق رخ یار
او که پر شور و سرور آیتی از تقوی بود
قا مت ش سرو چما ن در چمن حضرت دوست
رفعت همت ا ورشک دو صد طوبی بود
مثل اونه تن دیگر همگی جان بر کف
روی دلها بسوی دلبری همتا بود
هفت دوشیزه سه تن ما درواین شیر زنا ن
همه عنقای بقا قاف وفا شان جا بود

هشت نفس دگر آنا ن ز مشا هیر جمال
ملجاء و ما من آنها افق اعلی بود
هیجده شمع بر ا فروخته ا ز عشق بهما
دلشان آینه نور رخ یکتا بود

هفتم قوس گرفتا ری این ز پی
سفر طلعت میثاق ازا ین دنیا بود
شش مه و بیست شب این ما ه و شان در شیر ا ز
روی شان روشنی سجن ا ولی البغضا بود

دگرا ز ظلم و تعدی و حفا هیج مپرس
که بتا ریخ بشرا ین همه استثنای بود
هیچجا ز حالت خونخوا ری اعدا تو مگو
حالشان حالت مستسقی و استسقاء بود

هر چه کردند که هجده نفران کا رکنند
چونکه انکا را ساس عمل اعداء بود
همه انکا رزا نکا رونمودند ا قرار
که دل و جان گرو عشق رخ ا بهی بود

بودکوچکترا ز آنها همه محمودنژاد
شانزده ساله مونا از همه مستثنی بود
لمعدنور بدو شعله نارا زلی
همچور و روح الله ولا گهر و رقای بود
آن پدر ما درود ختر که بدندا شراقی
نا مشان عزت و احسان و همی رؤیا بود
جان سپردند به حانا ن همگی رقص کنا
وه چه سودی که درایین مشغله و سودا بود
بنگر نصرت یلدائی وبهرا معزیز
نصر با اندود رایین شا مگه یلدای بود
بنگر هیکل جمشید سیاوش منظر
که ازا و صبر و وفا در طلب معنی بود
سخت کوبیده و فرسوده زا شکنجه شدی
لیک چون کوشکوه نده و پا بر حا بود
طا هره همسر جمشید چوآ مد بردار
نظرش منظره طا هره عظمی بود
حا کم شرع به زرین مقیمی فرمود
از چه درا مربها پروله و شیدا بود
گفت شیخا دلم آتشکده عشق بها سست
جا ره عشق کجا در کف این بر نای بود
شیخ گفتا بشکا فیم تورا سینه عشق
دل چوما هی بکشم در که در آن دریا بود
گفت برکش دلم از لجه این سینه که بر
دل پروسعتما این سینه کجا دریا بود
اسم اعظم چو مکین در دل این مسکین گشت
عالیکون و مکا نزاه برایش جا بود
صربزین همه چونها بری سیمین بود
یک تحلی است که در آینه شتی بود
روی سیمین بدر خشندگی خورشیدا است
وه که از شمس فلک بر ترویس والا بود
بود مهشید بسی مقتدر و نیر و منند
نعره بر زد که همه فتح و ظفر با ما بود
اخت رثا بتی آن دختر نیک اختر عشق
پای بر فرق فلک فلک فلک پیما بود
کورش از کورش حق دین ببردنا که این
بر ترا ز کورش و اسکندر و از دارا بود

حضرت احمد علی نابت و ثابت در سیخ
 رخت بربست و مکان جنته الما وی بود
 بود آزادی جان در گرو عبده حسین
 رهرو راه حسین و نظرش بالا بود
 هو شمند آن دل و سردا ده سهیل جان باز
 که بسا ن همه عشاقد بسی دان باز
 بر سردا رسرا آن سرورا برا رنهاد
 پای دارش بنهم سرکا ثرا آن پا باز
 دکترا فنا که و رانا مهمین بهرا ما است
 رسته از آن شجر پر شمراء علی بود
 پدرش مهدی افنا و عزیزش مادر
 دخترشا عرشیرین سخن مولا بود
 عندي لیب است و ورانا معلی اشرف گشت
 زیرا شکنجه اعداچه پراستی لابود
 رقص میکرد و بیو سید زجان چوبه دار
 کز توای دار فنا دار بقا یم جا باز
 بهرا حیای جهان این همگان جان دادند
 عالم مرده ز جان بازیشان احیا باز
 همه شا هنشیهی ملک بقا بگزیدند
 کمتر از پر مگس در دلشا ن دنیا باز
 سربرا فرا شته هریک بسردا ربلند
 ذکر شان از تدلیل یا بهی الابهی باز
 حضرت حجۃ الاسلام مکن این همه عدل
 چشم عالم همه از عدل توهون پا لابود
 قصہ عدل توبگرفت جهان را یکسر
 خبرت زینت اخبار همه دنیا باز
 نور حق از نفس پا ک تو خا موش نگشت
 هر که برعله حق دم بزدی رسوا باز
 تو شدی خون جگرو چین به جین و دلتند
 که چرا امر بها شا سعه ا لار حاء باز
 یک صد و چهل سنه شد بیش که خون میریزید
 دستتا ن لاجرم از دا من حق کوتا باز
 دین حق عالم ا مکان بگرفته است و توجون
 پشه کان در هو س او حگه عنقا باز
 ذکر ا غیا ربندیا دخوش یاران بشاش
 ذکر ا ران بمذاق دل و جان صهبا باز

ماه خردادی سال صد و چهل در شیراز
 نقرنای قوربادو غلغله و غوغای بود
 این صدا رنه جان بخش در آفاق افکند
 عالمی زنده ازاین ولوله کبری بود
 عید رضوان شده نزدیک جهان را تبریک
 گوشپیلاکه همه نور و بهابا مابود

شهدای روا حنا لقطرات دمای هم الوفاء که نام مبارکشان زینت بخش این ورقه گشته به ترتیب مذکور
 عبارتند از :

- ۱۰- دو شیزه سرکار زرین خانم مقیمی
- ۱۱- دو شیزه سرکار رسیمیان خانم صابری
- ۱۲- دو شیزه سرکار رمهشیدخانم نیر و مند
- ۱۳- دو شیزه سرکار راختر خانم ثابت
- ۱۴- حضرت کورش حق بین
- ۱۵- حضرت احمدعلی شا بهت
- ۱۶- حضرت عبدالحسین آزادی
- ۱۷- حضرت سهیل هوشمند
- ۱۸- حضرت دکتر بهرام افشار
- ۱۹- محترمه طاهره خانم سیاوشی
- ۱- دو شیزه سرکار شهین خانم دالوند
- ۲- دو شیزه سرکار خانم مونا محمود نژاد
- ۳- محترمه عزت خانم اشرافی
- ۴- حضرت احسان الله خان اشرافی
- ۵- دو شیزه سرکار رویا خانم اشرافی
- ۶- محترمه سرکار نصرت خانم میلانی
- ۷- حضرت بهرام میلانی
- ۸- حضرت جمشید سیاوشی
- ۹- محترمه طاهره خانم سیاوشی

روحی و ذاتی لمظلومیت هم الوفاء ، چون آوردن نامهای عظیماً ین بزرگواران در شعر مزبور کار
 آسانی نبود تمناًی عفو و غماض از یک یک خوانندگان گرامی در موادر دستی ولغتش داشته و دارد

سهیل سمت دری

دل مطلع تخته جان است

از آقای ابوالقاسم افنان

تاكى اسىراين دل هو جائى
تاكى پژاڙخوانى و خود رائى
تاكى بدا م مردم رسوا ئى
نفس حزون بگوش تسو لا لا ئى
كانگشت حسرت بدھا ن خائى
تا برخورى زنعمت فردا ئى
اورا مبادبا گن ه آلائى
دل مهبط حیات مسیحائى
بربا دمیده دسر سودا ئى
هرگز مروبراه سبک رائى
باتونپا یدو توئنمی پائى
تازه حوان بغایت رعنائى
بنگریچرخ با همه پھنائى
کوآن جمال مظہر زیبائى
کوآن شکوه و حشمت و دارائى
کوشوکت و جلالت و دارائى
میرفت تا بگنبد. مینائى
کوآن همه فضیلت و دانائى
کو عميق آن حکیم بخا رائى
مسعود سعد چون شدو طغرا ئى
رخت فنا بعالمند تنهائى
از داستان عمر تماشائى
آور بکار قوت ببیئائى
آخر کمی تبصره بینائى
یکدم نگربمشعل دانائى
بر روی دوست واله و شیدائى
دانی کجا ست حشمت و آقا ئى
تا باشد هنوز تو وانائى

شددوره جوانی و برنائى
تاكى بدا منفس و هو در بنند
تاكى سرت گران ز شراب کبر
تا چند صبح و شا م ببا يد خوانند
را غب مشوبراه هوس حاشا
پنیوش قدر نعمت حق ا مررور
دل با يدت بری ز همه آمال
دل مطلع تجلی جانان است
گر دل بر دتورا بهوای نفس
هرگز مباش غره بجا هوممال
با کس جهان وفا نکنده شدار
بس کشته است این فلک غدار
بنگر بکار ده رفرو ما یه
کویوسف و کجا است عزیز مصر
کوآن شهان مقتدر بی ساک
کو سطوت سکندر مقدونی
چون شدغبا رخیل شهان کزکبر
کوبوعلى کجا است ابوریحان
کو سعدی و سنا ئی و کو عطمار
کورود کی و انوری و مائے
آ خرمانه برهمنگان پوشاند
این قصه ها مرا و تورا پنداست
هست اگر دو چشم خرد بینا
آ خرکمی تفکروا ندی شه
یکدم بپوش حا مه تقیوی را
در کوی دوست منقطع از عالم
دانی که چیست رستگی از دنیا
سودن جبین بباب بهاء اللہ

قسمت جوانان

حقوق والدين وخدمت واحسان بآنها

از هنر نگات تئریخ بجهت شهادتی

بها الی سیل كذلك نصحتا و امرنا کی ان اعمل
بما امرت من لدن رب العزیز الجميل .

مفاد و مضمون آیات عربی که در قران سوره
نساء نازل آمده چنین است : عبادت کنید
خدارا و شریک قرا را دیده بخدا هیچ چیزی را
و نیکوئی بکنید به پدر و ما در تان بعد جمال
قیوم میفرما یند خوشاب ره رعا رف داشمندی
که گواهی میدهند را ین بیان نازل هد قران
و میبینند و میخوانند و میشناسند و دورفتا رمیکنند
با نچه که نازل کرده اند و را خادم را در کتب قبل و در
این لوح جدید که بعد از توحید و عرفان بحق
اولین عمل هر بینده ئی همان احسان بوالدین
است و عرفان بخدا و حقوق والدین یکی است
و قرین یکدیگر است) و اما مفاد و مضمون
آنچه که در لوح دیگرا ز قلم قدم نازل شده (بگو
ای قوم عزیز بدارید پدر و ما در تان را و محترم
بشم رید آنها را و با ین طرز رفتار نازل میشو
خوبی بر شما از آسمان آ مرزش پروردگار شما
که بلند مرتبه و بزرگ است میادا مرتكب شوید
آنچه را که بآن محظوظ میشوند پدر و ما در تان
باید سالک راه حق با شید و بدرس تیکه آن راه
همان راه راست است هرگاه مخیر کند کسی
شما را که آیا میخواهید بخدمت من پردازید
یا بخدمت پدر و ما در تان باید شما اختیار کنید
خدمت کردن بپدر و ما در تان را پس پیدا
میکنید بمان خدمت بوالدین بسوی من راه
را این چنین پند میدهیم ما و فرما ن میدهیم
ترا با نچه باید رفتار کنی از نزد پروردگار
تو که عزیز و جمیل است .

در چهار سوره از قران درباره حقوق
والدین نازل شده بطريق ذیل :

درخصوص خدمت و احسان بوالدین حضرت .
بهاء اللہ جلالہ میفرما یند :
حوالله تعالی شانہ العظمہ والاقتدار .

جمیع انبیاء و ولیاء از نزد حق جل جلالہ
ما موربودہ ان دکھا اشجا روجودا نسانی را از فرات
عذب و دانائی سقا یہ نما یندتا از کل ظاہر
شود آنچہ که درایشا ن بنفسا یشا ن من عند الله
و دیعه گذاشتہ شدہ هر درختی را شمری مشہود
چنانچہ مشا هده میشود شجر بی شمر لایق نار است
و مقصد از آنچہ فرموده اندو تعلیم داده اند
حفظ مراتب و مقامات عالم انسانی بوده طوبی
از برای نفسی که در بوم الهی با صول الله
تمسک حسته و از قانون حقیقی انحراف نجست
اثما رسدره وجودا مانت و دیانت و صدق و صفا
و اعظم از کل بعد از توحید حضرت باری حل و عز
مرا عادات حقوق والدین است در جمیع کتب
الله این فقره مذکور و از قلم اعلی مسطور
ان انظروا نزله الرحمن فی الفرقان قوله
تعالی واعبدوا الله ولا تشركوا به شیئا
وبالوالدین احسانا ملاحظه نمائیدا حسان
بوالدین را با توحید مقترن فرموده طوبی
لکل عارف حکیم یشهدویری و یقرء و یعرف و
یعمل بما نزله الله فی کتب القبل
و فی هذا اللوح البديع (انتهی) .

در لوحی دیگر میفرما یند :
قل يا قوم عززوا ابا يكم و و قروهم و بذلك
ينزل الخير عليكم من سحاب رحمة وبكم العلي
العظيم يا اکم ان ترتكبوا ما يحزن بهما با اکم
و امهاتکم ان اسلکوا سبیل الحق و انه لسبیل
المستقيم ان یخیرکم احد فی خدمتی و خدمتة
ابائکم و امهاتکم ان اختاروا خدمتهم ثم اتخذوا

نیکوئی سخن گوئید و در مقابله آنها مثل بندۀ ئی با شیدکه پیش سلطان ایستاده است و بال‌های تواضع خود را باز کنید و پدر و مادرتان را زیر بال لطف و احسان خود جا دهید و بی‌آدبیا و رید و وقتی را که طفل بودید و محتاج آنها بودید و شما را تربیت کردند و برا آنها دعا کنید که خدا مورد عنايت خود قرار دهد شما را و خدا میداند که در حودشما اولادها چه چیزهاست سعی کنید که نیکوکارا و بپدر ما در تا مهر با ان وبخشنده باشد.

نقل از کتاب سخنان حضرت محمد (ص) درباره مقام والدین .

۱- من رضی عنہ والداه فان اللہ عنہ راضی .

۲- الحنّتہ تحت اقدام الامہات .

۳- النظر الی والدین برافہ و رحمة عبادہ .

۴- رضی اللہ کلہ فی رضاۓ والدین وی سخط اللہ بسخطہا .

۵- یقول للعاق اعمل ما شئت فانجع لفڑی اغفرلک و یقول للبآر اعمل ما شئت فانی سا ع- کنیا را و اقتصر علی النار ترجمہ آثا رفوق ذیلانگا شته میشود .

۱- اولادیکه پدر ما درازا و راضی با شند خدا هم ازا و راضی است .

۲- جنت که رضای ما در آن است در زیر قدم مادران است .

۳- نظر کردن بر پدر ما در به نگاہ رأفت و محبت مثل عبادت کردن خدا است .

۴- رضای خدا تما مادر رضای پدر ما در است و غضب خدا این است که پدر ما درا زطرف اولاد آزده خاطر شوند .

۵- خدا بآنکسی که پدر و ما در ش را آزده است میگوید هر کاری بکنی من ترانمیا مرزم و آن اولادیکه بپدر ما در ش نیکی و احسان کرده خدا سا و میگوید هر کاری میخواهی بکن من ترا

۱- در سوره بقره میفرماید : و اذا اخذنا میثاق بنی اسرائیل لاتعبدون الا الله وبالوالدين احسانا .

۲- در سوره نساء میفرماید : واعبدوا الله ولا تشركوا به شيئا وبالوالدين احسانا

۳- در سوره لقمان میفرماید : ان اشکر لی ولوالدیک إلی المصیر .

۴- در سوره بنی اسرائیل میفرماید : وقضی ربک الاتعبدوا الا يَسْأَه وبالوالدين احسانا إِمَّا يبلغن الكبر احدهما وكلاهما فلا تقل لهم اف ولا تنهرهما وقل لهم قول اکریما و اخفض لهم جناح الذل من الرحمة وقل رب ارحمهم کما ربیتني صغيرا بکم اعلم بما في نفوسكما ان تكونوا صالحین .

ترجمہ آیات فوق با تفسیر مصحح مرحوم بصیر الملک ذیلانگا شته میشود .

۱- هنگا میکه از بنی اسرائیل عهد گرفتیم این بود که فقط عبادت کنید خدا را و بپدر ما در تان احسان کنید .

۲- عبادت کنید خدا را و شریک قرار ندهید در هیچ چیز خدا را و بپدر ما در تان احسان کنید .

۳- شکر خدا و شکر پدر ما در هردویکی است

۴- و حکم خدا این است که بعرفان حق فائز شوید و بپدر و ما در تان احسان کنید که یکی یا هر دونفر شان پیر شوند پس مگویانها اف این کلمه اف زجر ا که هرگاہ کسی از چیزی به تنگ آید یا برا و گران آید یا برا و سخت باشد این کلمه اف را برزبان میراندازی در ما در تان به تنگ نیائید و حرف بلند برا یشان نزنید و در حواب پدر ما در تان سخن درشت نگوئید و با آنها بحرمت و

میبخشم .

پدرت بپردازود راین ضمن هروقت فرصت
یافتی بنشر نحات الله مشغول شو"
منتخبات مکاتیب

از فرائض مهمی که درباره خدمت و احترام
واحسان بوالدین در کتب الهی از قبل و بعد
نازل گشته کا ملامبرهن و معلوم است که
احسان بوالدین با توحید الهی قرین یکدیگر
وانفکاک ندارد ملاحظه فرمائید وقتی
صلوه میخوانیم مناجات تلاوت میکنیم از
ابتدا تا انتهی بذکر توحیدنا طقیم بنا براین
باید متوجه باشیم که اذکار توحید با احسان
و خدمت بوالدین قرین است و هر قرینی قرین
خود را جوید و بخنس خودان سگیرد و توحید
حقیقی و ذکر الهی وقتی مقبول است که با
خدمت و احسان و احترام بوالدین قرین
باشد و ترا زمانی که والدین در قید حیات نند
باید حقوق مفروضه آن دو وجود محترم لازماً
موردن توجه اولاد قرار گیرد و بعد از صعود شان
نوع احسان و احترام بوالدین بوسیله
خیرات و مبرات که حضرت عبدالبهاء در
مفاوضات فرموده اند با طلب غفران از رب
منان از طرف اولاد برای والدین باید اجرا
و انجام شود .

حضرت اعلیٰ جل جلاله در کتاب مستطاب بیان
میفرمایند (سزا و راست که عبید بعد از هر
صلوة طلب رحمت و مغفرت نماید از خداوند
از برای والدین خود که ندانمیرسد
من قبل الله که از برای تو است دو هزار و
یک ضعف از آنچه طلب نمودی از برای والدین
خود طوبی لمن یذکر بويه ^{بدوریه} آنکه لا اله الا هو العزيز
المحبوب .

ملحظه فرمائید که چه عنایاتی عظیم از سماء
رب علیم درباره اولاد در کتب الهی نازل
و مذکور که اگر در حیات والدین از طرف اولاد
بان دونفس نفیس خدمت و احسان شود و بعد
از حیات شان طلب مغفرت از بارگاه احادیث

ع بپردازند کی که بهشت ترا کافی
است و اگر بپردازند نکردی پس در آتش
جهنم صرکن .

جناب آمیرزا بزرگ بدیع جوان هیفده ساله
حامل لوح ناصر الدین شاه که مقام منزلت
وشها دتش بر همه معلوم است بعد از شهادت آن
جوان لوحی با فتخار ابا بدیع جناب حاج
عبدالمجید نیشا بوری از قلم اعلیٰ نازل شده
است که شرح قدرت و قوای قدسیه جناب بدیع
در آن لوح نازل گشته و ضمناً در طی آن لوح را جع
به اهمیت خدمت بپردازی بیان از قلم قدم
نازل گردیده قوله جل بیانه : " لوفات
فی خدمتک شیئی فاعف عنہ ثم ارض کذلک
یا مرک سلطان الامرائه له العزیز العلام ان
کتبنا اللکل ابن خدمت ابیه کذلک قدرنا الامر
فی الكتاب "

مفایدان مبارک جمال اقدس ابھی جل و علا
خطاب بوالد بزرگوار جناب بدیع علیہما رضوان
الله وبهائیه باین مضمون است .

اگر در خدمت کردن بتوازن طرف آن پسر عملی
انجام نشده باشد پس ببخش او را و راضی باش
از این چنین فرمان میدهد ترا پادشاهی
که فرمان دهنده است بدرس تیکه خداوند
عزیز و دانست بدرس تیکه مانو شتیم بر هر
پسری خدمت کردن پدر را این چنین مقدار
کردیم ما فرمان خود را در کتاب .

نکته دیگری که قابل توجه است این
است با آنکه امر تبلیغ از سید اعمال نزد
غنى متعال مذکور ولی مبین آیات حضرت
عبدالبهاء جل ثنائه خدمت کردن بپدر را
مقدم بر تبلیغ بیان فرموده اند قوله الاحلى
" ای دختر ملکوت نامه هایت رسیدواز مضمون
معلوم گردید که والده محترمه ات صعمود
بحهان پنهان نموده و تنها مانده ای و آرزویت
خدمت پدر عزیز است و خدمت بملکوت الله
متحری که بکدام پردازی البته بخدمت

فی قلوب العارفین " انتہی
اين ۳۱ سطرا مناجاتي که تحرير شد را نتهاي
مناجات بسيا ر مفصلي از قلم قدم نازل و در
۴۱ صفحه در ج و در بيرزيل بزيور طبع آ راسته
که از صفحه ۱۷۹ تا صفحه ۱۹۲ آن كتاب مسطور
آمده

بارى کا ملواضع است که ذکر ان همه مثل هم
نیستند و اعلب توجه و علاقه شان نسبت به
والدين در حدن صوص مذکوره نیست و تعدا دی
از پسران در فکر راحت و آسا یش پدران و
مادران خود هستند و بدون اینکه اطلاعی از
این نصوص داشته با شنده دف و نظر شان این
است که اطاعت و احسان و خدمت و احترام
والدين را کما هو حقها قلب ا منظور بدارند
چه که میدانند خود باین سرنوشت و کیفیت
میرسنند و باین حقوق متبادلہ نائل میگردند
که حضرت عبدالبهاء حل ثنائه نیز با آن
اشاره فرموده اند قولہ الاحلی " پیران باید
مواظبت و رعایت جوانان کنند و حوانان باید
حرمت و اطاعت پیران نمایند این حقوق
متبادلہ است "

عنصر روحاني پدر اگر در پرسنل حلول و حصولیاً بد
والولد سراییه گردد البته در خدمت و احسان
بوالدين موفقیت حاصل مینماید نگارنده
در طی اسفار خود در بلاد و قراء کثیره پس رانی
راد رخاندان احباب دیده و ملاقات کرده ام که
سعادت خدمت و احسان بوالدين را ب تنحو
شا یسته و آبرو مند حائز گشته اند و از عنصر
روحاني پدر سرچشمہ گرفته اند عنصر روحاني
همان علاقه بسیار عمیق امری است که از
ادعیه والدين بوسیله روح دعا و مناجات
در حق اولاد صورت میگیرد و آثار آن ادعیه
در اعمال اولاد ظاهرو بآه میشود آن پس ران
قدرا ینمقام را میدانند که حضرت عبدالبهاء
میفرمایند (دعای پدر پاک جان در حق پسر
قدرتان مقبول درگاه حضرت یزدان)

برای ایشان استدعا گردد اجری جزیل در
ملکوت رحمانیت برای اولاد ثبت است . بحسب
مناجات های حضرت بهاء اللہ جل جلاله که برای
مانازل گردیده وظیفه داریم که برای خود
والدین خود را زساحت کبریاء طلب مغفرت
نمائیم قوله جل جلاله "

"اللهی اللهی اسئلک بدماء عاشقیک الذین
اجتبهم بیانک الاحلی بحیث قصدوا الذرورة
العلیاء مقر الشهادۃ الکبری وبالاسرار
المکنونة فی علمک وباللئالی المخزو منه
فی بحر عطا ئک ان تغفرلی ولابی وامی وانک
انت ارحم الراحمین لاله لا لانت الغفور
الکریم" الى آخر بیانه الاعلی

و در مناجاتی دیگر از قلم قدم نازل گشته قوله
جل بیانه .

"ا رب فا رسول على نسائم الغفران من
شطرا سمک السبحان ثم ا صعدنى الى قطب
الرضوان مقرأ سمک الرحمان الرحيم ثم اغفر
لی ولابی ثم التي حملتني بفضل من عندك
ورحمة من لدنک وانک انت ارحم الراحمین"
الى آخر بیانه الاعلی .

و در مناجاتی دیگر در باره اجر مومنین و
غفران عموم والدين از قلم اعلی نازل
قوله جل جلاله " انت الذي يا الله وعدت
في محكم يا تک بآن تذكرهم في كتابك جراء
اعمالهم في ايامك صل الله لهم عليهم وکبر
الله على وجههم بتکبیرا شرق شمسه
من افق فم مشیتك و ظهرت انواره من ملکوت
بیانک ارب اغمسمهم فی بحر حمتک و نورهم
بأنوار فجر ظهورک ثم اغفر يا الله آباءهم
وا مهاتهم بجودک و کرمک و الطافک ثم ارسل
عليهم عن يمين جنتک العليا نفحات قمیص
جمالک الابھی انک انت المقتدر على ما تشاء
وانک انت حاکم الامر المعط الغفور الکریم
والحمدلک يا محبوب العالم و يا ایها المذکور

حبتی غیر ارایی مقام کانادا

ب دستور محفل روحانی ملی بهائیان کانادا نظردا و طلبان عزیمت به نقاط مهاجرتی جزء اهداف کانادارا به نکات زیر جلب مینماید

۱- قبل از هر اقدام بالجنه ملی مهاجرت کانادا تماس حاصل نموده اطلاعات مقدماتی و مهم را کسب فرمایند.

۲- با مراجعت به فهرست نقاط لازم المهاجر که در بخش پیامهای واصله از معهد اعلیٰ چاپ شده ملاحظه خواهند فرمود که اکثر این نقاط جزا یرگرمسیری است که در کارائیب و جنوب پا سفیک واقع شده وزبان آنها فرانسوی است همچنین نقاط دیگری در قاره آفریقا قرار دارد که زبان آنها نیز فرانسه است. برای این مراکز اساساً ب وجود احبابی نیازمند است که از نظر مالی توان آنرا داشته باشند که ابتدا به محل عزیمت کرده و پس از استقرار در صدیافت امکانات استخدا و اشتغال برا آیند.

۳- برای جویندگان استخدام و اشتغال بکار آکیدا توصیه میشود که قبل از جویندگان منتشر شده توسط لجنه ملی مهاجرت کانادا را که قابل خریداری از B.D.S میباشد در حقیقت مطالعه فرمایند.

۴- آدرس و شماره تلفن دارالانشاء محفل روحانی ملی بهائیان کانادا که لجنه ملی مهاجرت و درساختمان آن جا دارند باینقرار است:

7200 Leslie st.

Thornhill , ont. Canada

L3T 2A1

Tel . (416) 889- 8168

دعای پدر در حق اولاد وقتی مستحاج میشود که اولادقدرو قیمت دعاهای پدر را بداند وسعي کند که از عنصر روحانی ^{بُنْشَعْبَ} گردد حضرت عبدالبهاء جل ثناءه دریکی ازالواج به پسری میفرمایند "ای عزیز عبدالبهاء پسر آن پدریا ش و شمر آن شجرزاده عنصر جان و دل او باش نه همین آب و گل پسرحقیقی آنست که از عنصر روحانی انسان منشعب گردد"

منتخبات مکاتیب

حضرت بهاء الله جل جلاله در اکثری ازالواج درباره علماء و مراء و سلاطین و ناقضین دعا فرموده اند (نسئل الله تبارک و تعالیٰ ان یویدا کل على العدل والانتصاف و یوفهم * على الانابة والرجوع انه هو السامع المجيب متاسفانه ناقضین و علماء و مراء و سلاطین قدر ادعیه مظہر ظہور را نداشتند و ابا و توبه و رجوع بمظہرا من کردن دلذا ادعیه مظہر الہی درباره آنها مستحاج نشد و کل از شمره حیات محروم گشتن دالبته دعا قدردان لازم دارد تا بعزم قبول آید و مستحاج ب شود.

بیا در مجلس توحید و بنگرایت احسان که این هردو قرین گردیده اند رمحضر رحمان

پس آنگه میشنجو جانا دعاهای پدر ما در که گرق در شبدانستی اجابت میکنندیزدان

* لوح شیخ محمد تقی نجفی ابن ذئب

داستان‌خوانی

در ساعت درس جا معهشنا سی دبیر مربوطه قسمت استعما رفرهنگی را درس میدادند برای اینکه مثالی زده باشندیا نت بهائی را یک نوع استعما رفرهنگی قلمداد کردند و من برحسب وظیفه ئی که داشتم با اجازه دبیر بلندشدم و تا حدی که میتوانستم نسبت به آن مسئله رفع شبهات نمودم. — بعد از چند روز مذیّر گفتند این چه عقیده ایست توانداری توکافی. اسلام حق است، اسلام آخرین دین است و از این حرفها —

یکی از اعضاء انجمن پرسید عقیده شما چیست؟ من به ایشان گفتم با رها گفته‌ام که من بهائی هستم که تا گهان حاجی از جا بلندشدو گفت تودیگه جائی در این دبیرستان نداری تا حافظکاری میکردم پس خوبی هستی تودیگر حق نداری سرکلاس بروی تا وضعت روشن شود.... با لآخره بعد از گفته از دفتر امام جمعه با پاسدار می‌آیند مدرسه سراغ من.... از زمانی که سوارماشین شدم که به دفتر امام جمعه حجۃ‌الاسلام — بروم تما م بدین میلرزید و مداراین فکر بودم که چی‌میپرسند و من چه‌جواب بدهم و با من چه کار خواهند کرد خلاصه با آن حال رفتم در دفتر امام جمعه و من خود را مقابل میز امام جمعه یا فتح آن احساس نیم ساعت قبل راند اشت و ما نند این بود که شخصی مرا از لرزیدن بازمیداشت یا به تربگویم ما نندیک ستون از پولاد بدون تکان ایستادم.

در دفتر امام جمعه حدود هشت نفر از روحانیون بودند.... و تمام محافظین امام جمعه پشت سرم ایستاده بودند..... بعد از چند لحظه امام جمعه سرش را بلند کرد و گفت... بله.... کاری داشتید— گفتم بنده خیر— شما با من کار داشتید پرسید ا سمت چیست..... اسم پدرت چیست؟ گفتم سید.... — گفت سید هم هستی— گفتم بله— گفت مسلمان هستی— گفتم خیر— گفت چه دینی داری گفتم بهائی— گفت پدرت چه کاره است، گفتم بیکار— گفت شما مخالف اسلام و قرآن و حضرت محمد هستید، گفتم خیر، ما اسلام و قرآن و حضرت محمد و کلیه ائمه را قبول داریم و به ایشان احترام می‌گذاریم— گفت تو که می‌گوئی من مسلمانم و به قرآن اعتقاد دارم— که من با عرض معدتر گفتم حاج آقا بنده اسمی از مسلمان بودن نیا و ردم بنده بهائی هستم بلکه به اسلام اعتقاد دارم— اعتقاد من به اسلام همانند اعتقاد شما به یهود و مسیح و تورات و انجلیل است، گفت خوب تو که می‌گوئی اعتقاد داری و احترام می‌گذاری آیا از کتب ائمه مطالعه کرده‌ای؟

گفتم تا جائی که میشدۀ - گفت بگوییم کجا کتابهای ائمه‌نوشته شده که
ضعیفه‌ای پسری به دنیا می‌آورد به ناسیدعلی باب و امام زمان است . گفتم
حاج آقا مقام زن اینقدر کم نیست که شما ازا و بنا میک ضعیفه‌نا مبیرید - ما در
تاریخ زنها ئی همانند حضرت مریم - حضرت خدیجه - حضرت فاطمه وغیره داریم
که به آنها احترام می‌گذاریم و نشانه‌یک انسان کامل و نمونه قدرت و استقامت
هستند گفت خوب بگوییم کجا کتابهای امام زمان نوشته شده

گفتم جائی نوشته نشده - ولی شما به من نشان بدھید کجا نوشته شده که نمی‌اید
بعد ادامه دادم امام صادق می‌فرماید . اگر من سه تن از شمارا مومن واقعی
می‌پنداشم روانی دانستم حدیثی از شما کتمان کنم امام جمعه گفت یعنی
میخواهی بگوئی - آن حدیث درباره سیدعلی محمدباب بود .

گفتم خیر - خدا و تدهیچ وقت انبیاء خود را به اسم معرفی نمی‌کنند بلکه
برای شناخت آنها دلائل و نشانه هنطی بسیاری می‌گذارند که این خود افراط
هستند که با یدبا قلبی پاک آنها را قبول کنند و این روابیت نشان میدهد که در آن
موقع هم بعضی مسائل را جز ائمه اطها رهیچ یک از مومنین نمیدانستند چون
مومن واقعی نبودند گفت خوب اینکه چی ؟ گفتم در کتاب دینی مانو شته
شده از امام صادق سوال شده که وقتی که امام زمان ظهور کنندیں جدیدی می‌آورد
اما مگفتند بله دین جدید و آئین جدیدی می‌آورد همان گونه که حضرت رسول در آغاز
ظهور اسلام دین و آئین جدیدی آوردند .

بعدیکی از آقایان روحانی که آنجا بودند به من گفتند شما روسی هستید
وشخصی بنا مکلنل دارگورکی در اعتراضات خود نوشته که ما شخصی را آورده‌یم
به نام سیدعلی محمدباب و اورا مست‌کرده و گفتیم که بگوید من امام زمان هستم
و بعد بگوید من نور خدا هستم و بعد بگوید من خود خدا هستم . من گفتم نه تنها من
بلکه جامعه بهائی نمیداند بسازکدام یک از شما علما بر قصد یکی می‌گوید
روسی هستید - یکی می‌گوید آمریکائی یکی می‌گوید انگلیسی یکی می‌گوید
اسرائیلی شما خودتان در فلسفه اسلام دارید که اگریک مطلب درست باشد همه
با یدیک نظر در مورد آن داشته باشند مثلا درجه جوش آب را همه می‌گویند در ۱۰۵ درجه
است یکی نمی‌گوید ۱۲۵ درجه دیگری و با زمین در فلسفه اسلام است که
چیزی هم که درست نیست اصلا نباید مطرح شود ، ناگهان امام جمعه گفتند
فضولی نکن . وبعد ادامه داد اسلام آخرین دین است وبعد از آن دینی نمی‌اید
و شما کافر هستید و شما بر حق نیستید .

من گفتم حاج آقا اجازه هست - گفت خیر - گفتم پس من بدون جازه صحبت می‌کنم
ما کافرنیستیم و بر حق هستیم و دوران اسلام تمام شده حرفهای مرا قطع کرد و گفت

نه^۱ اسلام ابدی است و بعدیک آیه عربی گفت که من متوجه نشدم گفتم شما در قران
دارید لکل امّة اجل حاج آقا گفت امت چه ربطی به دین دارد گفتم امت
از چه زمانی به جای قوم و قبیله به کار می‌رود آیا از آغاز ظهور اسلام این کلمه
به کار نمی‌رود؟ پس این کلمه خاص اسلام است و وقتی که یک نسل بروندنسی
دیگر می‌آید این نسل جدیداً حتیاج به آئین جدید که با طرز فکرشان بخواند
و بعد ادامه دادم دوران اسلام تمام شده از سال ۲۶۰ هـ - ق وفات امام میا زدهم
تاسال ۱۲۶۰ زمان اظهارا را مرسی دعی محمد با بهزار سال می‌گذردو گفتم حاج
آقا شما کتاب بحرا لانوا مجلسی جلد ۱۳ را خوانده‌اید؟ گفت اگر خوانده‌ام
یا دم نیست گفتم در آن کتاب یک ایه‌ا زقول حضرت رسول نقل شده که من عربی
آن را بلند نیستم ولی شما مطمئناً بلد هستید. گفت بگو بینم چی است
گفتم حضرت رسول می‌فرماید اگر امّت من صالح باشد مدت عمر آن یک روز الٰهی
واگر نا صالح باشد مدت عمر آن نصف روز الٰهی و هر روز الٰهی ۱۰۰۰ سال است
بعد ادامه دادم پس شما امّت صالحی بودید چون بیش از ۱۰۰۰ سال عمر کردید حالا
دوران بهائیت شروع شده و باید این دین سیر تکا ملی خود را طی کندتا زمانی
که خدا ونداراده بفرماید دین و آئین جدیدی بیا ورد و هیچ نیرو و قدرتی
نمی‌تواند جلوی تکامل دیانت بهائی را بگیرد.

ناگهان اما مجمعه گفتند خفه شو فضولی نکن - حاج آقا گفتند شما به اسرائیل
کمک می‌کنید. گفتم مسئله اسرائیل را شما مطرح می‌کنید این یک مسئله سیاسی
است و ما در سیاست داخلی نمی‌کنیم اما مجمعه گفتند شما آنجا ساختمان دارید
شرق الاذکار دارید گفتم آنها اما کن مقدسه ما هستند گفتند آنجا بیا رید
بیرون گفتم اما کن مقدسه جایش تغییر نمی‌کندر ضمن شما چرا بیت المقدس را
بیرون نمی‌آورید گفتند آنجا جایش خوب است گفتم خوب اما کن ما هم آنجا جایش
خوب است اما مجمعه گفتند خفه شو فضولی نکن برو بیرون من هم با آن حالت احترام
آمیز که در این مدت یک ساعت و نیم داشتم یعنی دست به سینه و لب خندبر لب با
عرض پوشش آدم بیرون که یکی از روحانیون گفتند بین پسرم خیلی از شما
بودند به آغوش گرم اسلام برگشتند توهم که به حکم شرع بدین بلوغ رسیده‌ای گفتم بله
به سن بلوغ رسیدم و این عقیده را با سلیقه و خواست خودم انتخاب کردم و تا آنجا
که در بدن قدرت داشته باشم و تحمل شکنجه و عذاب داشته باشم از دین خود بمنیگردم
وانگمی خون من که از دیگران رنگین ترنیست که بزرگ می‌شنود. حاج آقا
گفتند پس ما مجبوریم ترا از مدرسه اخراج کنیم گفتم هر کاری که وظیفه دارید عمل
کنید از دفتر را ما مجمعه که آدم بیرون همان لرزش و ترس دوباره مرا گرفت، از
دفتر را ما مجمعه رفتم به دفتر دیگرستان و بعد از خدا حافظی از شاگردان ورقه
اخراجی را گرفته و به منزل مراجعت نمودم.

نامه شیخ محمد خام زینوس محمودی در آم سجون بودن جناب فرهنگ مودت برای فرزمان او که در خارج بوده اند مرقوم فرموده اند.

بچه های خوب ما - ما مان خوب شما به من این شانس را دادند که
برا یتان چندسطری بنویسم - برای نازی خوب و مهربان و نغمه خاتم
آرا موبیا معزیز - دنیای ما این روزها دنیای عجیب و جالبی است همه
چیزش تازه و نواست و همه روا بط بین آدمها شگفت انگیز - حتما آنرا
نمیشناسید - ما ها را هم شاید نشنا سیدچون ما هم آدمها عجیب شده ایم
و با گذشته خیلی فرق کرده ایم . مثلا آن چیزها ئی که حالا را خوشحال
میکنند آن چیزها قدمی نیست - ارزشها برای ما ن همه عوض شده اند -
با براین شاید تعجب کنید اگر بنویسم هیچ وقت زندگی اینقدر برایمان
پر معنی و شگفت آور نبوده است و هیچ وقت شناخت ما از اطراف وزندگی
اینقدر واقعی نبوده است ، چقدر روزها و ما هها و سالها را که شب
وروزش دویديم - عبت و بیهوده - از آنهمه که برایش میدویديم دیگر
ا مروز چیزی باقی نماند - ا ما چیزها دیگر آمده - پراز معنی و حالا
اینها دارند ما را اقناع میکنند - راضی میکنند و خوشحالان میکنند -
مثلما زیلالذت میبریم - از بی سروسا مانی و نداشت خوشمان میاید و بیهوده
آنها که جانشان را فدا میکنند حسرت میخوریم - خلاصه آدمها مخصوصی
شده ایم - ا ما به صورت بوجودشما ها افتخار میکنیم چون مطمئن هستیم
که اگر ما عمرمان را بپای ارزشها بیهوده صرف کردیم شما نخواهید
کرد - و آن وظیفه بزرگی را که در آیندهایا م - نه خیلی دور بلکه به همین
سالهای پرشمرزندگی شما ها خواهد رسید - با آن مواد خواهید شد
میشناسید و خودتان را برای آن آمده میکنید - و آن بفرموده مبارک
تجدید بنای عالم بالهها موتا ئیدا ز تعلیمات و ا ما مرقس سبهائی است
نه تنها ا میدم هستید - بلکه تنها ا میدعا لمحه است - نسل جدید و شگفت انگیز
که بزرگترین مسئولیت های تاریخ را بر عهده دارد - خودتان را بیشتر
بسازید - ما اینجا کارمان را میکنیم و شما ها برای همه جا -
بقربا ن شما زینوس

أخبار وبيانات أمرية

ترجمة أخبار مجلس الشورى ١٣٢ و ١٣٣ و ٣١ سبتمبر ٨٣

دوفريه ١٩٨٤

تمبری به مناسبت همین سال بنای مشرق الاذکار
سازده کرد.

نمايندگان بهائی در مراسم ادبودا علامیه
جهانی حقوق بشر در قصر سفید آیا لات متحده
آمریکا.

سنهما يندگان بهائي روز ٩ دسا مبرد عدوت
شدنگاه در حضور رئيس جمهور آیا لات متحده
در قصر سفید در مراسم ادبود صدور اعلامیه
جهانی حقوق بشر شرکت نمايند. سرکار
خانم راما محمودی نورانی صبيه دوشپهيد
مجيديکي از مدعويين و قاضي جيمز نلسون
Judge James Nelson محفلي
روحاني ملي و پروفسور فيروز کاظم زاده
منشي محفلي ملي دونفردي گر بودند. خانم
محمودی نورانی در حالی که با خانم ژين
کيرکپاتریک Kirkpatrick و اعضاء کنگره آمریکا که در مسئله حقوق
بشر فعالیت داشته و نظر مساعد نسبت با مر
بهائي دارند روی صحته استاده بودند تلق
مختصري در کمال فصاحت و بلاغت بمنتهی دو
دقیقه راجع بمقابل جامعه بهائي در ایران
ادا کرد. رئيس جمهور رگان در اعلامیه خود
بهائيان اشاره کرده گفت: و در
ایران افراد بهائي بسبب ديانات خود مورد
آزار و اذیت قرار گرفته اند

أخبار وبيانات کوتاه و مختصر

در ماکاؤ (Macao) کتاب را هنما که تو سلط
جريدة يوميه ماکاؤ طبع و نشر ميشود آئين
بهائي رادر عداد مذاهب پنج گانه ماکاؤ که

پنجا همین سال نفوذ امر در حبسه حشن گرفته
ميشود.

پنجا همین سال نفوذ امر در حبسه روز ٩
دسا مبر ١٩٨٣ در حظیره القدس ملى در آديس
آبا با جشن گرفته شدونما يندگان از جوا مع
 محلی کشور شرکت داشتند پيا متهنيت و تشویق
از ساحت بيت العدل اعظم و پيا مدیگری از
امة البها روحیه خانم قرائت شد. تحیات چند
از مهاجرين قدیمی حبسه واصل و خوانده شد
دوستان حاضر تلگرافی بدین مضمون بساحت
بيت العدل اعظم مخابرہ کردند: "یاد
وقایع بر حسته پنجا ه سال فعالیت تبلیغی
از بداعیت نفوذ امر در حبسه قلوب را فتش
ومتفکر مینماید. الطاف حضرت بهاء الله
ما یه تشکروا ز مساعدت مهاجرين در تاسیس
جا معه بهائي حبسه امتنان حاصل . اميد
است اولین پنجا ه سال مقدمه پیشرفت بیشتر
درستین آتیه در این کشور و درقا ره آفریقا
باشد ."

در پانا ما تمبریست با تصویر مشرق الاذکار
صادر میگردد

در ماه اکتبر دولت پانا ما تمبریستی صادر
کرده مشرق الاذکار بهائي رانشان میدهد
با اسم "زادی مذهب" یک سری تمثیل چهار
تمبری با چهار تصویر کرده یک تصویر کلیسای
کاتولیک . یک تصویر مشرق الاذکار بهائي که
اسلامی و یک تصویر مشرق الاذکار بهائي که
هر کدا م در پانا ما اهمیت تاریخی دارد. این
موفقیت که ما یه افتخار جا معه بهائي در
پانا ما است نتیجه اقدامی است که محفلي
روحاني ملي در سال ١٩٨٢ نموده تقاضا کرد

ن عبارتست از بودا ئى - کاتولیک - پروتستانت
و اسلام ذکر نموده پیشرفت امر را درسی سال
از ابتدای ورودش با آن کشور تعریف نموده
است

موفقیت عظیم دو مهاجر ایرانی در حوزه آمازون برزیل

جناب عزت پیمانی و قرینه محترم
سرکار خانم شهلا پیمانی از سال ۱۹۷۷ با قایق
شخصی خود که اسم آنرا نورسیز Luz Verde نامید
گذاشتند در این روزها حوزه آمازون
که به شط آمازون منتهی میگردد حرکت
نموده به قریه‌ای که در ساحل رودخانه
میرسندا اهالی تماس گرفته با علان و ترویج
امراض مبارزت میکنند و درین مدت از
تمام رودها عبور کرده‌اند. در این مدت
دور رودخانه آخر که درینه ما اخیر تا نوا مبهر
۱۹۸۳ اطی کرده موقیت‌های عظیم حاصل نمودند
با اطی ۲۷۰۰ میل دریائی با فراد دو قبیله
مهم تعالیم‌بها ای را بلافاصله ۱۶۵ مرکز
فتح و ۱۰۰۵ انفر مومنین جدید را ظل امر
وار دنی نموده‌اند.

درباره این مقاله

درنما یشگاه بین المللی کتاب که ما
اکتبردر آرژانتین دائرگردیدا زطرف محفل
روحانی ملی برای اولین سارکتب و آثار
بهائی درغرفه مخصوص بنما یش گذاشته شد
وازان اقدام بی سابقه نتایج عظیمه در
اعلان امر حاصل گردید. از بین هفتاد هزار
نفوس از ملل مختلف که به تما یشگاه مدد
بیست هزار نفر از امصاره مطلع شدند.

در غرفه بهائی ۱۷۵۰ قطعه آثار بهائی
به تماشاییان داده شد و تعداد ۱۵۰۰ با دکنک
توزیع شد که روی آن نوشته شده بود: "بهائی
دیانت اتحاد" ۱۶۷ کتاب فروخته شدو
نفر برای شرکت در دوره تعليمات بوسیله
مکاتبه اسم نوشتند. غرفه بهائی مورد

در هائیتی محفل روحانی ملی یکی از
چهار سازمان غیردولتی اول است که از طرف
دولت برسمیت شناخته شده است.

در پیرو محفل روحانی ملی روز ۵ دسا میر
هنگا می که مشا ور محترم مسعود خمسنی از
دارالتبليغ مرکزی برای ملاقات دوستان
آمده بودند تصمیم گرفت صدمحفل روحانی
محلى هر کدام به اسم یکی از محافل روحانی
که در ایران منحل شده تا سیس نما یند.

درنروژ وفنلاند بدعوت محافل روحانی
ملی خانم شرلی لیندستروم Shirley Lindstrom
کی ازبومیان کانادا از قبیله هندی تلینگیت Lingit ساکن در خطه یوکان Yukon سفری تبلیغی برای پنج هفته با راهنمائی و مساعدة دوستان نروژی وفنلاندی به نواحی قطبی آن دوکشور نمودوبین قبایل لپ Lapp به ترویج و اعلان امرالله همت گماشت.

در مجمعالجزاير کیپ وردہ
Capeverde Islands ششمین محفل روحانی محلی یکی
از اهداف نقشہ هفت ساله که به سنگال
محول شده بود در ماہ نوا مبرتšکیل گردید
و بدین نحو تعداد مخالف روحانی محلی تکمیل
و طبق نقشہ هفت ساله محفل روحانی ملی
در رضوان آتیه تشکیل میگردد.

بود در ظل لواه حضرت بهاء الله وارد شد
و ۲۵ دسا مبر ۱۹۸۳ آخرين سرويس کليساي
خود را اجرا کرد . در ضمن آخرين نطق خود
اظها رداشت بسیاری از من پرسیده اند : "شما
که بايد مصارف يك عائله راتا مين کنيد
چرا از شغل خود استعفا ميدهيد؟ " در جواب
من ميگويم : "بعقide اين جانب پيشوانی
مذهبی شغلی نیست بلکه خدمتی است که
خدا خودش بمن محول کرده است . من چون
شغل پيشوانی مذهبی را ترک میکنم یقین
دارم نورالله در زندگانی من خواهد درخشید

اعلان کتابخانه مرکز جهانی امرالله :

کتابخانه مرکز جهانی در صدد است که
در سوابق خود مجموعه نشریاتی را که بوسیله
محفل مقدس روحانی ملی ایران انتشار
میافتد تکمیل نماید . این نشریات عبارتند
از :

محله آهنگ بدیع	"
اخبار امری	"
بشارات	"
ترانه امید	"

چنانچه آن محفل جلیل شماره هایی از
 محلات فوق الذکر را در اختیار را درند و ما یلنند
 به کتابخانه مرکز جهانی اهدا نمایند و یا
 آنها را بفرستند که عکس برداشته شده و مسترد
 گردد با کتابخانه با درس ذیل مرتبط گرددند
 که موجب نهایت امتنان خواهد بود .

Baha'i World Centre Library

Periodicals Section;

P.O.Box 155

31001 Haifa;

Israel.

توجه عده کثیری نفوس مهمه ازا ولیا ای مور
کشوری . روزنا مهندگاران . فضلا ودا نشمندان
و استادان دانشگاه واقع شدو بهر کدام یک
جزوه یا کتاب بهائی داده شد .

تبلیغ دسته جمعی در ایالت بیهار هندوستان پیشرفت قابل ملاحظه کرده است

طبق راپورت لجنه ملی تبلیغ تابحال در
ایالت بیهار اقبال دسته جمعی نفوس به
میزان فعلی نرسیده بود . تعداد مومونین
در ایالت به ۳۳۴۶ بالغ گردیده (هدف
۱۰۰۰ بوده است) تعداد محافل روحانیه
به ۳۱۹ بالغ شده (هدف ۱۵۵ محفل بود) که
جهل عدد آنها کا ملاوظ ائمه و مور مخلفی را
انجام میدهند جلسات محفل مرتبه تشکیل
وضیافت ۱۹ اروزه جلسات وا یا ممتبرکه منعقد
میگردد .

درا نگلیس کتاب دعائی برای اطفال
با اسم "خدای عزیز" (Dear God) که توسط
یک ناشر غیر بهائی تحت طبع است شا مل دو
مناجات بهائی از مناجات های حضرت
عبدالبهای میباشد .

درزئیر دو هیئت سه نفری از مبلغیین
سیار با جرات و شهامت مسافت بعیده را پیاذه
طی کرده به اعلان و ترویج امر همت گماشتن
درنتیجه هر یک بیش از هزار نفر را ملاقات و
بیش از ۲۰۰ نفر در ظل امروار دکردن ۲۲ محفل
روحانی جدیدتا سیس و ۶۶ عمر کزفتح گردید .

اقبال یک پیشوای روحانی پروتستان با مر میارک دریوگاندا

یک پیشوای روحانی پروتستان پا ستوور
بنسون کا ریوکی Pastor Bensone Kariuki بعد از تحقیق و تفحص راجع به تعالیم بهائی
که، کنفرانس منعقد در نایروبی ۱۹۸۲ شنیده

العِقَادُ اولَيْنِ سِيمِپُويُوم بِرْسِي بِطْمِين دِيَاتِ بِهَائِي دِيَاتِ اسلام

از آفَّا نَصْرَ ثَبَت

روزهای اول سال جدیداً مری یعنی ۱۲۳ مارچ ۲۵ کذشته سمپوزیومی تاریخی با شرکت ۴۰ انفر در موسسه اسلام‌شناسی دانشگاه معروف Gill Mc (در شهر مونترال) برگزار گردید که تقارن آنرا با ایام بهاری رمیتوان به عنوان تازه‌درمعرفی اصولی امر درجا معاهم محققین جهان بشمار آورد.

بیت العدل اعظم در پیا محبت آمیز خود این موتمر پرثمرتا ریخی را "موقیتی عظیم" توصیف فرموده و "دراعتاب مقدسه انجمن مطالعات بهائی و شرکت کنندگان را به ادعیه مخصوصه و طلب تائید برای اقدامات پرا رزشی که بعمل آورده اند مطمئن ساخته اند".

هدف اصلی از برگزاری این سمپوزیوم معرفی امریقه‌قاطبه محققین جهان و تشریح کامل ارتباط تاریخی و اصولی و فکری آن بادیانت اسلام بود.

سخنرانی‌ها و مقالات توسط چهار نفر محقق برجسته غیر بهائی یعنی پرفسور بیورگل (J.C.Burgle) از دانشگاه برن (سویس) پرفسور فیشر (M.J.Fisher) از دانشگاه رایس (آمریکا) پرفسور آنمری شمیل (Ann Marie Schimmel) از دانشگاه هاروارد (آمریکا) و پرفسور ما روین زونیس (Marvin Zonis) از دانشگاه شیکاگو (آمریکا) و پنج نفر محقق برجسته بهائی یعنی پرفسور الکساندر بوزانی از دانشگاه رم (ایتالیا) پرفسور حشمت موید از دانشگاه شیکاگو (آمریکا) پرفسور امین بنانی از دانشگاه کالیفرنیا (آمریکا) دکترو حیدر افتی از دارالتحقيق بهائی در ارض اقدس و جناب داگلاس ما رتین منشی محفل روحانی ملی بهائیان کانادا ارزش و اهمیت خاص این سمپوزیوم را مشخص مینماید. مضافا به شخصیت‌های فوق الذکر مشارکت پرفسور بولاتا (Issac J. Boullata) مدیر موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مزبور و پرفسور آدمز (Charles Adams) از همان موسسه در اداره جلسات و مذاکرات نشان داد که تا چه اندازه دانشگاه مزبور به اجرای چنین برنامه‌ای اهمیت داده است. صبح روز جمعه ۲۳ مارچ سمپوزیوم با خیر مقدم گرمی که از طرف جناب دکتر حسین دانش رئیس هیئت اجرائی انجمن مطالعات بهائی به شرکت کنندگان گفته شد افتتاح وسیس جناب داگلاس ما رتین به عنوان اولین سخنران به معرفی کلی دیانت بهائی پرداختند.

بعداً زهر آن روز ابتدا پرفسور بوزانی تحت عنوان نظرگاه دیانت بهائی از تاریخ ادیان با مراجعت به عین بیانات حضرت بهاء الله و خصوصاً کتاب ایقان تحریه و تحلیلی فوق العاده عمیق و تازه در مفهوم "علم المقادير" و وعد قرآنی به درباره ظهور حضرت بهاء الله بعمل آورده و سپس پرفسور فیشر از نظر انترپولزی تاریخ شهدای یزدرا به تفصیل تشریح نمودند. مناجاتی را که پرفسور بوزانی به عنوان مسک الختا مسخنرانی خود نقل نموده بودند کلیه حاضرین و خصوصاً رئیس جلسه راعمیقا تحت تاثیر قرارداد.

سخنرانی صبح روز شنبه بیست و پنجم مارچ توسط پرفسور بیورگل و تحت عنوان نظر دیانت بهائی درباره صلح (ضمن مطالعه ریشه موضوع در دیانت بهائی مسیحی و اسلام) بعمل آمد و متعاقب آن یکی از تحقیقات بسیار رازنده در زمینه رابطه تاریخی ادیان بهائی و اسلام توسط پرفسور حشمت مؤید ارائه گردید که در آن با وضوح و صداقت خاص ضمن بررسی ریشه‌های تاریخی و تئولژیکی واشاره به وقایع تاریخ معاصر ایران، علل خصوصیت قوم شیعه بادیانت مقدسه بهائی تحریه و تحلیل شده بود.

خانم شیمیل که شخصاً موفق به شرکت در سمپوزیوم نشده بودند متن سخنرانی خود را که یکی از زیباترین تحقیقات در آن را محمد اقبال لاهوری شاعر بلندپایه پاکستان و بررسی اثرات دیانت بای وبهائی در فکارا و بودا رسال نموده و خواهش کرده بودند که متن سخنرانی توسط پروفسور حشمت مؤید قرائت شود. اشعار حضرت طاهره به زبانی اصلی نقل گردیده و مقاله‌ها شعر معروف گربتو افتدم نظر چهره به چهره روبرو شروع شده بود. طنین کلمات در آن فضای علمی انسان را بیا دکلیه احیای عزیزالهی و خصوصاً جان باختگان در راه حقیقت می‌انداخت که شاهد ارتقاء ندای الهی از بزرگترین موسسات اسلام‌شناسی با قلم و بیان محب و محبوب باشد. دومین ناطق بعداً ز ظهر همین روز حنا ب وحید را فتی از دارالتحقيق بهائی بودند که درباره افکار شیخیه در عالم تشیع اسلامی سخنرانی نمودند.

صبح روز آخربه ترتیب پروفسور زونیس درباره حقوق بشر در ایران در قرن بیست و پنجم پروفسور را مین



بنانی درباره لسان آیات نازله در اسلام و دیانت بهائی سخنرانی های خود را ایراد کرده و در جلسه بعداً ز ظهر کلیه سخنرانان و ناظمین جلسات به سوالات حاضرین پاسخ دادند. لازم به تذکر است که بلافاصله بعداً ز پایان ایراد نطق توسط هر یک از ناطقین وقت کافی برای سوال و جواب در اختیار شرکت‌کنندگان گذاشته می‌شد.

در پایان پروفسور بولاتا بالطف و محبت خاصی که به انجمان مطالعات بهائی ابراز نمودند این سمپوزیوم را به عنوان اولین سمپوزیوم در شناخت و تعریف رابطه بین دیانت بهائی و اسلام معرفی کرده و خواهان این موضوع شدن دکه با تشکیل یک سلسله‌ای از چنین جلساتی کلیه روابط بین دو دیانت عمیقاً مشخص گردند.

با توجه به اهمیت مطالب ارائه شده در این سمپوزیوم در نظر است با همکاری یکی از دانشگاه‌های آمریکای شمالی مقالات ارائه شده در کتابی که احتمالاً با نام "مطالعات درباره دیانت بهائی و اسلام: جلد اول" نا میده خواهد شد منتشر گردد.

اولین کنسرت عمومی بهائی در تورنتو

اولین کنسرت بهائی در کانا دا در تاریخ ۱۳ آپریل ۱۹۸۴ زطرف محفل مقدس روحانی ملی کانا دا درسالن Minkier Auditorium کالج سنکا Seneca college در تورنتو تشکیل گردید. مtega وزازیکهزا رنفردراین کنسرت شرکت نمودند که سیصد نفر آن را غیر بهائی و شا مل رجال و محترمین و اساتید دانشگاه بدعوت محفل ملی و دوستان غیر بهائی بدعوت افراد احبابی الهی بودند.



عنوان جلسه (وحدت در کثرت) بود که پس از اجرای برنامه ها این روح در جلسه حکم فرمای گردید. نظام جلسه بعده جناب دا گلاس ما رتین منشی محترم محفل مقدس روحانی ملی کانا دا بسود و برنا مه جلسه شا مل کُرطا هر (احبابی ایرانی) - کُراحبای کانا دائی - و کُرمشترک ایرانی و کانا دائی با شرکت گوردن مونرو و عده ای هنرمندان بهائی و رهبری جک لنز و دکترا ردشیر نورده و گروه هنری ارامنه و چند نفر دیگر از هنرمندان غیر بهائی بود. اجرای برنامه های هنری با ترتیب فوق هیجان زائده الوصی در بین حاضرین ایجاد نمود و روح جلسه آنچنان بود که یاران رحمانی و افراد غیر بهائی را شدیداً تحت تاثیر قرار داده و جمعی از فرط احساسات اشک میریختند روح وحدت ویگانگی نژادها و ملیت ها و ادیان مختلفه حاضر در جلسه کا ملابرای هرفروی قابل احساس و درک بوده و شرکت کنندگان با رضایت کامل جلسه را که از ساعت ۸ بعد از ظهر شروع و در ساعت ۱۱ پایان پذیرفت ترک نمودند.





‘ANDALÍB